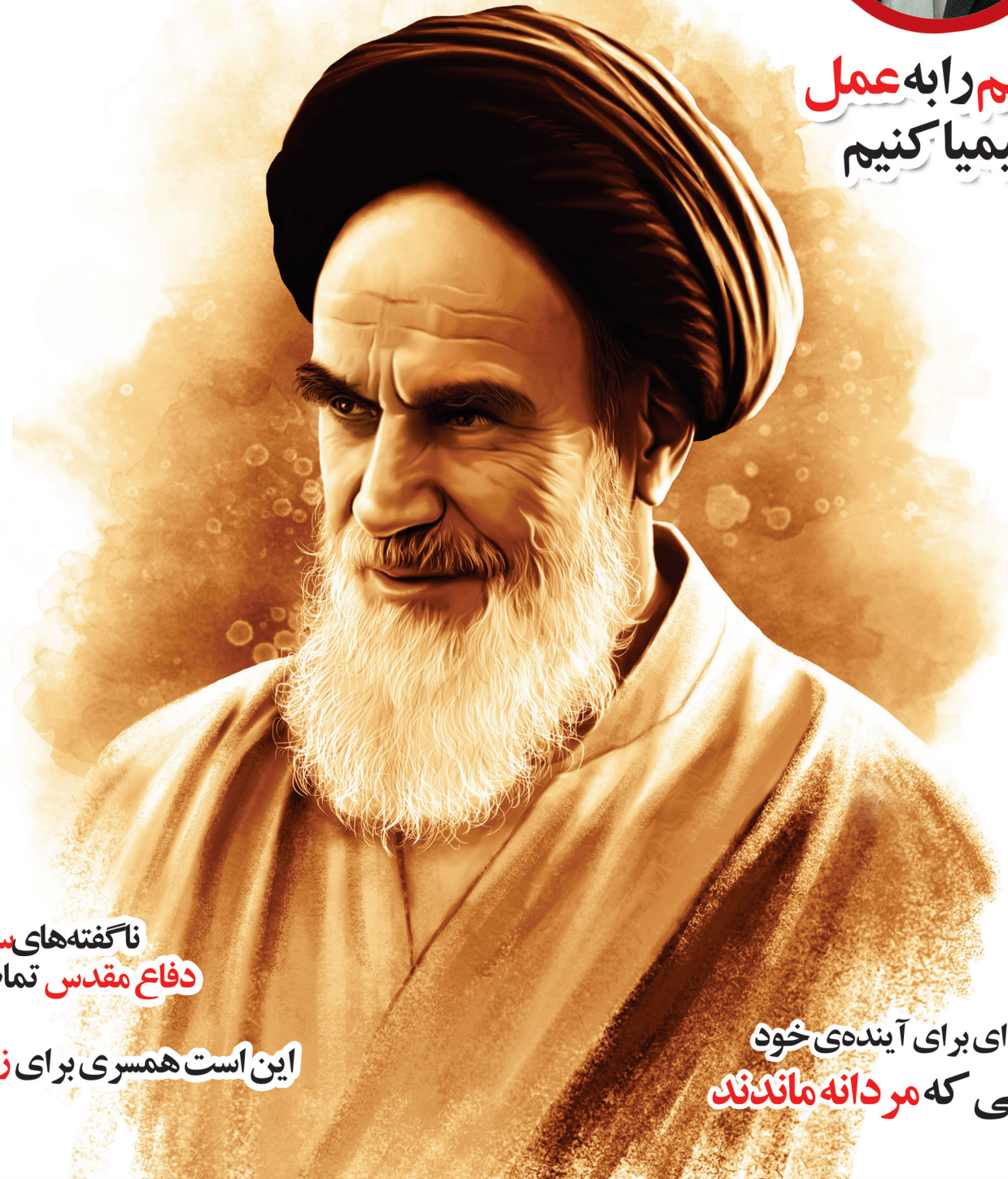


ماهنامه فرهنگ اجتماع جوانان ایران ۱۰۶  
شماره ۱۰۶ / پیاپی ۴۶۴ / خرداد ماه ۱۳۹۳ / قیمت ۱۱۰۰ تومان

# بناهد جوان



علم را به عمل  
کیمیا کنیم




ناگفته‌های سینمای  
دفاع مقدس تمام نشده

این است همسری برای زندگی

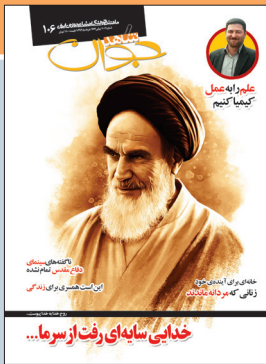
خانه‌ای برای آینده‌ی خود  
زنانی که مردانه ماندند

روح خدا به خدا پیوست...

## خدایی سایه‌ای رفت از سر ما...



تمام کودگان شهر من می دانند:  
"مستقیم" نه راست است و نه چپ.  
الهی! اهدنا...



## جوان

ماهنامه فرهنگی و اجتماعی  
شماره ۱۰۶ / خرداد ماه ۹۳

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد شهید و امور ایثارگران  
مدیر مسئول: احمد مازنی  
سر دبیر: محمدعلی فقیه  
مدیر اجرایی: نادر دقیقی

دبیر تحریریه: آمنه آدینه  
مدیر هنری، طراح گرافیک: امید بهزادی  
دبیر عکس: محمد علیانی مقدم  
ناظر فنی چاپ: شاپور محمد حسن زاده  
حروفچین: ویدا امیدی  
امور فنی: آتلیه شاهد  
تلفن تحریریه: ۸۸۳۰۸۰۸۶  
تلفن امور مشترکین: ۸۸۸۲۳۵۸۴  
دورنگار امور مشترکین: ۸۸۳۰۹۲۴۹

ناشر: انتشارات شاهد  
تهران - خیابان طالقانی - خیابان ملک الشعرای  
بهار شمالی - شماره ۵  
تلفن: ۸۸۸۴۲۲۴۷  
آدرس الکترونیکی: Email:javan@shahedmag.com  
صندوق پستی: تهران ۱۵۷۱۵/۱۹۴

چاپ: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

- \* شاهد جوان برای جوانان ۱۷ تا ۲۵ سال منتشر می‌شود.
- \* مجله در تلخیص و ویرایش مطالب رسیده آزاد است.
- \* مطالب رسیده بازگردانده نمی‌شود.
- \* نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ مجاز است.

- حرف اول: ۴ / توجه به تمام ابعاد انسانی
- یادداشت: ۵ / لذت عفو، شیرینی گذشت
- برداشت آزاد: ۶ / کتاب و کتابخوانی از نگاه مقام معظم رهبری
- دخترانه - پسرانه ۸ / این است همسری برای زندگی
- مادرانه - پدرانه ۱۰ / من از دنیای بی کودک هراسانم
- اجتماع ۱۲ / زنانی که مردانه ماندند
- موج سازان ۱۴ / یک گل نصرانی
- راه و چاه ۱۶ / بیگانگان میهمان
- مهارت ۱۸ / رود خروشان
- مطبخ ۱۹ / آبگوشت گوجه سبز
- لیخند ۲۰ / صد قدم به راست، پنجاه تا به چپ
- جدول ۲۱ / جدول
- سبک زندگی ۲۲ / خانه‌ای برای آینده‌ی خود
- سرچشمه ۲۴ / نقطه بی بازگشت انقلاب
- عافیت ۲۶ / مراقبت از مرواریدهای دهان
- سلامت ۲۸ / خال خوب، خال بد
- خانه دوست ۳۰ / شهر طبیعت، سوئیس ایران، فریدونشهر
- حماسه آفرین ۳۲ / علم را به عمل کیمیا کنیم
- نور و نقره ۳۴ / ناگفته‌های سینمای دفاع مقدس تمام نشده
- نقد و نظر ۳۶ / نیمه پنهان یک شکوه
- علمی ۳۸ / هاوین در جهان خبرساز شد
- دور و نزدیک ۴۰ / ماه ژوئن، ماه یادبود ارزش‌های ملی
- یک. دو. سه ۴۲ / سایوکان، ورزشی دفاعی
- حرکت ۴۴ / عزم عظیم در برابر عظمت کوهستان
- دریچه ۴۶ / گردش در دنیای مجازی با خاطری آسوده
- بین‌الملل ۴۸ / پشت‌پرده بوکوحرام
- داستان ۵۰ / آدرس
- شعر ۵۲ /
- بازار کتاب ۵۳ /
- باشگاه مهربانی ۵۴ /
- تفأل ۵۶ /
- انگلیسی ۵۸ /



## توجه به تمام ابعاد انسانی

خرداد از آن ماه‌هایی است که مفاهیم و مضامین بسیاری را در اذهان تداعی می‌کند یعنی وقتی نام «خرداد» را می‌شنویم اتفاقات بسیاری برایمان یادآوری می‌شود. بچه‌تر که بودیم خرداد ماه امتحان و درس و برداشت محصول بود.

ماهی بود که بعد از نه ماه درس و مشق باید نتیجه می‌گرفتیم از آن روزهای سرد و گرمی که در کلاس‌های درس می‌گذرانیدیم و همزمان برداشت خوشه‌های طلایی گندم مزرعه‌ی پدر بزرگ بود که زیر آفتاب تالگو خاصی داشتند.

بزرگ‌تر که شدیم، تاریخ را که مطالعه کردیم خرداد بود و قیام پانزده خرداد سال ۴۲ و بعد هم که سوم خرداد بود و حماسه‌ی آزادی خرمشهر، حماسه‌ای که در تاریخ ایران بی‌بدیل است. و در تمام این اتفاقات جوانان دخیل بودند. در حماسه‌ی ۱۵ خرداد ۴۲ این جوانان انقلابی بودند که با رهبری امام خمینی (ره) پایه‌های یک انقلاب اسلامی و پرشور را بنا نهادند و همان زمان امام خمینی (ره) از یاران دیگری گفت که در گهواره بودند. آنها که در سال‌های ۴۲ در گهواره بودند در دهه‌ی ۶۰ و روزهای جنگ جوان بودند و برنا و زیر پرچم جمهوری اسلامی از امام، ایران و آرمان‌های انقلاب پاسداری کردند تا پای جانشان و اگر نبود آن جانفشانی‌ها و ایثارگری‌ها، امروز خرمشهر، محمره بود و جشن سوم خرداد هر سالمان یک آرزو.

و تمام این دل‌آوری‌ها و شور و هیجان انقلابی، در مکتب حسینی خمینی تدریس شده بود که چنین بی‌مهابا سینه را مقابل گلوله سپر کرده بودند. همان رهبر عظمایی که با نگاه نافذش از فرسنگ‌ها راه

دور یک انقلاب با شکوه را رهبری کردند، کسی که هر روز که می‌گذرد بیشتر با او و اندیشه‌ها و آرمان‌هایش آشنا می‌شویم. حقیقتی همیشه زنده که، ناشناخته مانده و باید از زوایای مختلف به او و بزرگی‌اش برسیم. شاید یکی از تازه‌ترین زوایای زندگی شخصی امام را در نامه‌ی محبت‌آمیزی می‌بینیم که به همسرش نوشته بودند:

شخصیت مردان بزرگ الهی، بر خلاف مردم عادی، تک بعدی نیست و وجوه گوناگون دارد. آنان با تهذیب نفس توانسته‌اند، اضداد را در خود جمع کنند. برای مثال؛ امام خمینی با پشت سر گذاشتن مدارج عالی تعالی انسانی، ظرفیت وجودی خویش را چنان وسیع ساخت که توانست، مفاهیمی چون عرفان، ساده‌زیستی، جهاد، زهد، سیاست، مدیریت، قاطعیت، عاطفه، سازش ناپذیری، انعطاف، فروتنی، عزت‌طلبی و... را یک جا در شخصیت خویش جمع آورد.

ایشان با وجود قاطعیت و سازش‌ناپذیری، روحی لطیف و عواطفی عالی داشت که به اشکال گوناگون جلوه‌گر می‌شد.

از آن جمله این که در فروردین سال ۱۳۱۲ شمسی، که امام در سفر حج بودند، در بیروت، نامه‌ای برای همسرش مرحومه خدیجه ثقفی - که دومین فرزند را در بطن خود داشتند - نوشتند که متن کامل این نامه بدین شرح است:

تصدقت شوم، الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نور چشم عزیز و قوت قلبم گردیدم، متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آیینه قلبم منقوش است. عزیزم، امیدوارم خداوند شما را به

سلامت و خوش در پناه خودش حفظ کند. [حال] من با هر شدتی باشد می‌گذرد؛ ولی به حمدالله تا کنون هر چه پیش آمد، خوش بوده و الان در شهر زیبای پیروت هستم.

حقیقتا جای شما خالی است، فقط برای تماشای شهر و دریا خیلی منظره خوش دارد. صد حیف که محبوب عزیزم همراهم نیست که این منظره عالی به دل بچسبد.

در هر حال، امشب، شب دوم است منتظر کشتی هستیم. از قرار معلوم و معروف، یک کشتی فردا حرکت می‌کند، ولی ماها که قدری دیر رسیدیم، باید منتظر کشتی دیگر باشیم. عجلاتا تکلیف معلوم نیست، امید است خداوند به عزت اجداد طاهرینم، که همه حجاج را موفق کند به اتمام عمل. از این حیث خیلی سفر خوبی است، جای شما خیلی خیلی خالی است. دلم برای پسرت [سید مصطفی] قدری تنگ شده است. امید است که هر دو به سلامت و سعادت در تحت مراقبت آن عزیز و محافظت خدای متعال باشند. اگر به آقا [پدر همسر امام] و خانم‌ها [مادر و مادر بزرگ همسر امام] کاغذی نوشتید، سلام مرا برسانید. من از قبل همه نایب‌الزبانه هستم. به خانم شمس آفاق [خواهر همسر امام] سلام برسانید و به توسط ایشان به آقای دکتر [علوی] سلام برسانید. به خاور سلطان و ربابه سلطان سلام برسانید.

اینجاست که می‌فهمیم زندگی یک انسان نباید یک بعدی باشد، بلکه باید تمام ابعاد زندگی‌اش را رشد و تعالی دهد که به موفقیت‌های بزرگی برسد.

پس به امید موفقیت‌های تمام جوانان ایران اسلامی.

سردبیر



## لذت عفو، شیرینی گذشت

چقدر در شرایطی قرار گرفته‌اید که هم توانایی بخشش داشته‌اید و هم انتقام؟ موقعیت دوگانه‌ای که شما تصمیم‌گیر نهایی هستید و بسته به تصمیمتان هم می‌توانید جریانی را به سمت روال عادی خود هدایت کنید و هم از روال عادی خارج کنید. بگذارید کمی عینی‌تر صحبت کنیم؛ فرض کنید زندگی یا مرگ یک انسان در دستان شماست. شما به حق، می‌توانید کسی را بمیرانید یا زندگی دوباره را به او هدیه دهید. در چنین شرایطی است که روح شما می‌تواند به شما دستور دهد یا طبق روال معمول حقتان را اجرا کنید و یا خلاف مسیر معمول و ذهنی آدم‌ها از حق خودتان چشم‌پوشی کنید.

اما بهانه‌ی نوشتن این یادداشت، موج گذشت و عفو است که در سراسر کشور راه افتاده است، طی یک ماه گذشته اولیای دم چندین مقتول قبل و حین اجرای حکم قصاص قاتل فرزند خود اعلام کردند متهم را عفو می‌کنند. این موج پس از آن آغاز شد که فوتبالیست سابق مازندرانی و

همسرش قاتل فرزند خود را در شهرستان نور در ملأعام بخشیدند و مادر مقتول طناب دار را از گردن محکوم به قصاص باز کرد. بعد از این اتفاق تاکنون حداقل ۶ مورد دیگر عفو محکوم به قصاص در کشور روی داده است.

عفو و بخشش، یعنی روح گذشت از کوتاهی دیگران و نادیده گرفتن خطاهای آنان، نمونه‌ای از اخلاق نیک و بزرگی روح و نیز از آداب معاشرت است؛ زیرا در زندگی کمتر کسی دیده می‌شود که حقی از او تباه نشده و دیگران حرمت او را نشکسته باشند.

از این رو، خداوند عالم در قرآن به ما دستور «عفو» و «صفح» داده است، در سوره نور آمده: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا»<sup>۱</sup> عفو حالتی است که چنانچه انسان آن را داشته باشد با وجود دیدن عیب‌ها و اشتباه‌های دیگران، از آن می‌گذرد. حضرت رسول(ص) به عتبه فرمود: «می‌خواهی تو را خبر دهم به افضل اخلاق اهل دنیا و آخرت؟ نزدیکی کن به هر که از تو دوری کند و بخشش کن بر کسی که تو را محروم سازد و گذشت کن از آن کسی که بر تو ظلم نماید»<sup>۲</sup> و روایت

می‌کنند که حضرت موسی(ع) عرض کرد: «پروردگارا! کدام یک از بندگان تو نزد تو عزیزترند؟ فرمود: آن که در وقت قدرت و توانایی ببخشد»<sup>۳</sup>.

امام زین العابدین(ع) نیز در مناجات خود می‌گوید: «انت الذی سمیت نفسک بالعفو فاعف عنی؛ تویی که خود را بخشنده نام برده‌ای، پس از من در گذر.»<sup>۴</sup>

همه‌ی این آموزه‌ها در سال جاری، جنبه‌ی عملی پیدا کرده‌اند و شرایطی در کشور پیش آمده که موجی از گذشت و عفو ایجاد شده است. هر چند برخی کارشناسان حوزه اجتماعی بر رسانه‌ای بودن این موج تاکید دارند ولی شکل گرفتن چنین فضای عمومی و ذهنی به خودی خود قابل تقدیر است و می‌توان امیدوار بود که زمینه‌ساز فرهنگ‌سازی عمومی در زمینه سنت حسنه گذشت باشد.

۱- سوره نور، آیه ۲۲

۲- اصول کافی، جلد دوم، صفحه ۱۰۷

۳- محجة البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی

۴- صحیفه سجاده‌ی، دعای ۱۶

نگاهی به سرانه مطالعه در ایران و جهان

# چند دقیقه یا چند ساعت

حسب زمان یا تعداد عناوین مطالعه شده باشد. همچنین مخرج کسر جمعیت ایران (یا در برخی موارد جمعیت باسواد) در سال مورد بررسی است. پژوهش در حوزه میزان مطالعه عموماً به سه صورت عمده است که دو گونه آن پیمایش و یک گونه آن بر مبنای اسناد است:

۱. پیمایش مطالعه به عنوان متغیری واحد: در این نوع پژوهش پرسشنامه‌هایی تدارک دیده می‌شود و میزان مطالعه گروه‌های مختلف استخراج می‌شود.

۲. پیمایش مطالعه به عنوان بخشی از فعالیت‌های روزانه: در این نوع پیمایش که به پیمایش گذران وقت یا Time use research یا مصرف فرهنگی مشهورند، پرسشنامه به‌گونه‌ای تنظیم شده است که چندین فعالیت در کنار یکدیگر سنجیده می‌شوند و یکی از فعالیت‌ها مطالعه است.

۳. مطالعات اسنادی: در این گونه مطالعه، تخمینی از میزان مطالعه مردم بر مبنای بازار کتاب، امانت از کتابخانه‌های عمومی به دست می‌آید و می‌توان آن را در رابطه ذیل خلاصه کرد:

میزان مطالعه = میزان فروش کتاب (نشریات) × ضریب گردش + میزان امانت + میزان مطالعه در اینترنت

در این رابطه منظور از ضریب گردش این است که یک نسخه چند بار خوانده می‌شود و برای این ضریب نیز مقداری در دست نیست.

## سرانه مطالعه در جهان

بر اساس آمارهای اعلام شده در خبرگزاری‌های ایران سرانه مطالعه کشورهای جهان به صورت زیر است.

ژاپن: ۹۰ دقیقه، انگلستان، ترکیه و مالزی: ۵۵ دقیقه، آمریکا: ۲۰ دقیقه

اما با پیگیری استنادهای این دقایق به منبع موثق و متکی بر پژوهی نمی‌توان رسید. در واقع این آمار و ارقام اعلام شده در خبرگزاری‌های مختلف بیشتر جنبه ژورنالیستی داشته و از پایه علمی محکمی برخوردار نیستند. یکی از منابع موثقی که می‌توان درباره شیوه گذران وقت مردم از آن استفاده کرد و میزان زمان اختصاص داده شده برای مطالعه را استخراج کرد، مرکز بین‌المللی مطالعات گذران وقت است. بر اساس تحقیقی که این مرکز در سال ۲۰۱۰ در ۲۲ کشور انجام داده است بیشترین زمان اختصاص داده شده برای مطالعه در بین مردمان جهان مربوط به کشور فنلاند است و ۴۴ دقیقه در روز است.

سایر کشورها به ترتیب عبارتند از: فنلاند-۴۴:۰۰؛ استونی-۳۶:۰۰؛ آلمان-۳۴:۰۰؛ هلند-۳۱:۰۰؛ نروژ-۳۹:۰۰؛ سوئد-۳۱:۰۰؛ لاتویا-۲۶:۰۰؛ لهستان-۲۵:۰۰؛ بلژیک-۲۱:۰۰؛ لیتوانی-۲۱:۰۰؛ اسلونی-۲۲:۰۰؛ انگلیس-۲۱:۰۰؛ فرانسه-۲۰:۰۰؛ استرالیا-۲۰:۰۰؛ ژاپن-۱۷:۰۰؛ ایتالیا-۱۶:۰۰؛ بلغارستان-۱۵:۰۰

شده یا تعداد صفحات خوانده شده در طول روز نیز برای تعریف سرانه مطالعه استفاده کرد. در ساده‌ترین حالت می‌توان میزان مطالعه همه افراد یک جامعه را با هم جمع و بر تعداد افراد آن جامعه و تعداد روزهای در نظر گرفته شده تقسیم کرد. برای اندازه‌گیری، متوسط مطالعه در یک جامعه آماری محاسبه کرده و به تمام جامعه تعمیم می‌دهند. البته عوامل دیگری نیز مانند تیراژ کتاب‌ها بر اندازه‌گیری سرانه مطالعه اثر دارد.

## سرانه مطالعه

نگاهی به مفهوم سرانه می‌تواند به ما در سنجش این شاخص یاری دهد. سرانه Per capita مفهومی آماری است و اشاره به وضعیت یک متغیر یا شاخص نسبت به هر فرد در یک مکان خاص در یک دوره زمانی معین (عموماً سال) دارد و اولین کاربرد آن در علم اقتصاد بوده که شاخص‌هایی نظیر تولید سرانه، درآمد سرانه، تولید ناخالص سرانه، تولید خالص ملی سرانه و از آن بهره می‌جستند. چنین شاخص‌هایی حاصل کسری است که صورت آن جمع کل متغیر مورد بررسی و مخرج آن جمعیت ساکن در یک محل خاص است. با این توصیف صورت کسر سرانه مطالعه (یا با توجه به شیوه بیان آن در اقتصاد، مطالعه سرانه) ایرانیان، میزان مطالعه مردم در طول یک سال معین است. میزان مطالعه می‌تواند بر

در غرغرای معمول فرهنگیمان بارها شاهد این بحث بوده‌ایم که کسی ناگهان در حاله‌ای از یاس فرهنگی عنوان کرده که: بابا مملکتی که سرانه مطالعه آن ۲ دقیقه در روز باشه معلومه که وضعیت این میشه! اما این سرانه، این آمار و این عدد چقدر می‌تواند مهم باشد. اصلاً جایی که سرانه‌های مهم‌تر دیگری - به زعم دیگران - مانند تولید ناخالص ملی، سرانه‌های مربوط به صنعت و بهداشت و اقتصاد و... وجود دارند، آیا باید برای سرانه مطالعه نگران بود؟

سرانه مطالعه همانطور که گفتیم عددی است که در گفتگوهای این چنینی برای ایران ۲ دقیقه عنوان می‌شود. این عدد از کجا آمده و مربوط به چه سالی است؟ در ادامه قصد داریم هم نگاهی داشته باشیم به خود سرانه مطالعه و هم کنکاش برای رسیدن به عددی دقیق‌تر در مورد سرانه مطالعه ما ایرانیان و مقایسه آن با سایر کشورهای جهان. آن هم در سالی که مقام معظم رهبری، فرهنگ را در نامگذاری سال ۹۳ در کنار اقتصاد به عنوان اساس برنامه‌های امسال و سال‌های آینده قرار داده و مطالعه و سرانه آن یکی از شاخصه‌های فرهنگ است.

عام‌ترین تعریف از سرانه مطالعه میانگین مدت زمان مطالعه یک نفر در یک شبانه‌روز است. اما لزوماً همیشه این تعریف صادق نیست و می‌توان به جای مدت زمان از تعداد کتاب‌های خوانده





### سرانه مطالعه در ایران

آمار سرانه مطالعه در ایران همیشه با اما و اگرهای زیادی همراه بوده است به طوری که این آمار در سال ۱۳۵۳ و با اندازه گیری نخستین سنجش سرانه مطالعه در شهرها تنها دو دقیقه در روز بوده و دومین سنجش در سال ۱۳۷۸ صورت می گیرد و براساس آن؛ اعلام می شود ایرانیان ۷۰ دقیقه مطالعه می کنند و سپس این سنجش در سال ۱۳۸۸؛ ۱۸ دقیقه کاهش پیدا می کند.

آمار سرانه مطالعه ایرانیان در سال ۹۱ که اردیبهشت ماه محاسبه شد، ۷۵ دقیقه و ۳۴ ثانیه است که ۱۵ دقیقه و ۱۷ ثانیه مربوط به کتاب، ۲۱ دقیقه و ۳۱ ثانیه برای قرآن و ادعیه، ۳۲ دقیقه و ۳۶ ثانیه روزنامه و پنج دقیقه و ۴۲ ثانیه نشریه خوانی است که در هر دو فضای مجازی و فیزیکی دیده شدند و همه این آمارها براساس سنجش های اعلام شده از سوی نهاد کتابخانه های عمومی کشور است زیرا آمار سرانه مطالعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه های خصوصی متفاوت است.

### زمان های اعلام شده برای مطالعه هر ایرانی

- ۲۰ دقیقه (بدون زمان خواندن قرآن، مفاتیح و روزنامه) و اگر زمان درس خواندن را هم به آن اضافه کنیم ۶ دقیقه
- ۷ دقیقه (در سال ۸۱)
- ۱۸ دقیقه و ۱۲ ثانیه (سال ۱۳۸۸ برای یک جامعه آماری با افراد ۱۲ سال به بالا)
- ۹۵ دقیقه
- ۱۲۰ دقیقه

یکی از تحقیقات آماری انجام شده در زمینه سرانه مطالعه با عنوان «کتابخانه های عمومی و سرانه مطالعه» سعی کرده است براساس آمار امانت، عضویت و دیگر شاخص های کتابخانه ای تخمینی از میزان سرانه مطالعه در ایران انجام دهد. این پژوهش به رابطه زیر میان سرانه مطالعه و میزان امانت از کتابخانه های عمومی رسیده است.

بر این اساس و براساس آمار امانت کتاب از کتابخانه های عمومی کشور چیزی نزدیک به ۱۴ دقیقه در روز بوده است که شامل انواع مطالعه (کتاب، روزنامه، ادعیه و...) می شود. یافته های پژوهش دیگری که توسط «شورای فرهنگ عمومی» و با عنوان «وضعیت گذران وقت مردم شهری و روستایی کل کشور» در سال ۱۳۹۰ به صورت گذران وقت انجام شده است به تخمین این پژوهش نزدیک است. براساس یافته های این تحقیق میزان زمان اختصاص داده شده به مطالعه در میان مردم ایران ۱۲ دقیقه است (این زمان شامل مطالعه کتاب، روزنامه، ادعیه و...) است.

## کتاب و کتابخوانی از نگاه مقام معظم رهبری

قدر بدانید. هر چه امروز مطالعه می کنید، برایتان می ماند و هرگز از ذهنتان زوده نمی شود. این دوره نوجوانی، برای مطالعه کردن و یادگرفتن، که مطالعه کردن و یادگرفتن، واقعاً یک دوره طلایی است و با هیچ دوران دیگری قابل مقایسه نیست.

وظیفه همه افراد فرهیخته و همه نهادهای فرهنگی کشور است که در اشاعه، گسترش و تقویت هر چه بیشتر مساله کتاب و کتابخوانی اهتمام ورزند و در یک کلام، همه درد آشنایان و دل آگاهان به منظور بسیج همگانی برای گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی بپاخشیند، تا هنگامه خجسته ای پیش آید که در آن، «کتاب» همه جا، برای همه کس و در همه وقت به وفور یافت شود و مطرح باشد و نیز هیچ کس در هیچ جا، هیچ بهانه ای برای کتاب نخواندن نداشته باشد. در ادامه به چند سر فصل مورد اشاره در رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای، برگرفته از اثر جدید انتشار «کتاب و کتابخوانی» اختصاص می دهیم.

### نوجوانی و کتابخوانی

من در دوران جوانی زیاد مطالعه می کردم. غیر از کتابهای درسی خودمان مطالعه می کردم و می خواندم، هم کتاب تاریخ، هم کتاب ادبیات، هم کتاب شعر و هم کتاب قصه و رمان می خواندم. به کتاب قصه خیلی علاقه داشتم و خیلی از رمانهای معروف را در دوره نوجوانی خواندم. شعر هم می خواندم. من در دوره نوجوانی و جوانی، با بسیاری از دیوان های شعر آشنا شدم. به کتاب تاریخ علاقه داشتم، و چون درس عربی می خواندم و با زبان عربی آشنا شده بودم، به حدیث هم علاقه داشتم. الان احادیثی یادم است که آنها را در دوره نوجوانی خواندم و یادداشت کردم. دفتر کوچکی داشتم که احادیث را در آن یادداشت می کردم. احادیثی را که دیروز یا همین هفته نگاه کرده باشم، یادم نمی ما مگر این که یادآوری ای وجود داشته باشد اما آنها را که در آن دوره خواندم، کاملاً یادم است. شماها واقعاً باید دوره نوجوانی و جوانی را

### خوب خواندن کتاب، و کتاب خوب خواندن

کتابخوانی چیزی است که برای یک ملت، فریضه و لازم است. آن مردمی که اهل کتاب خواندن باشند، از لحاظ معلومات انس نداشته باشند، تفاوت می کنند. خوشبختانه کتاب زیاد هست و کتابهای زیادی چاپ می شود. نمی خواهم عرض بکنم که همه آنچه که چاپ می شود، کتابهای خوب و مفیدی است نه، ای بسا کتابی چاپ می شود که به بازار هم می آید، اما کتاب مفیدی نیست یک کتاب بی فایده و عاطل و باطلی است و کسی از آن استفاده ای نخواهد کرد. و ای بسا کتابی که چاپ می شود و به بازار هم می آید و مضر است نه این که فایده ندارد بلکه ضرر هم دارد! الان ما در بازار کتاب کشور، چنین کتابهایی را داریم و اینها در دسترس مردم هم هستند! اینها بخش کمی از کتابهای چاپ شده هستند. اکثر آنچه که چاپ می شود، چه از جهات علمی، چه از جهات فرهنگی، چه از جهات دینی، چه از لحاظ معارف گوناگون اسلامی، چه از لحاظ ادبی و هنری، مفید است. معارفی که در کتابها هست، مردم ما از آنها بی نیاز نیستند! باید این کتابها را بخوانند. انس با کتاب، چیز بسیار با ارزشی است و من خواهش می کنم که... همه و همه... باکتاب انس پیدا کنند.

کامل ترین فرد از جهت ایمان آن کسی است که اخلاقش از دیگران بهتر است و نسبت به خانواده خود بیشتر مهر و مدارا می کند



## این است همسری برای زندگی

همسر آینده اطمینان پیدا کنیم.

### هم کفو

ضرورت این ویژگی ناگفته پیداست، که هر چه دو همسر با هم هماهنگ تر و متناسب تر باشند زندگی شیرین تر خواهد بود. البته تناسب و هماهنگی هم دو بخش می شود: (۱) ضروری و واجب (۲) بهتر و مستحب بخش اول همان هماهنگی در باورهای دینی و اعتقادات، تعهدات دینی و اخلاق است و بخش دوم مواردی مثل تناسب در وضع مالی، تحصیلات و میزان تفاوت سنی را در بر می گیرد. اگر شخص مقابل از جهت ایمان و اخلاق فوق العاده باشد و از فخر فروشی و غرور به دور باشد، باید در موارد دسته ی دوم کوتاه آمد و از آنها صرف نظر نمود.

### دلربا و دلنشین

گرچه زیبایی نمی تواند انگیزی اصلی انسان برای ازدواج باشد و شرایط دیگر در اولویت است، طبیعی است که زیبایی نسبی و از آن مهم تر دلنشین بودن لازم است. اگر ملاقات و گفتگو با فرد مورد نظر برای انسان دلنشین نباشد، می توان دیدار و گفتگو را تکرار کرد و اگر باز هم نتیجه ی مطلوب حاصل نشد ازدواج توصیه نمی شود، حتی اگر اطرافیان اصرار کنند. شخصی به امام صادق (ع) عرض کرد: «من می خواهم با زنی ازدواج کنم ولی پدر و مادرم علاقه دارند زن دیگری را به همسری خود در آورم.» حضرت فرمودند: «زن دلخواه خودت را بگیر و آن را که پدر و مادرت می خواهند (و به او علاقه نداری) ترک گو.»<sup>۱</sup> البته روشن است که حضرت در موقعیتی این توصیه را فرموده اند که همسر دارای شرایط مناسب بوده است، ولی پدر و مادر مخالفت می کرده اند.

۱- مکارم الاخلاق، حسین بن طبرسی، ص ۱۹۷

۲- اصول کافی، جلد ۵، ص ۴۰۱

کرده اند....

برای تأکید بر اهمیت اخلاق توجه به این سخن پیامبر اکرم (ص) لازم است که فرمودند: «کامل ترین فرد از جهت ایمان آن کسی است که اخلاقش از دیگران بهتر است و نسبت به خانواده خود بیشتر مهر و مدارا می کند».

### عقل و درایت

نقش عقل در زندگی بر کسی پوشیده نیست و نادانی و نفهمی شریک زندگی، زندگی را بر انسان سخت می کند تا آنجا که قدیمی ها می گفتند: «صد سال گوشه ی زندون، یک ساعت با آدم نادون!!» و در روایت هم می خوانیم:

«بپرهیز از ازدواج با احمق و کم عقل، چرا که همنشینی با او تباہ کردن عمر است».

اما چگونه می توان عقل و درایت را در کسی تشخیص داد؟ اول از روش و منش خانواده و بستگان نزدیک، چون درصد قابل توجهی از عقل و درایت تحت تأثیر وراثت و محیط است. و بعد از آن، با دقت در رفتار، گرایش ها و سخنان شخص می توان به میزان عقل او پی برد.

### حق با شماست عزیزم

گاهی کسی حقیقتی را نمی داند و به همین جهت به آن عمل و از آن پیروی نمی کند. اما همین که متوجه گمراهی و ناآگاهی خود شد، به راحتی طریق نادرست گذشته را کنار می گذارد. با این روحیه ارزشمند همه ی کاستی ها قابل جبران است. اما اگر انسان بر اثر جهل یا تعصب بیجا بر سخن یا عمل خود پافشاری کند و حتی بعد از روشن شدن نادرستی خط مشی خود هم از آن دست برندارد، با چنین روحیه ای نمی توان زندگی کرد. لذا با دقت در رفتار خانواده و شخص مورد نظر و با پرسیدن برخی مسائل از او و نیز تحقیق از اطرافیان، تا جایی که ممکن است از حق پذیر بودن

شک نکنید آزمون سختی است. سخت و مهم. بی برو برگرد مهم ترین امتحانی است که باید در آن قبول شوی، چون نتیجه اش خوشبختی و بدبختی است. گزینه صحیح را انتخاب کنید برنده یک عمر خوشبختی هستید در غیر این صورت... ما در اینجا می خواهیم شما را کمک کنیم تا بهتر گزینه درست را انتخاب کنید. معیارهایی برای انتخاب همسر.

### خانواده آقای شایسته

محیط رشد و نمو در فکر و روح و اخلاق و اعمال انسان تأثیر به سزا دارد. وقتی برای گیاه فرق می کند در چه خاک و آب و هوایی رشد کند، چطور برای انسان فرقی نکند؟ پس این مهم است که همسر آینده ی یک جوان در چه خانواده ای و با چه دیدگاه ها و گرایش هایی بزرگ شده است. پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «از خاندان صالح و شایسته همسر انتخاب کنید که نطفه و وراثت اثر (پنهانی و ناخواسته در فرزند و نسل شما) دارد»<sup>۲</sup>

### خلق نیکو

بعد از باورهای دینی شاید هیچ عاملی در خوشبختی انسان و شیرینی زندگی به اندازه ی اخلاق تأثیر نداشته باشد. اخلاق خوب، کمبودهای جسمی و جمال و زیبایی را جبران می کند. بارها مشاهده شده همسرانی که از جهت مالی و جمال در حد متوسط بلکه پایین تر بوده اند، به سبب اخلاق نیکویی که داشته اند از زندگی گرم و صمیمی برخوردار بوده اند؛ تا آنجا که زبان زد دیگران واقع شده اند. در نقطه ی مقابل، چه بسیارند همسرانی که با داشتن رفاه مادی فراوان در بهترین اتومبیل ها سوار و به سوی زیباترین ویلاها در حرکت بوده اند، اما از دست اخلاق بد یکدیگر و نیش و کنایه ها و زخم زبان ها آرزوی مرگ

# زمانی برای نامزدی

درستی داشته اند و خودشان هماهنگی دارند و شبیه هم هستند، در این شرایط بهتر است فاصله کم باشد و عروسی را به تأخیر نیندازند. در انتخاب درست مهم آن است که فرد در زمان انتخاب، تشابه را رعایت کند.

متاسفانه برخی افراد تصور می کنند که تفاوت داشتن با همسر خوب است. در حالی که در یک انتخاب مناسب همسران باید با هم شباهت هایی داشته باشند. البته در بحث شباهت، چند مورد بسیار اهمیت دارد. چیزی که فرهنگ ما روی آن بسیار تأکید دارد، تشابه اعتقادی است. در صورتی که چنین موضوعی وجود نداشته باشد، بعدها می تواند مشکل ایجاد کند.

یادمان باشد در زوج ها دو مورد ایجاد مشکل می کند؛ یکی تفاوت های جدی اعتقادی و دیگری هم نظرهایی که اطرافیان در مورد این انتخاب دارند. در صورت وجود چنین مسائلی، طولانی شدن فاصله عقد تا عروسی هم کمک چندانی نمی کند.

۴- به طور کلی اگر بخواهیم حدود زمانی مناسب برای فاصله عقد تا عروسی را بگوئیم، می توان گفت شش ماه تا یک سال، زمان مناسبی است. البته این محدوده قطعی نیست و نمی توان گفت که برای همه افراد مناسب است، اما حدود مناسب همین قدر است.

به طور کلی اگر بخواهیم حدود زمانی مناسب برای فاصله عقد تا عروسی را بگوئیم، می توان گفت شش ماه تا یک سال، زمان مناسبی است. البته این محدوده قطعی نیست و نمی توان گفت که



برای همه افراد مناسب است، اما حدود مناسب همین قدر است  
۳- موضوع دیگر اینکه زمانی که افراد انتخاب

قدیم ترها رسم بود تا دختر نشان می شد به فاصله کوتاهی باید اسباب و اثاثیه اش را جمع می کرد و راهی خانه شوهر می شد، خانه ای که هیچ شناخت درستی از اهل آن نداشت و اغلب دلخوری ها بابت

همین عدم آشنایی پیش می آمد، اما این روزها خانواده های زیادی را می بینید که ترجیح می دهند بین عقد و عروسی فرزندان شان چند ماه فاصله باشد تا در این زمان هم عروس و داماد شناخت بیشتری نسبت به یکدیگر پیدا کنند و هم به وضعیت با ثبات تری برسند و مقدمات مراسم ازدواجشان را فراهم کنند.

اما در جایی که صحبت درباره فاصله مناسب بین عقد تا عروسی است، همسران جوان و والدین باید به چند نکته توجه داشته باشند.

۱- اگر زوج آشنایی قبلی خوبی ندارند، باید این فاصله بیشتر باشد تا شناخت ها کامل تر شود. منظور آن است که دختر و پسر بتوانند در این مدت توانمندی ها، سلیقه ها، نقاط قوت، آداب و اعتقادات همدیگر را بشناسند. اما اگر به واسطه رفت و آمدهای فامیلی و خانوادگی و یا صحبت هایی که خود زوج پیش از ازدواج با هم داشته اند با همدیگر آشنایی دارند، مناسب نیست که این فاصله زیاد باشد، به خصوص اگر دو نفر با هم مشکلی ندارند.

۲- طولانی شدن دوران عقد و ادامه پیدا کردن آن بعد از آن که دختر و پسر از همدیگر مطمئن شدند آسیب زا است و ممکن است ایجاد مشکل کند. بخشی از شناخت را باید به زمان زیر یک سقف رفتن تان موکول کنید. در غیر این صورت نه تنها جذابیت خود را برای همسرتان از دست می دهید، بلکه حوصله خانواده ها را هم سر می برید و باعث می شوید دلخوری های کوچک آتش های بزرگی را برپا کند.

## صبور و مهربان

از صبوری حمید که نقطه ای مقابل تندگی من بود، خوشحال بودم. یک بار، صبح زود می خواست بروم بیرون. برایش تخم مرغ گذاشته بودم که آب پز شود. احسان بیدار شده بود. آمده بود پیش من، کنار در آشپزخانه، پشت سر من ایستاده بود. تا آمدم ظرف را از روی گاز بردارم، آب جوش ریخت پشت گردنش. هول کردم؛ این طرف و آن طرف می دویدم و از این که در آن شرایط بچه آمده بود آشپزخانه عصبانی بودم. رفتم سریع قیچی را آوردم و لباس های بچه را قیچی کردم. حمید خودش را رساند. دست های مرا گرفت و گفت: «آرام باش، تا تو آرام نشوی، بچه را نمی برم دکتر.» با این جمله که حمید با نرمی و خونسردی به من گفت، آرام شدم. حمید بچه را یک هفته تمام به دکتر می برد. به من گفت: «چرا بی خودی داد و بی داد کردی؟ دیدی بچه ات خوب شد.»



به روایت همسر شهید حمید باکری

# فرشته یک کودک

کودکی که آماده تولد بود نزد خدا رفت و از او پرسید: می‌گویند فردا شما مرا به زمین می‌فرستید، اما من به این کوچکی و بدون هیچ کمکی چگونه می‌توانم برای زندگی به آنجا بروم؟

خداوند پاسخ داد: از میان تعداد بسیاری از فرشتگان، من یکی را برای تو در نظر گرفته‌ام او در انتظار توست و از تو نگهداری خواهد کرد.

کودک دوباره پرسید: اما اینجا در بهشت، من هیچ کاری جز خندیدن و آواز خواندن ندارم و این‌ها برای شادی من کافی هستند.

خداوند گفت: فرشته تو برایت آواز خواهد خواند و هر روز به تو لبخند خواهد زد. تو عشق او را احساس خواهی کرد و شاد خواهی بود.

کودک ادامه داد: من چطور می‌توانم بفهمم مردم چه می‌گویند وقتی زبان آن‌ها را نمی‌دانم؟

خداوند او را نوازش کرد و گفت: فرشته‌ی تو زیباترین و شیرین‌ترین واژه‌هایی را که ممکن است بشنوی در گوش تو زمزمه خواهد کرد و با دقت و صبوری به تو یاد خواهد داد که چگونه صحبت کنی.

کودک سرش را برگرداند و پرسید: شنیده‌ام که در زمین انسان‌های بدی هم زندگی می‌کنند. چه کسی از من محافظت خواهد کرد؟

خداوند ادامه داد: فرشته‌ات از تو محافظت خواهد کرد.

کودک با نگرانی ادامه داد: اما من همیشه به این دلیل که دیگر نمی‌توانم در محضر شما باشم، ناراحت خواهم شد.

خداوند گفت: فرشته‌ات همیشه درباره من با تو صحبت خواهد کرد و به تو راه بازگشت نزد من را خواهد آموخت، اگر چه من همیشه در کنار تو خواهم بود. در آن هنگام بهشت آرام بود اما صدایی از زمین شنیده می‌شد.

کودک می‌دانست که باید به زودی سفرش را آغاز کند. او به آرامی یک سؤال دیگر از خداوند پرسید: خدایا، اگر من باید همین حالا بروم، لطفاً نام فرشته‌ام را به من بگوئید.

خداوند بار دیگر او را نوازش کرد و پاسخ داد: نام فرشته‌ات اهمیتی ندارد، به راحتی می‌توانی او را مادر صدا کنی.



به عهده بگیرند و زنان با آرامش بیشتری به تربیت فرزندان بیندیشند، پرهیز از برخی جنبه‌های آماری از جمله افزایش آمار فارغ‌التحصیلان دختر که غالباً در رشته‌هایی تحصیل می‌کنند که شغل مناسبی را برای آنها به ارمغان نمی‌آورد و در عین حال به دلیل بالا رفتن سطح توقع، امکان ازدواج در سن مناسب را از آنان سلب می‌کند، تشویق مادی و معنوی زنانی که شغل مادری را موجب عزت‌مندی و آرامش خود می‌دانند و حمایت از زن در مقام مادر به جای کارگر و کارمند، تقویت بنیان خانواده با ارتقای آگاهی‌های دختران و پسران و همراهی و حمایت از کیان خانواده به عنوان مهم‌ترین عامل تحکیم جامعه، نه‌تنها مشکل جمعیت را حل می‌کند که با ایجاد آرامش و ثبات روانی، راه‌حل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر چون بی‌بندوباری، اعتیاد، گرایش به خانه‌های مجردي، باس و ناامیدی از آینده و گرایش به مهاجرت نیز خواهد بود و این آسیب‌ها را تا حد زیادی کاهش خواهد داد.

## علل کاهش جمعیت در ایران

# من از دنیای بی‌کودک هر اسانم

علل کاهش جمعیت در ایران و توجه به شعار «فرزند کمتر، زندگی بهتر» به دهه ۴۰ برمی‌گردد. در سال ۱۳۴۶ نخستین برنامه «تنظیم خانواده» تصویب شد که بر اساس آن سن قانونی ازدواج دختران از ۱۵ به ۱۸ و سن پسران از ۱۸ به ۲۰ افزایش یافت. البته این سن قانونی پس از انقلاب مجدداً به ۱۵ و ۱۸ بازگشت و جمعیت ایران به سرعت افزایش یافت.

غفلت از آموزه‌های دینی و بی‌توجهی به تأثیرگذاری‌های تعیین‌کننده و عمیق آنها بر ابعاد مختلف زندگی انسان‌ها موجب شد به‌رغم سفارش‌های مکرر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، در سال ۶۸ قانون سیاست جمعیتی با تأکید بر کنترل باروری تصویب شود و حتی در سال ۷۲ ماده‌ای به تصویب رسید که برای فرزند چهارم به بعد سیاست‌های حمایتی همچون بیمه، کمک هزینه اولاد و امثال آن به خانواده‌ها تعلق نمی‌گرفت. این برنامه‌های کوتاه‌بینانه موجب گردیدند که رشد جمعیت ایران از ۳/۲ درصد در سال ۷۲ به ۲/۳ درصد برسد و به شکل سقوط آزاد مسیر کاهش را طی کند تا امروز که این نرخ به زیر سطح جانشینی یعنی ۱/۶ درصد رسیده است. این رقم هشداردهنده حاکی از آن است که در ظرف ده سال آینده با جمعیتی سالمند و غیرفعال روبرو خواهیم بود.

کشورهای پیشرفته صنعتی برای جبران این مشکل سیاست‌های مهاجرپذیری را در پیش گرفته‌اند، با این تفاوت که آنها با ایجاد تسهیلات و امکانات مختلف، آفشار تحصیلکرده و نخبگان کشور ما را جذب می‌کنند و ما تنها قادر به جذب افرادی بوده‌ایم که در بهترین‌شکل خود به عنوان کارگر ساده در کشور ما مشغول به کار شده و حضور آنان غالباً در ایجاد و گسترش آسیب‌های وخیم اجتماعی از قبیل اعتیاد، دزدی و قتل مؤثر بوده است.

هر چند فرهنگ پرهیز از داشتن فرزند زیاد حتی در روستاها و شهرهای دور از مرکز هم نهادینه شده است و چنین به نظر می‌رسد دست‌کم در کوتاه‌مدت نتوان با آن مقابله کرد، اما در هر حال حاکمیت باید مثل کشورهای چون ژاپن برای حل این مشکل به سیاست‌های تشویقی برای فرزندآوری بپردازد و مثلاً با دادن مرخصی زایمان طولانی همراه با حقوق، کمک هزینه اولاد، بیمه‌های تشویقی، ایجاد تسهیلات در امر بهداشت و تحصیل، خانواده‌ها را به فرزندآوری بیشتر تشویق کند.

تقویت نظام خانواده، تقویت مهارت‌های شغلی و کاری به‌ویژه در مردان، روی آوردن به احکام اسلامی در جهت تقویت

توان کار و کسب درآمد در

مردان تا بتوانند با قدرت،

اداره اقتصادی خانواده را





## خدا محور، خدا ترس

زمان جنگ، یک روز وقتی محمدناصر می‌خواست به محل کارش برود، سعید پسر، شروع کرد به ناآرامی. آن قدر ناآرامی کرد که محمدناصر مجبور شد او را همراه خودش ببرد. جلو یکی از مقرهای سپاه که می‌رسد، یادش می‌افتد که کاری باید انجام بدهد. چون قصد داشت زود برگردد، سعید را داخل ماشین تنها می‌گذارد. اتفاقاً کارش طول می‌کشد و طوری مشغول می‌شود که یادش می‌رود سعید در ماشین تنهاست. ساعتی بعد، وقتی یادش می‌آید، یکی از دوستانش را می‌فرستد تا سعید را از ماشین بیاورد. کمی بعد دوستش برمی‌گردد و با نگرانی می‌گوید: «حاجی تو ماشین که کسی نبود.» محمدناصر می‌دود به طرف ماشین. همه جای ماشین را می‌گردد و بالاخره سعید را زیر یکی از صندلی‌های ماشین پیدا می‌کند که دو سه تا پتو انداخته بود روی خودش. وقتی پرس‌وجو می‌کند، می‌فهمد که چون محمدناصر دیر کرده، سعید هم ترسیده و رفته زیر صندلی. خبر که به من رسید خیلی ناراحت شدم. چند روز بعد که با هم قرار بود به منطقه برویم، بین راه قضیه را پیش کشیدم. ازش پرسیدم: «شما اون روز چطور یادت رفت که سعید رو گذاشتی تو ماشین؟» گفت: «وقتی که پیش بیاد و آدم بخواد حواسش رو جمع کنه، چیزهای دیگه یادش می‌ره.» گفتم: «حتی اگر اون چیز بچه‌ی آدم باشه؟» با ناراحتی ادامه دادم: «اگر اون روز سعید گم می‌شد چه خاکی باید سرمون می‌کردیم؟» لبخندی زد و گفت: «خدا رو شکر که همچین اتفاقی نیفتاد.» بعد برای این که مرا آرام کند، گفت: «آدم وقتی تو زندگی خدا رو محور کارهایش قرار بده، قطعاً خدا هم این طور جاها از او دستگیری می‌کنه.» باز هم قانع نشدم و با ناراحتی گفتم: «به هر حال ازت خواهش می‌کنم، اگر بچه رو بردی بیرون، حواست را بیش‌تر جمع کن.» گفت: «خانم، تو این دنیای وانفسا مواظب خودمون نمی‌تونیم باشیم، چه برسه به بچه.» خلاصه سعی می‌کرد آرامم کند و مرا متوجه خدا کند تا ناراحتی‌ام برطرف شود.

به یاد سردار شهید محمدناصر ناصری

## صورتحساب

پسر کوچولویی نزد مادرش که در آشپزخانه در حال پختن شام بود رفت و یک برگه کاغذ به او داد. مادرش دست‌هایش را با حوله‌ای تمیز کرد و نوشته‌ها را با صدای بلند خواند. پسرک با خط کودکانه‌اش نوشته بود:

صورتحساب	
کوتاه کردن چمن باغچه	۵ دلار
مرتب کردن اتاق خوابم	۱ دلار
مراقبت از برادر کوچکم	۳ دلار
بیرون بردن سطل زباله	۲ دلار
نمره ریاضی خوبی که امروز گرفتم	۶ دلار

جمع بدهی‌های شما به من: ۱۷ دلار

مادر نگاهی به چشمان منتظر پسرک انداخت، خاطراتش را مرور کرد سپس قلم را برداشت و پشت برگه صورتحساب پسرک نوشت:

بابت سختی ۹ ماه بارداری که در وجودم رشد کردی  
بابت تمام شب‌هایی که بر بالینت نشستم و دعایت کردم  
بابت تمام زحماتی که در این سال‌ها برای پرورش تو کشیدم  
بابت غذا، نظافت و اسباب‌بازی‌هایت

و اگر تمام این‌ها را جمع بزنی خواهی دید که هزینه‌ی عشق واقعی من به تو هیچ است. وقتی پسرک نوشته‌های مادر را خواند، چشمانش پر از اشک شد و گفت: مامان، دوست دارم. بعد هم قلم را برداشت و زیر صورتحساب نوشت: قبلاً به طور کامل پرداخت شده است.



همسر شهید در فرهنگ غالب جامعه امروز اگرچه همسرش را از دست می دهد، اما با لذتی که از ایثار و درک عوالم معنوی به دست می آورد، می تواند خلأها و کمبودهای موجود را جبران نماید

نقش زنان در ادبیات داستانی دفاع مقدس

## زنانی که مردانه ماندند

مریم غفاری جاهد

نویسندگان ما در این گونه داستانها موفق شده اند هر یک گوشه ای از زندگی مردم را در سالهای جنگ به خوبی نمایش دهند. (عزیزی، مجموعه مقالات، ص ۳۲۰)

در این داستانها زنان در چند مورد ایفای نقش می کنند. یکی از این نقشها نقش همسر شهید است:

### همسران شهدا

یکی از نقشهای مهم زنان در دوره جنگ و بعد از آن، نقش همسر شهید بودن است. همسران شهدا جزء قشرهای خاصی از جامعه هستند که مسئولیت مضاعفی بر دوش آنهاست؛ زیرا با از دست دادن همسر علاوه بر داشتن مسئولیتهای خانوادگی در قبال فرزندان و بعضاً پدران و مادران شهدا، از نظر معنوی نیز دارای مسئولیت خطیری هستند. اکثریت این زنان با حفظ وقار و ارزش نهادن به شخصیت شهید، با این مسئله به خوبی کنار آمده و مسئولیت خود را به انجام رساندند.

در داستان نویسی نیز نویسندگان با شناختی که از جامعه آن روز داشتند، گاه توانسته اند نقش این زنان را آن گونه که بوده است به تصویر بکشند؛ اما برخی نویسندگان نیز با پرداخت بد داستان و ذهنیات همسر شهید، فداکاری و شجاعت او را طور دیگری به تصویر کشیده اند. مثلاً در داستان این بابای من نیست، زنی را می بینیم که در انتظار خبری از شوهرش، دل نگران است. نویسنده آرامش قلب این زن را ناشی از تکرار مصیبت و تعدد مصیبت دیدگان قلمداد کرده است:

«بعد از دیدن این همه شهیدی که از جبهه می آوردند، اگر هم خبر شهادت شوهرش را می شنید، برایش قابل تحمل بود؛ اما بی خبری از او فکرش را مشغول می داشت.» (فراست، ص ۳۴)

نکته قابل تأمل، سرنوشت مشابه همسران شهدا با بقیه زنان بیوه است. نگاه یک سوپه و عدم درک واقعیتهای موجود از سوی نویسنده این دهه باعث گردیده که ارزشهای موجود و قداستهای معنوی این دوره را نادیده بگیرد و چهره های این زنان را با بی انصافی منعکس نماید. آنچه در ارزشهای جدید نشان از تحول این زمانه دارد وجود لذتها و نگرشهای معنوی در پاسخ به از دست دادن امکانات دنیوی است.

همسر شهید در فرهنگ غالب جامعه امروز اگرچه همسرش را از دست می دهد، اما با لذتی که از ایثار و درک عوالم معنوی به دست می آورد، می تواند خلأها و کمبودهای موجود را جبران نماید، اما این بخش از تحولات تازه که می تواند بیانگر قسمتی از واقعیتهای موجود زمانه باشد در داستانها مورد بی توجهی قرار می گیرد. (زواریان، ص ۴۳)

در کتاب هفت بند، که شامل داستانهایی کوتاه درباره جنگ است، کمتر صحبتی از زنان می شود و آنجا هم که حرفی هست بیشتر گلایه است تا

شاعران پشت جبهه که از جعبه جادویی تلویزیون به جهان پرشور و شکر جبهه ها چشم می دوختند. دوم نوشته ها و اشعاری که گاه نویسندگان آن یکی دو روز مهمان یک جبهه آرام می شدند یا برای سر کشیدن و هدیه دادن، لحظاتی صدا و گرد و غبار جنگ را می شنیدند... سوم آن دسته نویسندگان بی نام و نشانی که با احساس پاک جوانی می نوشتند؛ یک دستشان قلم بود و دست دیگرشان سلاح، حتی در نوشته هایشان غلط املائی و نگارشی بود.» (تاک، مجموعه مقالات، ص ۶۹ - ۷۰)

با توجه به این مسئله، ادبیات جنگ بیشتر ادبیاتی مردانه شد؛ هم به دلیل اینکه زنان کمتر در جبهه حضور داشتند؛ هم به دلیل اینکه بیشتر نویسندگان مرد بودند. در آثار نویسندگان این دوره زنان کمتر نقشی دارند؛ مگر زمانی که همسر شهید یا جانباز باشند که باز هم حق مطلب درباره شان ادا نشده است.

«جنگ در داستانهای کوتاه جلوه ای کامل دارد.

تا پیش از انتشار کتاب "دا" ادبیات دوره جنگ بیشتر مردانه و در میدان جنگ بود اما زنان نیز در آن نقش انکارناپذیری داشتند. زنان همان گونه که نیمی از مسئولیتهای اجتماعی را در داخل و خارج خانه به عهده گرفته اند، همواره در تمام امور مربوط به مردان نیز مشارکت داشته اند و در جنگ تحمیلی نیز شاهد حضور مستقیم و غیر مستقیم آنان در صحنه بوده ایم. در داستانهایی که در طی سالهای جنگ و پس از آن نوشته شد شاهد نقش آفرینی زنان و مردان در کنار هم هستیم. با توجه به اهمیت نقش زنان در این دوره از تاریخ، در این مقاله، به نقش زنان در داستانهای این دوره و چگونگی شخصیت پردازی نویسندگان پرداخته شده و دیدگاه نویسندگان به همسران و مادران شهدا، جانبازان، اسرا و زنانی که در پشت جبهه رزمندگان را یاری می دادند مورد نقد قرار گرفته است.

«در دوران جنگ درحقیقت سه نوع نوشته درباره جنگ منتشر می شد. نخست آثار نویسندگان و



با توجه به موارد ذکر شده چنان که دیدیم نقش زنان در ادبیات جنگ آن چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. آنچه بیشتر نقل شده کلیت ایثار آنان است، نه جزئیاتی که این قشر از جامعه با آن درگیر بوده و هستند

ابراز وجود. در یکی از داستان‌ها زنی به نادلخواه، شوهرش را به جبهه می فرستد و او شهید می شود. مادر شهید از رفتن پسرش راضی است و عروس را تشویق می کند:

ننه رقیه می گوید: «پیر شوی دختر. همین که راهی اش کردی نشان دادی که شیرزنی.» (تجار، ص ۲۴)

### همسران جانبازان

همسران جانبازان، به ویژه آنها که دارای درصد بالایی از جانبازی هستند، همچون همسران شهدا دارای مسئولیت‌های مهمی شده اند که تا آخر عمر ادامه دارد. در این میان، اوج فداکاری در زمانی بروز می کند که دختران مجرد در صدد ازدواج با جانبازی بر می آیند که بیشترین آسیب را دیده اند و درحقیقت از نظر دیگران، خود را تا آخر عمر گرفتار می کنند.

این موضوع در داستان‌های این دوره زیاد دیده می شود و به جز در مواردی اندک نقش زنان خوب پرورنده می شود. در داستان معصومه منتظر است دختری جوان خواهان ازدواج با جانبازی است که هر دو چشمش را از دست داده و به این کار اصرار دارد: «از او پرسیده بود: چرا می خواهید با من ازدواج کنید؟ این کار شما اصلاً عاقلانه نیست... و معصومه معصومانه جواب داده بود: همان قدر که کار شما عاقلانه نبوده، اینکه به جنگ رفته اید، اینکه چشم‌هایتان را داده اید، اینکه هنوز هم که هنوز است بدن‌تان از ترکش‌های ریز و درشت پر است. می بینید که من هم مثل شما از عقل بهره زیادی نبرده ام. پس نگران چه هستید؟ ما مثل هم فکر می کنیم. کفو یکدیگریم.» (مریم)

جمشیدی، در جبهه ای دیگر، ص ۳۰۱)

در داستان پرستو‌ها نیز دختری که زمانی در جبهه بوده است تمایل دارد با جانبازی که یک چشم و یک دستش را از دست داده ازدواج کند و برای این کار رودرروی خانواده و حتی عدم تمایل جانباز می ایستد.

«مادر، من تصمیمم گرفته‌م. من فکر همه جاشو کردم. همه چی رو سبک و سنگین کردم... مادر به خدا قسم به جز او هیچ کس نمی تونه دختر تو رو خوشبخت کنه. من فقط با او خوشبخت می شم مادر.» (عموزاده خلیلی، گزیده داستانهای کوتاه، ص ۱۲۷)



### زنان پشت جبهه

زنان پشت جبهه شامل زنانی هستند که در بیمارستان‌ها به پرستاری مشغول اند و یا با تشویق شوهران به جنگ، آنان را یاری می دهند. نقش این زنان هم چندان پررنگ نیست. تنها در رمان عشق سالهای جنگ روحیه ایثارگری و فداکاری زنان خوب به تصویر کشیده شده ولی در داستانهای دیگر به ویژه داستانهای کوتاه کمتر شاهد حضور زنان در این عرصه هستیم.

نرگس دختری است که زندگی خود را وقف جنگ می کند و برای ازدواج با فرد دلخواه خود - که رزمنده است با پدرش اختلاف نظر دارد:

«بعد از تعطیل شدن مدرسه‌ها،

نرگس صبح‌ها به سپاه می‌رفت تا کارهای تایپی آنجا را انجام دهد. بعد از ظهرها هم به بیمارستان، گاهی هم در کارهای تبلیغاتی شرکت می کرد، روی طرح‌هایی که بچه‌ها داشتند، کار می کرد. پلاکاردهایشان را می‌نوشت و با استفاده از دستگاه

اوپیک عکس امام یا دیگران را طراحی می کرد.» (فتاحی، ص ۲۲۷)

«معصومه که شوهرش جزء اولین گروه کشته شدگان جنگهای کردستان بود خود را وقف مجروحان کرده بود و شب و روزش در بیمارستان سپری می شد.» (همان، ص ۲۱)

با توجه به موارد ذکر شده چنان که دیدیم نقش زنان در ادبیات جنگ آن چنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. آنچه بیشتر نقل شده کلیت ایثار آنان است، نه جزئیاتی که این قشر از جامعه با آن درگیر بوده و هستند. گرچه برای نشان دادن شخصیت والای همسران جانبازان و شهدا تلاش شده اما اغلب به مشکلاتی که در سایه این فداکاری برای آنان به وجود آمده اشاره نشده است. مشکلاتی از قبیل مسائل مالی، مشکلات اداره امور منزل، نگهداری از فرزندان و تقویت روحیه آنها، مسائل روحی خود زنان در مواجهه با این مشکلات، انتظار طولانی برای بازگشت اسرا و بسیاری موارد دیگر مسکوت گذاشته شده. حتی در آثار زنان نویسنده هم به چنین مواردی کمتر پرداخته شده

است. بنابراین بسیاری از این نوع داستان‌ها نمی‌تواند مشخصه خوبی برای نمایش نقش زنان در دوره جنگ و پس از آن باشد.



باسکرویل، مبارز مشروطه

# یک گل نصرانی

تاریخ ایالات متحده به خوبی آشنایی داشت به یاد مبارزات رادمردانه و آزادیخواهانه‌ی مردم کشورش در قرن‌های گذشته علیه استعمار پیر انگلستان می‌انداخت.

از طرفی مدرسه‌ی آمریکاییان تبریز موسوم به «موریال سکول» نزد روشنفکران و آزادیخواهان این شهر دارای ارج و مرتبت بسیار بود و به ویژه پس از جنبش مشروطیت به صورت کلپ مخصوص یا پاتوق و محل رفت و آمد این جوانان روشنفکر و آزادیخواه و همچنین محل تحصیل عده‌ای دیگر از آن‌ها درآمده بود، آن‌هم در حالی که بسیاری از این جوانان به خوبی با زبان انگلیسی آشنایی داشتند و به راحتی بدان تکلم می‌کردند. در نتیجه «باسکرویل» با تعداد زیادی از این جوانان ارتباط دوستانه برقرار کرده و بارها و بارها با آنان بر سر موضوعاتی چون آزادی و مشروطیت در ایران به گفت‌وگو و تبادل نظر نشسته و از آنان تأثیرها پذیرفته بود.

از جمله‌ی این قبیل جوانان می‌توان به مرحوم «سیدحسن شریف‌زاده» اشاره کرد که در مدتی کوتاه به صمیمی‌ترین و نزدیک‌ترین دوست ایرانی «باسکرویل» تبدیل شد و تأثیری شگرف بر شخصیت «باسکرویل» نهاد و وی را نسبت به مشروطیت ایران به شدت دلبسته و علاقه‌مند ساخت، طوری که به خواهش هم‌و (یعنی شریف‌زاده) بود که «باسکرویل» به در کنار تدریس «تاریخ» به تدریس «حقوق بین‌الملل» نیز در مدرسه‌ی آمریکایی‌های تبریز مشغول گشت. یکی دیگر از جوانان روشنفکر و آزادیخواه، مرحوم «صادق رضازاده شفق» بود که به واسطه‌ی تسلط بر انگلیسی از همان ابتدا با «باسکرویل» صمیمی شده و نقش مترجم وی را بر عهده داشت. هر چند که «باسکرویل» خیلی زود تصمیم به یادگیری زبان‌های فارسی و آذری گرفت و آموزش وی حتی زمانی که به مجاهدین تبریز پیوست و سرگرم مبارزه شد نیز ادامه یافت، طوری که خواهیم دید که وی حتی آخرین جمله‌ی زندگی‌اش را به زبان فارسی بیان نموده است.

## آموزش سپاهگیری و مشق نظامی

«باسکرویل» اطلاعات تازه و کاملی راجع به فنون رزمی و طرز کار با سلاح و نظایر این‌ها داشت. به همین خاطر پس از پیوستن به مشروطه‌طلبان وی مسوولیت آرایه‌ی تعلیمات نظامی به جمعی از جوانان و نوجوانان تبریزی و به‌ویژه شماری از دانش‌آموزان «موریال سکول» (یعنی شاگردان خودش) را بر عهده گرفت. چرا که گفتیم در همان زمان جنگی تمام عیار میان ملیون و مستبدین در جریان بود و نیروهای ملی‌گرا نیاز وافر به نیروهای آموزش دیده داشتند.

علاوه بر محدودیت‌ها و موانع متعددی که از جانب مستبدین و مزدوران آن‌ها در تبریز بر سر راه انجام

برای تدریس «تاریخ عمومی» به تبریز آمده بود تصمیم گرفت به قول خودش «به جای نقالی مردگان!» (یعنی تدریس تاریخ) مشق نظامی به جوانان و نوجوانان تبریزی بیاموزد. وی همچنین دسته‌ای به نام «فوج نجات» در تبریز تشکیل داد و سرانجام نیز در نبرد سهمگینی که در بامداد ۳۰ فروردین ماه ۱۲۸۸ (نوزدهم آویل ۱۹۰۹ میلادی) میان اعضای این فوج با «فوج قزاق» روی داد، بر اثر شلیک گلوله‌ای به سینه‌اش کشته شد.

## پیوستن به آزادیخواهان

«هاوارد باسکرویل» به منظور تدریس «تاریخ عمومی» به مدرسه‌ی آمریکایی «موریال سکول» دعوت شده بود و در این زمینه صاحب تحصیلات و مدرک دانشگاهی نیز به شمار می‌آمد. این جوان پاکدل و آزاده‌ی آمریکایی در پاییز ۱۹۰۸ یعنی درست اندکی قبل از اوج‌گیری جنگ‌های میان ملیون و مشروطه‌طلبان از طرفی و قوای استبداد و سلطنت‌طلبان از طرف دیگر به شهر «تبریز» وارد شده و سرتاسر شهر را مملو از شور و جنبش و آکنده از جوش و خروش یافته بود.

مشاهده‌ی صحنه‌های متعدد از رشادت و دلوری ملیون «تبریز» و جانفشانی‌ها و فداکاری‌های مردمان غیوری که علی‌رغم فقر و فاقه و گرسنگی برای حصول آزادی و اعاده‌ی مشروطیت در سرزمین‌شان قیام کرده بودند و در این راه سینه‌هایشان را سپر گلوله‌های مستبدین می‌نمودند، در روحیه‌ی حساس و فطرت پاک این جوان ۲۳ ساله‌ی آمریکایی تأثیری به غایت شگرف برجا می‌نهاد و او را که معلم تاریخ بود و با



«هاوارد کانکلین باسکرویل» (تولد: ۱۰ آوریل ۱۸۸۵ نبراسکا، شهادت: ۱۹ آوریل ۱۹۰۹ تبریز) یک معلم آمریکایی از اهالی ایالت شرقی نبراسکا بود که در سال ۱۹۰۷ از دانشکده‌ی مذهبی «پرینستون» خاصه‌ی کشیشان کاتولیک فارغ‌التحصیل شده و پس از طی خدمت سربازی خویش، در سال بعد به منظور تدریس تاریخ در «مدرسه‌ی وقایع‌نگاری آمریکا» یا «آمریکن

موریال سکول» واقع در شهر «تبریز» عازم ایران شد و در تبریز اقامت گزید.

مدرسه‌ی آمریکایی‌های تبریز یا همان «موریال سکول» یک مدرسه‌ی مذهبی وابسته به کلیسای کاتولیک و هیات‌های تبلیغی به شمار می‌آمد، اما در آن علاوه بر «تاریخ» و «زبان انگلیسی»، علوم جدید نیز تدریس می‌شد. این مدرسه که از نیمه‌ی قرن نوزدهم در تبریز مشغول به کار شده بود توسط میسیون‌های مذهبی آمریکایی پدید آمده بود. ورود «باسکرویل» به ایران مقارن با دوره‌ای بود که «محمدعلی شاه قاجار» در تهران

مجلس را به توپ بسته، اساس مشروطیت را برچیده و استبداد صغیر را در ایران حاکم کرده بود. در همان دوران مردم تبریز به رهبری «ستارخان» و «باقرخان» برای اعاده‌ی مشروطیت به پا خاستند و خیزش همه‌جانبه و رشادت‌آمیز آنان، که در نهایت «محمدعلی شاه» را ناگزیر به محاصره‌ی تبریز نمود، تأثیری شگرف و اسرارآمیز بر روحیه‌ی این جوان ۲۳ ساله و پاک‌نهاد آمریکایی نهاد و او را در کنار مردم و مجاهدان تبریز قرار داد. به دنبال این حوادث باسکرویل جوان که به تازگی دوره‌ی سربازی را در آمریکا دیده بود و

## چون ایرانیان در راه آزادی می کوشند، من به آنها پیوسته‌ام و باک از قانون آمریکا ندارم



چنین فعالیتی متصور بود، دو گروه دیگر نیز در برابر تصمیم «باسکرویل» اشکال تراشی می نمودند: گروه اول اولیاء آمریکایی مدرسه و نیز شماری از والدین عافیت طلب دانش آموزان بودند که اعتقاد داشتند دخالت مدرسین و محصلین مدرسه در امور سیاسی و مبارزات نظامی خونین جاری روا نیست! و گروه دوم هیئت دیپلماتیک آمریکایی مستقر در کنسولگری این کشور در «تبریز» و به‌ویژه شخص کنسول و همسر وی بودند که با توجه به رویه بی طرفی اعلام شده از جانب ایالات متحده در قضایای ایران، حضور یک نفر تبعه‌ی آمریکا در بطن مبارزات تبریز را با قوانین این کشور در تعارض دانسته و بدین طریق «باسکرویل» را از ادامه‌ی اقدامات خویش منع می نمودند.

اما «باسکرویل» حیاط ارگ تبریز را به منظور ارایه‌ی تعلیمات رزمی و مشق نظامی به جوانان پرشور و مشتاق تبریزی در نظر گرفت. همه روزه هنگام عصر جوانان و نوجوانان زیادی در محوطه‌ی ارگ تبریز گردهم می آمدند و ضمن انجام ورزش و نرمش، از مشق نظامی که «باسکرویل» با شور و اشتیاق زایدالوصف و با تمامی وجود خویش عرضه می کرد، بهره می بردند.

مقامات آمریکایی حاضر در «تبریز» و به‌ویژه کنسول ایالات متحده همواره و پی در پی وی را از دخالت کردن در امور مربوط به گروه‌های متخاصم ایرانی برحذر می داشتند. به همین دلیل «باسکرویل» ناچار شده بود برخی از فعالیت‌های خود و از جمله موضوع تعلیم سپاهیگری به جوانان و نوجوانان تبریزی را از مقامات کشور خود مخفی نگه دارد.

اما دیری نپایید که خبر جزئیات فعالیت‌های او و از جمله آن چه که همه روزه عصرها در حیاط ارگ تبریز بدان اشتغال داشت را به کنسولگری آمریکا و به‌ویژه شخص کنسول رساندند و از وی خواستند که برای جلوگیری از تداوم اقدامات «باسکرویل» عاجلا چاره‌اندیشی نماید. بر این اساس کنسول تصمیم گرفت که شخصا یک روز عصر به ارگ تبریز برود و ضمن به اصطلاح مچ‌گیری از «باسکرویل» وی را از فعالیت‌هایش بر حذر بدارد. یک شاهد عینی از اهالی تبریز ماجرای حضور کنسول ایالات متحده در ارگ تبریز و روبرویی او با «باسکرویل» را چنین بازگو کرده است:

«... دلبستگی «باسکرویل» به این فداکاری شرافتمندانه به اندازه‌ای بود که در این میان کنسول آمریکا از کار «باسکرویل» آگاهی یافته و ناراحت شده و یک روز به هنگامی که سربازخانه پر از مردم شده بود به سربازخانه آمده و با «باسکرویل» روبرو شده و به او یادآوری کرد که این دخالت او در کارهای ایران نافرمانی از قانون آمریکا بوده و او را مستوجب کیفر می گرداند و خواستار شد که وی به کارآموزی خود در مدرسه باز گردد.

ولی «باسکرویل» نه‌چندان شوریده دل می بود که پروای این سخن کند به کنسول پاسخ داد: «چون

محلی کنترل بخشی از مسیرهای منتهی به شهر را در دست داشتند و اجازه‌ی ورود هیچ‌گونه آذوقه، خواربار و موادغذایی را به شهر نمی دادند.

در نتیجه‌ی این محاصره‌ی شدید، قحطی و گرسنگی در شهر بیداد می کرد و هر روز صحنه‌های رقت‌بار و بغایت ناراحت‌کننده‌ای به‌ویژه بر اثر گرسنگی ماندن کودکان و زنان و افراد مسن و بیمار خلق می شد و اسباب تأثر فراوان رهبرانی چون «ستارخان» و «باقرخان» و هم‌چنین افراد حساس و سریع‌التأثیری هم‌چون «باسکرویل» را فراهم می آورد و آنان را به چاره‌اندیشی سریع و اقدام عاجل فرا می خواند.

در این راستا «باسکرویل» تصمیم قاطعی گرفت و به منظور شکستن محاصره‌ی تبریز و نجات مردم شهر اقدام به تاسیس یک گروه ضربت موسوم به «فوج نجات» نمود.

در تأیید این نظر علاوه بر نوشته‌ی استاد باستانی پاریزی که نوشته‌اند: «... باسکرویل می خواست به کمک «گروه نجات»، محاصره‌ی [تبریز] را بشکند، که در سحرگاه ۱۹ آوریل ۱۹۰۹ م (۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ هـ.ق) کشته شد»، می توان به فرازی از شرح حال او در دایرةالمعارف «ویکی پدیا» نیز استناد نمود:

«... وی [باسکرویل] هنگامی که یک گروه از محصلین را برای شکستن محاصره‌ی تبریز رهبری می کرد، کشته شد...»

در همین ارتباط و نیز در ارتباط با ماهیت فوج نجات، «حسن معاصر» می نویسد:

«... این جوان پاکدل آرزوی بزرگی هم در دل می پرورانید، تا آنجا که دست‌های خود را «فوج نجات» نامیده و از یکایک آنان پیمان می گرفت که در هر جنگی پیش‌بر باشند و چون به دشمنی نزدیک شوند در بند سنگر نبوده و فدایی وار به آنها بتازند، بکشند و کشته شوند...»

ایرانیان در راه آزادی می کوشند، من به آنها پیوسته‌ام و باک از قانون آمریکا ندارم...» کنسول آمریکا پس از واقعه‌ی فوق‌بازهم تلاش‌هایی برای به اصطلاح «سر عقل آوردن» باسکرویل به عمل آورد و از جمله یک دفعه هم همسر خویش را برای منصرف ساختن وی از ادامه‌ی مبارزه برای اعاده‌ی مشروطیت ایران نزد او فرستاد. آن هم در شرایطی که در همان روزها دوست نزدیک و همکار و همفکر ایرانی «باسکرویل» یعنی زنده یاد «سید حسن شریف‌زاده» در جریان جنگ‌های خیابانی با مستبدین جان فدا کرده و مرگ او «باسکرویل» را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود.

«... در همین ایام مرگ «سیدحسن شریف‌زاده» دوست و یار نزدیک «باسکرویل» چنان او را منقلب کرد که در جواب همسر کنسول آمریکا که از او خواسته بود از صف مشروطه‌خواهان جدا شود، ضمن پس دادن پاسپورتش که سند آمریکایی بودن یا غیرایرانی بودن وی به شمار می آمد گفت: «تنها فرق من با این مردم زادگاهم است و این فرق بزرگی نیست...»

در واقع «باسکرویل» با تحویل پاسپورت خود حتی بر ملیت خویش نیز پشت پا زده بود تا تنها تفاوتش با ملت ایران را هم از میان بردارد و تبدیل به یک «ایرانی» به معنای واقعی کلمه شود. این مطلب را همسر یکی از میسیونرهای آمریکایی در تبریز در نوشته‌های تحت عنوان: «I am Persian» (من ایرانی هستم) که حاوی نکاتی درباره‌ی زندگی و مرگ باسکرویل می باشد، مورد تأکید قرار داده است.

### «بنیان‌گذاری «فوج نجات» در تبریز

از فوریه سال ۱۹۰۹ م به بعد یعنی در طی ماه‌های مارس و آوریل این سال شهر تبریز از همه طرف تحت محاصره‌ی نیروهای استبداد قرار داشت طوری که سپاهیان دولت مرکزی، قزاق‌ها و حکام



وضعیت حقوقی بیگانگان در ایران

# بیگانگان میهمان

مورد دیگر اینکه بیگانگان افزون بر املاک مزروعی، از تملک املاک غیرمنقول دیگر مازاد بر آنچه که برای محل سکونت

یا کسب یا صنعت خود نیازمند آن هستند، محروم می‌باشند. بنابراین اتباع بیگانه مالک در ایران، در اموال غیرمنقول، محدود به خرید ملک برای محل سکونت یا صنعت یا کسب خود است ضمن اینکه صدور جواز این اموال برای اتباع بیگانه و مواد مندرج در آن نیز خود دارای شرایطی است. برابر آیین نامه استملاک اتباع خارجی، بیگانه ای که می‌خواهد ملکی را در ایران خریداری کند، باید قبل از انجام معامله از دولت ایران مجوز کسب کند. برای تحصیل و به دست آوردن این مجوز، باید درخواست خود را طی اظهارنامه ای همراه با مدارک لازم به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک تسلیم کند. این درخواست و اظهارنامه در سازمان ثبت اسناد و املاک مورد بررسی قرار می‌گیرد، سپس نظریه سازمان به وزارت امور خارجه اعلام می‌گردد. این وزارتخانه نیز پس از بررسی‌های لازم و معمول، نظر خود را اظهار می‌نماید و در صورت لزوم حتی از ریاست جمهوری نیز استعلام می‌کند. در پایان پس از موافقت مقامات مذکور، اتباع بیگانه اجازه انجام معامله را خواهد داشت. البته باید در نظر داشت که این اجازه فقط در مورد خرید ملک برای سکونت یا صنعت یا کسب خود فرد بیگانه است.

**\* آیا فرد متقاضی بیگانه برای کسب موافقت دولت ایران باید دارای شرایط خاصی باشد؟**  
درخواست کننده باید از حیث قانون ایران دارای اهلیت برای انجام معامله باشد. برای مثال

صاحب حساب بانکی شود ولی نمی‌تواند ازدواج کند، پدر شود یا

... در مورد بیگانگان، چه اشخاص حقیقی (فردی که تبعه کشورهای خارجی هستند) و چه اشخاص حقوقی (مؤسسات و شرکت‌های خارجی)، اصل بر آن است که آنها از کلیه حقوق مقرر در قوانین ایران برخوردار هستند مگر آنکه قانون به طور صریح آنها را از بعضی از آن حقوق محروم کرده باشد.

حقوقی که بیگانگان در ایران از آن محروم هستند مواردی که بیگانگان از نظر حقوقی از آنها محروم هستند، عبارتند از: حقوقی که قانون آن را به طور صریح منحصر به اتباع ایران می‌داند یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است. برای تشخیص این موضوع که این حقوق کدامند، در هر موردی باید به قانون مربوط به همان مورد مراجعه کرد. برای مثال برابر اصل ۸۱ قانون اساسی، دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است. همچنین در مورد حقوقی که به صراحت قانون، منحصر به اتباع ایران است و به این مناسب بیگانگان از آن محروم هستند، حق کار در بعضی مشاغل است. برای مثال برابر ماده ۱۲ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار، یکی از شرایط پذیرش اشخاص حقیقی به کارگزاری بورس، دارا بودن تابعیت ایران است.

در هر کشوری قواعدی وجود دارد که وضعیت تابعیت شخص را نسبت

معین می‌کند. این قواعد معمولاً در کشورهای مختلف متفاوت است و هر کشور قواعد جداگانه ای برای تعیین اتباع خود تنظیم می‌کند بنابراین اگر بر اساس آن قواعد آن کسی که در قلمرو آن کشور تبعه به شمار نیاید، بیگانگان محسوب خواهد شد. جدا ساختن این دو دسته از اشخاص یعنی اتباع و بیگانگان در هر کشور، از این ضرورت ناشی می‌شود که حقوق بیگانگان نسبت به حقوق اتباع کم و بیش متفاوت است. در این مختصر به بررسی وضعیت بیگانگان از حیث مقررات عمومی و حقوق خصوصی می‌پردازیم.

## وضعیت اشخاص حقوقی بیگانه از حیث حقوق خصوصی

همانطور که می‌دانیم اشخاص به دو دسته تقسیم می‌شوند: اشخاص حقیقی و حقوقی. مقصود از اشخاص حقیقی افراد و انسان‌ها هستند و مقصود از اشخاص حقوقی شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌ها (اعم از دولتی و بخش خصوصی) هستند. اشخاص حقوقی به حکم قانون دارای حقوق و تکالیفی هستند که برای افراد قابل شده است مگر حقوق و تکالیفی که ذاتاً متعلق به انسان‌ها است مانند پدر شدن، همسر شدن، ارث بردن و ... برای مثال شرکت تجاری (الف) می‌تواند مانند انسان‌ها

دادخواست او رد می‌شود.

### لازم به ذکر است که خواهان خارجی در موارد زیر از دادن تأمین معاف می‌باشد:

- اگر اتباع ایران در خاک دولت متبوع خارجی از دادن تأمین معاف باشند.

- اگر دعوی خارجی در مورد مطالبه برات، سفته یا چک باشد.

- اگر دعوی خواهان بیگانه از جمله دعاوی تقابل به شمار آید یعنی دعاوی که مستند دعوی او سند رسمی باشد.

- در دعاوی که اقامه و طرح آنها با انتشار آگهی رسمی صورت می‌گیرد مانند اعتراض به ثبت ملک، چنانچه جرمی نسبت به یک تبعه خارجی در ایران واقع شود، قابل تعقیب در دادگستری می‌باشد. همچنین به جرائم ارتكابی از سوی آنان در ایران در مراجع کیفری ایران رسیدگی می‌شود. البته باید توجه داشت که نمایندگان سیاسی فرستاده شده از سوی دولت خارجی و کارمندان دیپلماتیک آن دولت از تعقیب کیفری در ایران مصون می‌باشند و قابل تعقیب نخواهند بود.

### ۳- وضعیت اشخاص حقوقی بیگانه در ایران

همان طور که اشاره کردیم، اشخاص حقوقی نیز مانند اشخاص حقیقی از حقوق بهره مند می‌باشند البته به غیر از حقوقی که ذاتاً به انسان‌ها تعلق دارد مانند حق پدر شدن. اشخاص حقوقی نیز مثل اشخاص حقیقی و انسان‌ها می‌توانند دارای تابعیت باشند. از این رو بررسی وضعیت آنها از حیث بیگانه بودن ضروری است. شاید بتوان اشخاص حقوقی را به سه دسته تقسیم کرد. یعنی:

الف: اشخاص حقوقی عمومی یا دولتی مانند شهرداری‌ها

ب: شرکت‌های تجاری مانند شرکت سهامی خاص، سهامی عام و ...

ج: مؤسسات و تشکیلات غیرتجاری که برای مقاصد غیرتجاری تأسیس می‌شوند مانند کانون‌های فنی یا مؤسسات خیریه و ...

در ایران برای اینکه تابعیت شخص حقوقی مشخص شود، قانونگذار تابعیت آن را بسته به این می‌داند که اقامتگاه شخص حقوقی در کدام کشور واقع شده باشد. برای اینکه فعالیت اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های تجاری در ایران مجاز باشد، لازم است تا اینگونه شرکت‌ها به ثبت برسند. برابر قانون «هر شرکت خارجی برای اینکه بتواند به وسیله شعبه یا نماینده اش به امور تجاری یا صنعتی یا مالی در ایران مبادرت کند مانند شرکت ساسونگ، فیلیپس و ... باید در مملکت اصلی خود قانونی شناخته شده و در اداره ثبت اسناد تهران به ثبت رسیده باشد.»

منبع: معاونت پژوهش قوه قضائیه

### ۲- وضعیت اشخاص حقیقی از حیث حقوق عمومی

مشارکت و نقش بیگانگان در امور سیاسی کشور امری است استثنایی و اصل بر عدم حضور و نقش آنان در این امور است زیرا حقوق سیاسی امتیازی است که بر اساس قانون برای اعضای جامعه به منظور شرکت در انتخابات، همه پرسی و مشارکت در اداره امور کشور، به عنوان حق انحصاری ایرانیان در نظر گرفته شده است.

علاوه بر محرومیت بیگانگان از حقوق سیاسی، این افراد از استخدام در نهادهای دولتی نیز محروم هستند مگر در شرایط خاص و با اجازه قانونگذار. در بیشتر قوانین استخدامی، شرط تابعیت ایران به عنوان یکی از شرایط اصلی استخدام در نظر گرفته شده است البته گاهی اوقات این امکان وجود دارد که دولت برای استفاده از تخصص بیگانگان، ناچار به استخدام آنان شود که در این صورت به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز است. پس از تصویب مجلس، فرد مذکور باید از وزارت کار و امور اجتماعی نیز پروانه کار دریافت کند تا فعالیت او قانونی محسوب شود.

علاوه بر مشاغل دولتی، بیگانگان از اشتغال به برخی کارهای عمومی مانند وکالت دادگستری و سردفتری اسناد رسمی نیز محروم هستند.

بیگانگان از حیث خدمت وظیفه عمومی معاف می‌باشند ولی از حیث مالیات بر درآمد تفاوتی بین آنان و اتباع داخلی وجود ندارد. برابر بند ۴ ماده یک قانون مالیات‌های مستقیم، هر شخص غیر ایرانی اعم از حقیقی یا حقوقی نسبت به کلیه درآمدهایی که از ایران تحصیل می‌کند، مکلف به پرداخت مالیات است.

شخص بیگانه همانند اتباع داخلی حق مراجعه به دستگاه قضایی را دارد و در این مورد چه در موضوعات مدنی و چه موضوعات کیفری، به درخواست یا دادخواست یا شکایت او رسیدگی می‌شود. البته در امور مدنی (مانند بیع، فسخ قرارداد، مطالبه وجه و ...) بیگانگان از حیث تقدیم دادخواست و نحوه رسیدگی دارای محدودیت می‌باشند به این نحو که اگر بیگانه «خواهان اصلی» باشد یا به عنوان شخص ثالث وارد دعوی اصلی شده باشد و طرف مقابل او ایرانی باشد، در حالی که طرف ایرانی برای رسیدگی به دادخواست او درخواست تأمین کند، طرف بیگانه در صورت محکومیت، باید در مهلت معین خسارت احتمالی را (بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله) که از طرف دادگاه تعیین شده، تأمین کند (خسارت پرداخت نماید) تا دادخواست او به جریان افتاده و رسیدگی شود. اگر در مهلت مقرر خواهان خارجی از دادن تأمین خودداری کند، به درخواست طرف ایرانی

مجنون و صغیر و سفیه نباشد. در ضمن باید دارای پروانه اقامت دائم در ایران باشد و تعهد کند که در صورت انتقال محل اقامت خود به کشور دیگر، ملک خریداری شده را حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ خروج از ایران، به یکی از اتباع ایرانی یا خارجی که اجازه دولت ایران را کسب کرده، بفروشد وگرنه اداره ثبت به نیابت از او مبادرت به فروش آن کند. در صورت فوت بیگانه ای که ملکی را در ایران به این ترتیب خریده، ثبت ملک به نام ورثه او در دفتر املاک، موکول به آن است که ورثه او نیز مجوز لازم را از دولت ایران کسب کرده باشند.

### امور شخصی و خصوصی بیگانگان در ایران

در امور مربوط به ازدواج و طلاق، اگر زن و شوهر تبعه یک دولت خارجی باشند، مشکلی پیش نمی‌آید و قانون کشور متبوع بر روابط آنها حکومت می‌کند. اما اگر زن و شوهر تبعه دو کشور مختلف باشند، روابط شخصی و مالی بین آنان تابع قوانین کشوری است که شوهر تبعه آن محسوب می‌شود. برای مثال اگر بخواهیم روابط شخصی یک شوهر پاکستانی و یک زن فرانسوی را در ایران از حیث خرج و نفقه یا سکونت حل و فصل کنیم، قانون کشور پاکستان بر روابط این دو حاکم خواهد بود.

### \* در فرض مطرح شده اگر شوهر ایرانی و زن تبعه خارج باشد مسایل آنان چگونه حل و فصل می‌شود؟

اصولاً قوانین مربوط به احوال شخصیه مانند ازدواج، طلاق، ارث، وصیت و ... در مورد کلیه اتباع ایرانی حتی اگر در خارج از کشور زندگی کنند، حاکم است. بنابراین برابر ماده ۹۶۳ قانون مدنی اگر زوجین تبعه یک دولت نباشند، روابط شخصی و مالی بین آنان تابع قانون دولتی است که شوهر تبعه آن محسوب می‌شود.

در امور مربوط به پدر و مادر و فرزندان، قوانین کشوری که پدر تابع آن است به اجرا در می‌آید مگر اینکه نسبت طفل فقط به مادر مسلم و یقینی باشد و پدر او معلوم نباشد که در این صورت روابط بین طفل و مادر، تابع قانون دولت متبوع مادر است.

اموال به جا مانده از متوفی بیگانه اعم از منقول (مانند فرش) یا غیرمنقول (مانند خانه، زمین و ...) که در ایران واقع شده، از حیث تعیین ورثه، مقدار سهم الارث آنها، نحوه تقسیم سهام بین آنها و وصیت متوفی نسبت به اموال، تابع قانون دولت متوفی خواهد بود. برای مثال اگر یک نفر فرانسوی که در ایران دارای خانه، اثاث منزل و وجه نقد در حساب جاری است در ایران یا کشور دیگری فوت کند، نحوه تقسیم اموال او و اینکه چه کسی ورثه او محسوب می‌شود یا سهم ورثه از اموال چگونه است و ... تابع قوانین کشور فرانسه خواهد بود.

## رود خروشان

مردی در ساحل رودخانه‌ای نشسته بود که ناگهان متوجه شد مرد دیگری در چنگال امواج خروشان رودخانه گرفتار شده است و کمک می‌طلبد. داخل رودخانه شد و مرد را به ساحل نجات آورد، به او تنفس مصنوعی داد. جراحاتش را پانسمان کرد و بزشک را به بالینش آورد. هنوز حال غریق جا نیامده بود که شنید دو نفر دیگر در حال غرق شدن در رودخانه‌اند کمک می‌خواهند. دوباره به رودخانه پرید و به زحمت آن دو نفر را هم نجات داد. اما پیش از آنکه فرصت پیدا کند صدای چهار نفر دیگر را که در حال غرق شدن بودند، شنید. بالاخره آن مرد آن قدر قربانی نجات داد که خودش خسته شده و از پا افتاد. ولی صدای فریاد کمک از طرف رودخانه قطع نمی‌شد. کاش این مرد خیرخواه چند قدمی به طرف بالای رودخانه می‌رفت و متوجه می‌شد که دیوانه‌ای مردم را یکی یکی به آب می‌اندازد. در این صورت این همه انرژی صرف نمی‌کرد به جای رفع معلول به مبارزه با علت می‌پرداخت و جان افراد بیشتری را نجات می‌داد.

## راهی به سوی موفقیت

سرهنگ ساندرس یک روز در منزل نشسته بود که در این میان نوه‌اش آمد و گفت: بابابزرگ این ماه برایم یک دوچرخه می‌خری؟ او نوه اش را خیلی دوست می‌داشت، گفت: حتماً عزیزم. حساب کرد ماهی ۵۰۰ دلار حقوق بازنشستگی می‌گیرد و حتی در مخارج خانه هم می‌ماند. شروع کرد به خواندن کتاب‌های موفقیت. در یکی از بندهای یک کتاب نوشته بود: قابلیت‌هایتان را روی کاغذ بنویسید. او شروع کرد به نوشتن تا اینکه دوباره نوه اش آمد و گفت: بابا بزرگ داری چه کار می‌کنی؟ پدر بزرگ گفت: دارم کارهایی که بldم را مینویسم. پسرک گفت: بابا بزرگ بنویس مرغ‌های خوشمزه هم درست می‌کنی. درست بود؛ پیرمرد پودرهایی را درست می‌کرد که وقتی به مرغ‌ها میزد مزه‌ی مرغ‌ها شگفت‌انگیز می‌شد. او راهش را پیدا کرد. پودر مرغ را برای فروش نزد اولین رستوران برد اما صاحب آنجا قبول نکرد! دومین رستوران نه! سومین رستوران نه! او به ۶۲۳ رستوران مراجعه کرد و ششصدویست و چهارمین رستوران، حاضر شد از پودر مرغ سرهنگ ساندرس استفاده کند. امروزه کارخانه پودر مرغ کنتاکی (KFC) در ۱۲۴ کشور دنیا نمایندگی دارد. اگر در آمریکا کسی بخواهد تصویر سرهنگ ساندرس و پودر مرغ کنتاکی را بالای درب رستورانش نصب کند باید ۵۰ هزار دلار به این شرکت پرداخت کند.

# آبگوشت گوجه سبز



## طرز تهیه آبگوشت گوجه سبز :

آبگوشت گوجه سبز هم مانند بقیه آبگوشت ها مواد اولیه اش از گوشت ، نخود ، لوبیا سفید ، سیب زمینی و پیاز تهیه شده ولی در این آبگوشت مرزه ( به مقدار کم ) و آوبشن را هم با این مواد اضافه می کنیم و زمانی که آبگوشت پخته شد آلوچه ( گوجه سبز ) اضافه می کنیم .

بعد از پانزده دقیقه جوشیدن گوجه سبز ها را از آبگوشت جدا کرده و با گوشت کوب می کوبیم و هسته و پوست گوجه سبز ها را جدا می کنیم و قسمت گوشتی گوجه سبز را در آبگوشت می ریزیم . در آخر از نعنای داغ برای روی آبگوشت استفاده

می کنیم . در ضمن هر چقدر گوجه سبز ترش تر باشد آبگوشت خوشمزه تر می شود.



## مهارت مدیریت هیجانات

هیچ ذهن سلیمی نمی پذیرد که زندگی بدون هیجان، شور و احساسات زندگی خوبی است. هیجان به زندگی انسان طعم، عطر و روح می بخشد. هنرهای گوناگون در پرتو هیجانات مختلف خلق می شوند. هیجان می تواند در انسان انرژی و امید ایجاد کند، بنابراین شاید این سؤال مطرح شود که اگر هیجان و شور تا این حد برای حیات انسان ضرورت دارد، چرا باید آن را مدیریت یا به تعبیر دیگر کنترل کرد؟

واقعیت این است که هیجانات تنها شامل موارد مثبتی چون عشق، محبت، شادی، دلسوزی، امید و... نمی شوند، بلکه در علم روان شناسی به احساساتی چون ترس، خشم، تنفر، ناامیدی، غم و... هم هیجان، منتهی از نوع منفی آن اطلاق می شود و اینجاست که مدیریت هیجان معنا پیدا می کند. هیجانات روزمره در شیوه رفتاری ما تأثیر تعیین کننده دارند، به همین دلیل باید هیجانات خود و دیگران را درست تشخیص بدهیم و میزان تأثیرگذاری آنها را بر عملکرد خود ارزیابی کنیم تا بتوانیم در موقعیت های مختلف واکنش های درست، مناسب و منطقی از خود نشان بدهیم.

### فواید هیجانات:

- \* هیجانات به ما کمک می کنند تا با شناخت آنها در خود و دیگران نیازهای دیگران را درست بشناسیم و با آنها همدلی و همراهی کنیم.
- \* هیجانات مثبت سطح رضایتمندی و شادی را در انسان بالا می برند و به او کمک می کنند تا بهترین و بیشترین تلاش را برای رسیدن به هدف به کار بگیرد.
- \* هیجاناتی چون ترس در مواقع خطر موجب می شوند سریع واکنش نشان بدهیم و از آسیب بگریزیم.

### مدیریت هیجانات

انسان معمولاً وقتی در شرایط دشوار قرار می گیرد، به گفتگوی درونی با خود می پردازد. مثلاً اگر قرار است به یک وعده ملاقات مهم برسید، شاید به خود بگویید اگر دیر برسیم دنیا به آخر می رسد، اما واقعیت این است که این اتفاق نمی افتد، بنابراین باید دائماً به خود گوشزد کنیم که در اثر دیر رسیدن ما هیچ جامعه خاصی اتفاق نمی افتد. دستپاچه و نگران شدن بیش از حد، هرگز به حل مسائل کمک نمی کند، بلکه غالباً بر وخامت اوضاع می افزاید. برای آن که بتوانیم هیجانات خود را مدیریت کنیم، ابتدا باید آنها را بپذیریم. با انکار هیجان نمی توان آن را به درستی مدیریت کرد. احساسات مطلوب و انسانی مثل همدلی، مثبت اندیشی، کنترل خشم و... را در خود تقویت کنیم.

همواره از عبارات، تعابیر و کلمات مثبت استفاده کنیم و از گفتن عبارات ناامیدکننده به دیگران بپرهیزیم. هنگامی که دچار خشم یا ناامیدی می شویم، از بحث و تصمیم گیری خودداری کنیم. روش هایی چون تمرکز بر تنفس، مدیتیشن یا انجام حرکات ورزشی و پیاده روی می توانند در کنترل نگرانی و خشم بسیار مؤثر باشند. شل کردن اختیاری عضلات، امکان کنترل ذهن و هیجان را تسریع می کند. تنفس عمیق، نوشیدن آب سرد و شمارش اعداد در ذهن قبل از حرف زدن در هنگام عصبانیت هم راه حل مناسبی است.

یکی از مهم ترین راه های پیشگیری از هیجانات منفی کم کردن توقع از دیگران و اتکا به توانایی های فردی است. کسانی که دائماً با خود تکرار می کنند نباید با من چنین رفتاری می شد و یا باید همه را راضی نگه دارم، همواره دچار نگرانی و ترس هستند و کنترل بر احساسات خود ندارند.

اگر باور کنیم هیجانات منفی به کسی جز خود ما آسیب نمی رسانند، قطعاً برای مدیریت آنها راه حل های مناسب را پیدا خواهیم کرد.

# صدقہ بہ راست، پنجاہ تا بہ چپ

بی سیم چی پیام گہر بار دوستان را بہ دیدہ بان رساند و دیدہ بان کہ معلوم بود حسابی از فاصلہ افتادن بین شلیک ہا عصبانی شدہ، گفت کہ دارہ می آد.

نیم ساعت بعد دیدہ بان سوار بر موتور از راہ رسید. ما کہ از خستگی ہمگی روی زمین ولو شدہ بودیم، با خشم نگاهش کردیم. دیدہ بان کہ یک ستوان تیل مہل بود، پرسید: خب مشکل شما چیہ؟ شما چرا اینجاییں. از جایی کہ صبح بودید خیلی دور شدین! رحیم گفت: برادر من، آخر ہی می گی برو بہ راست. صد تا برو بہ چپ. خب معلوم کہ از جایی کہ اول بودیم دور می شیم دیگہ.

ستوان اول چند لحظہ با حیرت بروبر نگاهمان کرد. بعد با صدای رگہ دار پرسید: بگید ببینم وقتی می گفتم صد تا بہ راست، شما چہ می کردین؟

خب معلومہ، قبضہ خمپارہ رو در می آوردیم و با مکافات صد متر بہ راست می بردیم!

ستوان مجسمہ شد. بعد پقی زد زیر خندہ. آن قدر خندید کہ ما ہم بہ خندہ افتادیم. ستوان خندہ خندہ گفت: وای خدا! چہ قدر بامزہ، خدا خیرتان بدہ چند وقت بود کہ حسابی نخندیدہ بودم. وای خدا دلم درد گرفت. شما واقعا این جنازہ را ہی بہ راست و چپ می بردین؟

ما کہ نمی دانستیم علت خندہ ستوان چیہ، گفتیم: خب آره. چطور؟

ستوان یک شکم دیگر خندید. بعد خسی چشمانش را گرفت و گفت: قربان شکل ماہ تان برم، وقتی می گفتم صد تا بہ راست، یعنی این کہ با این دستگیرہ سر خمپارہ را صد درجہ بہ راست بچرخانید، نہ اینکه کلہاش را بردارید و صد متر بہ سمت راست ببریدش! و دوبارہ خندید. فہمیدیم چہ گافسی دادیم. ما ہم خندیدیم. دست و بالمان از خستگی خشک شدہ بود، اما چنان می خندیدیم کہ دلمان درد گرفتہ بود.

ہمہ بہ ہم نگاہ کردیم. من پرسیدم: یعنی چی صد تا بہ راست بریم؟

رحیم کہ فرماندہ بود کم نیاورد و گفت: حتماً منظورش این است کہ قبضہ را صد متر بہ سمت راست ببریم.

با مکافات قبضہ خمپارہ را از دل خاک بیرون کشیدیم و بدنہ سنگینش را صد متر بہ راست بردیم. بی سیم چی گفت: دیدہ بان می گہ چرا طول می دین؟

رحیم گفت: بگو دندان روی جگر بگذارہ. مداد نیست کہ زودی ببریمش!

دوبارہ خمپارہ را در زمین کاشتیم. بی سیم چی از دیدہ بان کسب تکلیف کرد و بعد اعلام آتش کرد.

ما ہم آتش کردیم! بی سیم چی گفت: دیدہ بان می گہ خوب بود، حالا پنجاہ تا بہ چپ برید! با مکافات قبضہ خمپارہ را در آوردیم و پنجاہ متر بہ سمت چپ بردیم و دوبارہ کاشتیم و آتش! چند دقیقہ بعد بی سیم چی گفت: می گہ حالا دویست

تا بہ راست! دیگر داشت گریہ مان می گرفت. تا غروب ما قبضہ سنگین خمپارہ را خرکش بہ این طرف و آن طرف می کشانیدیم و جناب دیدہ بان غر

می زد کہ چرا کار را طول می دہیم و جلد و چابک نیستیم. سرانجام یکی از بچہ ہا قاطی کرد و فریاد زد: بہ آن دیدہ بان بگو نفس ات از جای گرم در

می آدہا. کنار گود نشسته می گہ لنگش کن! بگو اگر راست می گہ بیاد اینجا و خودش صد تا بہ

راست و دویست تا بہ چپ برہ!

ما یک عدہ بودیم کہ عازم جیبہ شدیم. اول جنگ بود و ہمہ جا بہ ہم ریختہ بود. نہ سازماندہی درستی داشتیم و نہ سلاح و توپ و خمپارہ و... رسیدیم بہ اہواز. رفتیم پیش برادران ارتشی و از آنها خواستیم تا از وجود نازنین ما ہم استفادہ کنند! فرماندہ ارتشی پرسید: خب، حالا در چہ رستہ ای آموزش دیدہ اید؟

ہمہ بہ ہم و بعد با تعجب بہ او نگاہ کردیم. ہیچ کس نمی دانست رستہ چیست؟! فرماندہ کہ فہمید ما از دم، صفر کیلومتر و آکبند تشریف

داریم، گفت: آموزش سلاح و تیراندازی دیدید؟ با خوشحالی اعلام کردیم کہ این یک قلم را واردیم.

پس این قبضہ خمپارہ در اختیار شماست. بروید ببینم چہ می کنید. دیدہ بان گزارش می دہد و شما شلیک کنید. بروید بہ سلامت!

هیچ کدام بہ روی مبارک خود نیاوردیم کہ از خمپارہ ہیچ سررشتہ ای نداریم. رحیم گفت:

آن شاللہ بہ مرور زمان بہ فوت و فن ہمہ سلاح ہای جنگی وارد خواهیم شد. «باعلی» گفتیم و بہ

ہمراہ قبضہ خمپارہ و گلولہ ہایش عازم منطقہ جنگی شدیم.

کمی دورتر از خط مقدم خمپارہ را در زمین کاشتیم و چشم بہ بی سیم چی دوختیم تا از

دیدہ بان فرمان بگیرد. بی سیم چی پس از قربان صدقہ با دیدہ بان رو بہ ما فرمان «آتش» داد.

ما ہم یک گلولہ خمپارہ در دہان گل و گشاد لولہ خمپارہ رها کردیم. خمپارہ زوزہ کشان راہی

منطقہ دشمن شد. لحظہ ای بعد بی سیم چی گفت:

دیدہ بان می گہ صد تا بہ راست بزنی!



برندگان شماره قبل:  
عسل پرومند - تهران

جدول...

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
					■							۱
	■					■					■	۲
		■					■					۳
			■					■				۴
				■					■			۵
					■					■		۶
	■					■						۷
		■					■					۸
			■					■				۹
				■					■			۱۰
■					■					■		۱۱
	■					■					■	۱۲
							■					۱۳

- افقی**
- ۱- عملیاتی در غرب سوسنگرد - منطقه‌ی آزاد شده
  - ۲- عزیز هم - فصل سبز
  - ۳- گدا- برقرار- آزادی کربلا
  - ۴- بهشت- از قیود- امید
  - ۵- جهت- شادی- فلز خارجی
  - ۶- میان- عملیاتی اشنویه- منطقه آزاد شده در
  - ۷- روستا- گردن آویز
  - ۸- خط حامل در فیزیک و مکانیک- گواهی دهنده
  - ۹- تازہ- پیرو- گداز
  - ۱۰- ننگ- رایج- محصول آتش
  - ۱۱- بگو- منطقه عملیاتی نصر شش- از ارکان نماز
  - ۱۲- شگردها- فدراسیون جهان کشتی
  - ۱۳- کشور زیتون- منطقه عملیاتی، عملیات ام‌الحسین

طراح جدول: ابراهیم زارعی  
حل جدول شماره گذشته:

۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

- ۷- قاضی مسابقه- انبار  
۸- زمین بی آب و نمک- از حالت‌های ماده- شکوه  
۹- کشته شده در راه خدا- پرنده حضرت سلیمان  
(ع)- از آلات فلزی  
۱۰- شهر استان فارس- ماده‌ها- عملیات بدر در  
شرق این رودخانه انجام شد  
۱۱- تلخ- حشره زهدار- کشوری آفریقایی  
۱۲- عربستان قدیم- عضو دستگاه گوارش  
۱۳- منطقه عملیاتی بدر- آب شرعی

**عمودی**

- ۱- خاندان- عملیاتی در غرب سومار
- ۲- چهره- ترتیب
- ۳- سپرده- قدرتمند- در کشتی رد و بدل می‌شود
- ۴- لباس شننا- معجزه‌ی جاوید پیامبر(ص)-  
قربانگاه حجاج
- ۵- از اصول دین- دیگر- زاری
- ۶- از اقوام- زرخید- پناهگاه

۱۱

شاهد جوان / شماره ۱۰۶

اشتراک شش ماهه: ۵۴۰۰ تومان یکساله: ۱۰۸۰۰ تومان

فرم اشتراک  
جوان

نشانی مجله: تهران صندوق پستی

۱۵۷۱۵/۱۹۴

تلفن: ۸۸۸۲۳۵۸۴

اینجانب .....

متقاضی نشریه شاهد جوان می‌باشم که حق اشتراک آن‌را:

طی رسید بانکی پیوست به حساب سیبا به شماره ۱۰۵۸۴۷۴۲۰۰۰۶ نزد بانک ملی ایران شعبه شاهد کد (۷۶۰)

به نام معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی انتشارات شاهد واریز کرده‌ام.

نشانی دقیق: .....

تلفن و کد شهرستان: .....

کد پستی: .....

تلفن همراه: .....

امضا: .....

تاریخ: .....

چه اتفاقی افتاد که بچه‌ها کفران نعمت کردند و با دست خودشان برکت را از خانه و کاشانه‌شان دور کردند



## خانه‌ای برای آینده‌ی خود

فرزانه قاضی اسدالهی - کارشناس فرهنگی

\*\*\*

می‌گویند پیرمردی تصمیم گرفت با پسر، عروس و نوه‌ی چهارساله‌اش زندگی کند. دستان پیرمرد می‌لرزید و چشمانش خوب نمی‌دید و به سختی می‌توانست راه برود. هنگام غذا خوردن غذایش روی میز می‌ریخت و...

پسر و عروس راه چاره را در این دیدند که میز کوچکی را در گوشه‌ی آشپزخانه برای پیرمرد بگذارند تا همه جا را کثیف نکند پیرمرد مجبور شد به تنهایی در گوشه‌ای غذا بخورد. وقتی هم که بشقاب غذا را شکست، ظرفی چوبی برای او تهیه شد و گاه و بیگاه سرزنش می‌شد. پیرمرد فقط اشک می‌ریخت.

روزی پسر چهارساله‌ی خانواده مشغول بازی با چوب بود. پدرش پرسید: پسر، چی درست می‌کنی؟

پسرک گفت: برای تو و مامان کاسه‌های چوبی درست می‌کنم که وقتی پیر شدید در آنها غذا بخورید!

از آن روز به بعد همه خانواده با هم سر یک میز غذا می‌خوردند.

در واقع رفتار ما با والدین مان، آینده‌ی تمام نمای رفتار و فرزندانمان در آینده با ما است. دوباره مثل قدیم مهربانی را تجربه کنیم.

بی‌عاطفه. خانه‌هایی به وجود آمد به نام «خانه‌ی سالمندان» که در واقع خانه نبود، حصارى بود برای مردان و زنانی که از قدیم معروف بودند که: بزرگ‌ترها برکت خانه‌اند نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که بچه‌ها کفران نعمت کردند و با دست خودشان برکت را از خانه و کاشانه‌شان دور کردند. می‌گویند «این خانه‌ها...» تحفه‌ی فرنگ هستند. درست. اما حتی خود فرنگی‌ها هم این وضعیت را دوست ندارند چه برسد به ما که انسان‌های گرم و عاطفی هستیم، به لبخند نیاز داریم به اینکه بزرگ‌ترها نوازشمان کنند و از سر دلسوزی نصیحتمان کنند. و بعد بگویم: این حرف مادر بزرگ یا پدر بزرگ را باید با آب طلا نوشت قاب کرد زد به دیوار.

مادر بزرگ و پدر بزرگ‌هایی که کلاس نرفته استاد بودند چون تجربه به آن‌ها درس‌های بسیار داده بود. و حالا این اساتید مکتب تجربه به جای تدریس داشته‌هایشان در خانه‌ی بچه‌هایی که با خون و دل بزرگشان کرده بودند کلاس نرفته بازنشسته و گوشه‌نشین خانه‌های سالمندان می‌شوند.

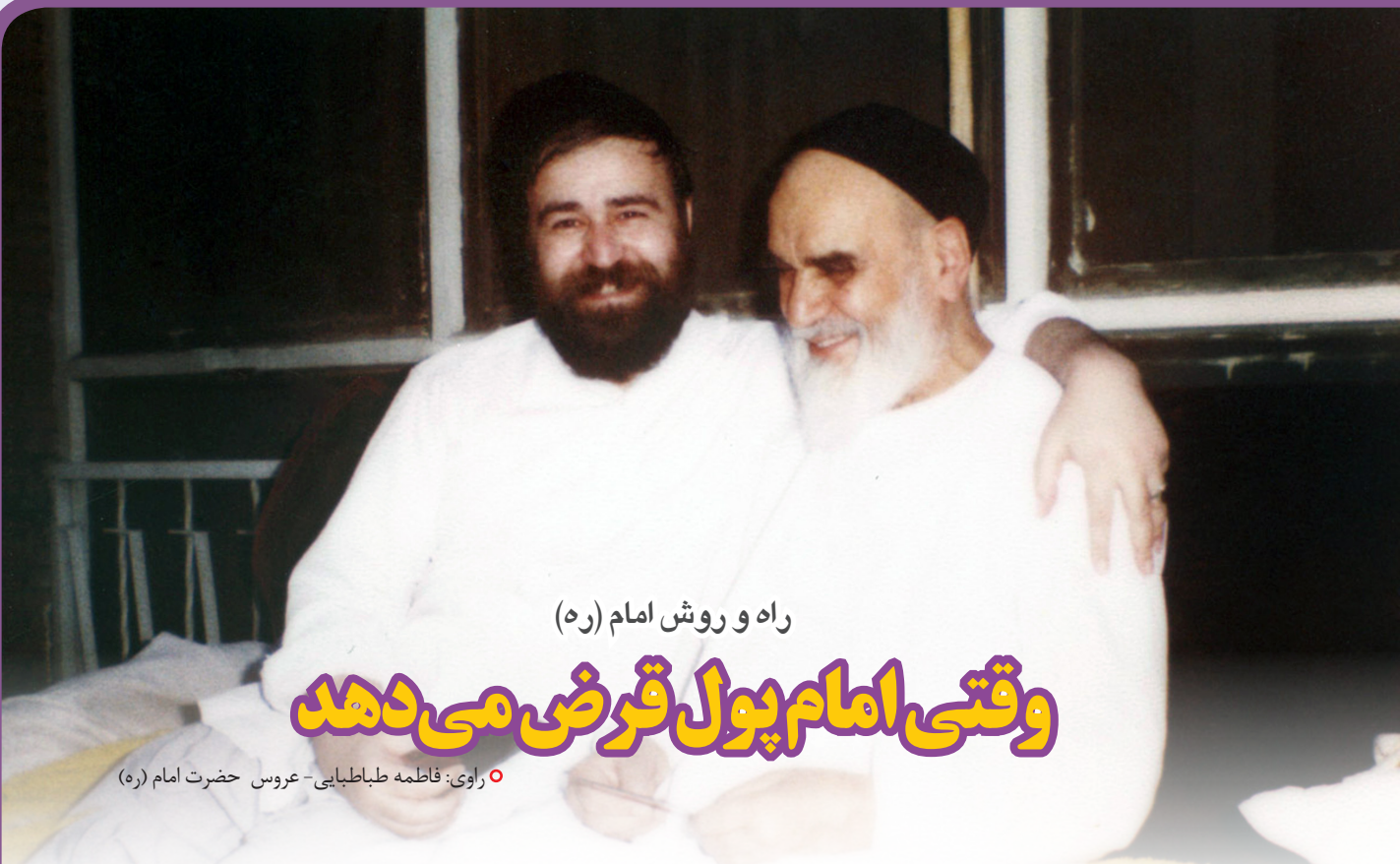
نه. نباید اینگونه شود. نباید اجازه بدهیم این اتفاق بیفتد. آنها آینده‌ی ما هستند آیا رواست که بعد از این همه تلاش و زحمت برای رفاه حال فرزندانمان جایمان کنج غربت «خانه‌ی سالمندان» باشد.

استاد کارآفرینی در پاسخ به سؤال دانشجو که در آینده چه کاری درآمد خواهد داشت گفت: تأسیس خانه‌های سالمندان، خانه‌هایی که با خلاقیت شما می‌توانند بازار خوبی برای سالمندان باشند.

دلم لرزید. در واقع این پیشنهادی بود برای آینده‌ی خودمان و یادم افتاد که تمام لذت کودکی‌های ما رفتن به خانه‌ی پدر بزرگ و مادر بزرگ بود و اگر خیلی شانس داشتیم ما همان خانواده‌ای بودیم که با پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ زندگی می‌کردیم و مورد حسادت بقیه‌ی بچه‌های فامیل بودیم که: آقا جان و مادر جان که مال شما هستند؟

آقا جان و مادر جان هم به خاطر دل آنها گاهی مرخصی می‌رفتند خانه‌ی آن یکی فرزند تا نوه‌ها به طور مادی از وجودشان بهره‌مند شوند. پدر بزرگ صبح زود بیدار می‌شدند و راهی نانوايي می‌شدند. تا نان و پنیر تازه بگیرند. مادر بزرگ‌ها هم تا پدر بزرگ برود چای را دم کرده و سفره را با عشق چیده بودند تا بچه‌ها و نوه‌ها کم‌کم از خواب بیدار شوند. صبحانه با عشق سرو می‌شد پدر بزرگ به خرید می‌رفت مادر بزرگ به دختر یا عروسش کمک می‌کرد و...

خلاصه زندگی با عشق جریان داشت. اما نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد. چه شد که کم‌کم خانه‌ها کوچک شدند، خانواده‌ها کوچک‌تر و بعضی بچه‌ها



راه و روش امام (ره)

## وقتی امام پول قرض می‌دهد

○ راوی: فاطمه طباطبایی - عروس حضرت امام (ره)

را فراهم کنیم خانم با ناراحتی گفتند عیب ندارد. برای انجام مقدمات سفر و تنظیم کارهای لازم، گذرنامه هایمان را به آقای شیخ عبدالعلی قرهی تحویل دادیم. روز بعد سر سفره خانم با ناراحتی گفتند: هفته آخر است که این‌ها اینجا هستند، از هفته بعد دوباره تنهایی ما شروع می‌شود. امام فرمودند: چرا! هستند. خانم با ناراحتی و تعجب گفتند شما که حاضر نشدید به اینها قرض بدهید و اینها گذرنامه شان را هم به آشیخ تحویل داده اند که... آقا با لیخندی گفتند: به حاج شیخ گفتیم دست نگه دارد. ما متوجه شدیم برای آقا انصرافی پیش آمده، حالا از کجا، نمی‌دانم، ولی یادم می‌آید که حاج احمدآقا برایم نقل کردند که آقا گفته اند: «اگر اطمینان کنم شما قرضتان را پس می‌دهید، من حرفی ندارم به شما قرض بدهم». خوب، حالا چگونه قرضمان را پرداخت می‌کنیم؟ من گفتم به محض برگشتن به ایران طلاهایم را می‌فروشم و پول آقا را به آقای پسندیده تحویل می‌دهم. خلاصه پول را گرفتیم و به همراهی حاج خانم به مکه مشرف شدیم، آنچه در سفر بر ما گذشت داستان طولانی دارد ولی به محض برگشتن به قم طلاهایم را فروختم و قرض آقا را به آقای پسندیده پرداخت کردم.

خوب بروند. خانم گفتند آقا، مکه رفتن پول می‌خواهد. آقا در جواب گفتند: هرکسی که مکه می‌خواهد برود، پول می‌خواهد؛ اگر پول داشته باشد می‌رود و اگر نداشته باشد، نمی‌رود. خانم گفتند، خوب شما قرضشان بدهید. آقا گفتند: من قرض نمی‌دهم. این جمله یکی دو بار تکرار شد. در آخر خانم پرسیدند چرا قرض نمی‌دهید؟ آقا گفتند پول خودم که نیست؛ من به کسی قرض می‌دهم که بدانم برمی‌گرداند، اینها از کجا برمی‌گردانند؟ مجدداً خانم گفتند برمی‌گردانند. آقا گفتند از کجا؟ خانم گفتند خوب اگر مهریه فاطمه را بدهید، می‌توانند بروند. راستش این گفتگو، بویژه این جمله آخری برای من بسیار سنگین بود، خصوصاً زمانی که امام گفتند: مهریه اش را مطالبه می‌کنند؟ خوب اگر مطالبه باشد، بحث دیگری است؛ که من به ناچار گفتم نه اصلاً این بحث‌ها نیست؛ صحبت این است که اگر رفتن به حج برای ما واجب باشد، الان بهترین فرصت است. (من به نظر خودم خواستم از زاویه و وجوب حج وارد شوم). آقا گفتند اگر پول ندارید، مستطیع نیستید و برایتان واجب نمی‌باشد. گفتم بله همینطور است و قضیه تمام شد.

سال ۱۳۵۲ بود که به همراه حاج سید احمدآقا و فرزندان حاج حسن آقا که بیش از یکی دو سال نداشتند، به نجف رفتیم. طبیعی است که در آن دوران غربت و تبعید، حضور ما باعث دلگرمی امام و همسر مکرمه اشان باشد. قرار بود دو ماهی را در نجف باشیم و سپس به ایران مراجعت کنیم. در آن زمان ها سازمان اوقاف نظام طاغوتی مسئول کارهای حج بود و خیلی ها از جمله حاج سید احمدآقا رفتن به سفر حج در آن شرایط از ایران را قبول نداشتند؛ بنابراین مناسب ترین موقعیت برای این سفر از عراق بود که چند حُسن داشت؛ از جمله خارج از حیطه عمل سازمان اوقاف انجام می‌شد و علاوه بر آن هزینه سفر بسیار کمتر بود و نیز همسر حضرت امام هم که بسیار مایل به این سفر بود، می‌توانست به همراهی فرزندش حاج احمدآقا به زیارت بیاید و شاید مهمتر از همه مدت اقامت ما در نجف، حدود ۷ تا ۸ ماه طول می‌کشید که این خود برای آن دوران امام و همسرشان می‌توانست بسیار وضع مطلوبی باشد.

زمانی که صحبت از سفر حج به میان آمد، تنها مشکل موجود نبود «پول» هزینه سفر بود که حاج خانم پیشنهاد کردند از آقا قرض بگیرید. کاری که نه من و نه حاج سیداحمدآقا هیچکدام به خود اجازه این درخواست را از آقا نمی‌دادیم. روزی دور هم نشسته بودیم. خانم گفتند آقا، احمد و همسرش می‌خواهند به مکه بروند. آقا فرمودند:

منبع: سر دلبری، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۵۸-۶۰

دو - سه روز بعد حاج احمدآقا به مادرشان گفت: خانم، ما می‌خواهیم برگردیم و باید مقدمات سفر

قیام خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲

# نقطه بی بازگشت انقلاب

در فروردین ۱۳۴۰ زمینه را برای انجام بعضی از کارهای خلاف شرع از سوی رژیم شاه فراهم کرد. دومین عاملی که باعث مطرح شدن لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی شد، درگذشت عالم بزرگوار آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی بود. حذف قید اسلام از شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان و تبدیل سوگند قرآن به کتاب آسمانی از سوی رژیم شاه در لایحه ی انجمن های ایالتی و ولایتی به منزله ی مخالفت صریح رژیم شاه با قرآن و اسلام و توهینی آشکار به روحانیت و مراجع تقلید که حافظ و مروج اسلام و قرآن هستند، بود. به همین دلیل امام خمینی (رحمت الله علیه) بی درنگ پس از انتشار خبر شروع به مخالفت کرده و خواهان لغو فوری آن شد.

## «» نخستین پیروزی قیام

پس از جلسه ی مشورتی که با حضور آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و شریعتمداری در منزل آیت الله حائری برگزار شد، تلگراف هایی برای شاه و علم فرستاده، خواستار لغو تصویب نامه شدند. امام در تلگراف خود به اسدالله علم به تعطیلی غیرقانونی مجلس و سوء استفاده از تعطیلی طولانی آن و هشدار به دولت که تخلف و سرپیچی از احکام اسلام و قانون اساسی با واکنش مردم روبرو خواهد شد، اشاره کردند و با تهدید خواستار لغو آن شدند. پس از این که شاه و علم نتوانستند با تهدید و حيله مردم و علما را وادار به عقب نشینی کنند و بعد از این که فهمیدند قیام مردم روز به روز اوج می گیرد و مبارزه پیچیده تر می شود و امام (رحمت الله علیه) در راس آن قرار دارد، دست به

عقب نشینی زدند و در تاریخ هفتم آذر ۱۳۴۱ و پس از ۱/۵ ماه علم لغو لایحه را به تصویب هیات دولت رسانده و از طریق تلگراف به اطلاع مراجع قم- به استثنای امام- رساند.

امام خمینی رهبر قیام به جای اعلام ختم مساله، در نشستی با علما و مراجع قم از آنها خواست که برای برکناری علم به خاطر اهانت به مقدسات اسلام، دست به اقدام بزنند. این پیشنهاد مورد موافقت قرار نگرفت و به همین جهت امام تنهایی

۳. زنان از انتخاب کردن و انتخاب شدن محرومند. در تاریخ شانزدهم مهر ۱۳۴۱ روزنامه ها اعلام کردند که لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی جدیدی در دولت (اسدالله علم) به تصویب رسیده است و متن آن را در همان روز منتشر کردند. در تصویب نامه ی جدید به منظور اسلام زدایی و دور کردن انجمن ها از نفوذ و تسلط روحانیت و به بهانه ی دموکراسی و ترقی خواهی و در واقع خوش خدمتی و فشار دولت جدید دموکرات آمریکا، شرایط متدین بودن به دین اسلام و سوگند به قرآن حذف شده، به زنان نیز اجازه ی انتخاب شدن و انتخاب کردن داده بودند.

## «» علت های مطرح شدن لایحه

ایست الله بروجردی یکی از مراجع بزرگ در این زمان بود. مرجعیت ایشان از جانب همه پذیرفته شده بود و در ایران و عراق دارای مقلدان فراوانی بود. هرچند این عالم ربانی بزرگ در امور سیاسی دخالت نمی کرد، ولی وجود ایشان باعث شده بود که رژیم شاه جرات تصویب قوانین و آیین نامه های ضد اسلامی را نداشته باشند. درگذشت ایشان

قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، آغازگر جریانی بود که ۱۵ سال بعد منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد. هر چند اگر بخواهیم جریان انقلاب را بررسی کنیم باید به همه ی مسائل پیش آمده در دهه های ۲۰ و ۳۰ هجری شمسی و حتی پیشتر از آن نیز باید اشاره کرد. اما نقطه ی حرکت واقعی جنبش امام خمینی (ره) از همین میانه ی خرداد جنجالی و پرآشوب ۴۲ نشأت گرفته است.

## «» انجمن های ایالتی و ولایتی

درتمام قانون اساسی مشروطیت و دراصول ۹۱ و ۹۲ تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی با شرایط خاصی پیش بینی شده بود. آیین نامه ی اجرایی آن نیز در همان مجلس (شورای ملی اول) به تصویب رسید، اما به دلایلی هنوز اجرا نشده بود. بر اساس آیین نامه ی اجرایی مصوب مجلس در زمان مشروطیت، انتخاب شوندهگان و انتخاب کنندگان باید دارای سه شرط زیر باشند:

۱. باید متدین به دین حنیف اسلام باشند و فساد عقیده نداشته باشند.
۲. هنگام سوگند باید به قرآن مجید سوگند یاد کنند.





# انظار از نیمه خرداد

مسئولیت ادامه ی مبارزه را به عهده گرفت و طی اعلامیه ی کوتاهی از مردم قدردانی و تشکر کرد، ولی از آنان خواست که با بیداری و هوشیاری مراقب اوضاع باشند.

سرانجام، در تاریخ ششم بهمن ۱۳۴۱ رفاندم انقلاب سفید شاه با تمام مخالفت ها، تظاهرات و تحریم ها با حضور نیروهای نظامی و انتظامی در خیابانها انجام شد. دولت بی درنگ پس از اتمام آن و با گستاخی تمام اعلام کرد که اصول پیشنهادی شش گانه شاه

با ۵۶۰۰۰۰ رای موافق به تصویب ملت رسید. یک روز پس از رفاندم که مصادف با اولین روز ماه مبارک رمضان بود، امام خمینی (رحمت الله علیه) پیشنهاد کرد که برنامه های اختصاصی ماه رمضان در این سال به نشانه ی اعتراض تعطیل شود. هرچند این اعتصاب پس از چند روز از سوی عناصر ناآگاه و خائن شکسته شد، اما تعطیلی چند روزه، اتحاد و پیوستگی روحانیت و مردم و قدرت رهبری و آسیب پذیری رژیم وابسته ی شاه را به روشنی آشکار کرد.

## فاجعه ی خونین فیضیه

دوم فروردین سال ۱۳۴۲ مصادف با ۲۵ شوال، سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) بود و به همین مناسبت در مدرسه فیضیه مراسم سوگواری برپا شده بود. انبوه مردم قم و زائران حرم حضرت معصومه (علیه السلام) در آن شرکت کرده بودند و مأموران امنیتی و شاه دوستان نیز از قبل وارد قم شده و در اطراف و داخل جمعیت پراکنده بودند. ناگهان در وسط سخنرانی، صلوات های نابجای شاه دوستان باعث قطع سخنرانی شده، درگیری آغاز شد و مأموران امنیتی که در خارج مدرسه بودند، وارد میدان نبرد شدند و با سلاح گرم و سرد به مردم و طلبه های بی دفاع حمله کردند و عده ی زیادی از آنها را کشته، کتاب ها و وسایل شخصی آنها را به آتش کشیدند. این صحنه تا پاسی از شب ادامه داشت تا سرانجام، مأموران دولتی با خوشحالی از جنایتی که انجام داده بودند، آنجا را ترک کردند.

فاجعه ی مدرسه فیضیه که با حضور انبوه مردم صورت گرفته بود، بی درنگ در سراسر ایران منتشر شد. امام خمینی ره- پس از این مسأله با

اختلافات ما در همین سه موضوع است. اگر ما نگوئیم اسلام در خطر است آیا در معرض خطر نیست؟ اگر ما نگوئیم شاه چنین و چنان است آیا این طور نیست؟ اگر ما نگوئیم اسرائیل برای اسلام و مسلمین خطرناک است آیا خطرناک نیست؟ و اصولاً چه ارتباطی و تناسبی بین شاه و اسرائیل است که سازمان امنیت می گوید از شاه صحبت نکنید، از اسرائیل صحبت نکنید؟ آیا به نظر سازمان امنیت شاه اسرائیلی است؟»

سخنان کوبنده و افشاگرانه امام، شاه را پیش از پیش نزد مردم تحقیر و رسوا کرد. دو روز پس از این سخنرانی در سحرگاه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ امام به دستور شاه در منزل مسکونی خود در قم دستگیر و بلافاصله به تهران آورده شد و وی را نخست در سلول انفرادی، زندانی و سپس به یک پادگان نظامی که تحت مراقبت کامل بود منتقل نمودند. به دنبال انتشار خبر بازداشت امام در سحرگاه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به مناسبت سخنرانی تاریخی امام که علیه اسرائیل و رژیم شاه بوده از نخستین ساعات روز ۱۵ خرداد، اعتراضات گسترده ای در قم، تهران، ورامین، مشهد و شیراز برگزار شد که با شعارهایی بر ضد شاه و در طرفداری از امام همراه بود.

مأموران نظامی که در نقاط مرکزی و حساس شهرهای قم و تهران مستقر بودند به روی تظاهر کنندگان آتش گشودند. مردم نیز با چوب و سنگ به دفاع از خود برخاستند. تظاهرات در آن روز و دو روز بعد نیز ادامه یافت و هزاران نفر از مردم کشته و مجروح شدند. فجیع ترین حادثه، قتل عام دهقانان کفن پوش ورامینی بود که در پشتیبانی از امام راهی تهران شده بودند. مأموران نظامی در سر پل باقرآباد با آنها روبرو شده و با سلاحهای سنگین آنها را قتل عام کردند.

حرام کردن (تقیه) توطئه سکوت در مقابل اعمال رژیم شاه را از دست آنها گرفت و مبارزه را وارد مرحله ی جدیدی کرد و اظهار حقایق را هرچند با زندان و شهادت همراه باشد، واجب کرد. فتوای امام دستور جدیدی بود که مردم و بخصوص روحانیت را به جنبش بی سابقه ای وادار کرد.

در فاصله میان فاجعه مدرسه فیضیه و ماه محرم (۲ فروردین تا ۴ خرداد ۴۲) مبارزه امام اغلب در قالب صدور اعلامیه های متعدد بود. فرا رسیدن ماه محرم وضعیت را به یک رویارویی گسترده کشانید. ایام محرم بهترین موقع برای افشای جنایات رژیم و برنامه های ضد اسلامی شاه بود. ساواک که از جایگاه ویژه این ماه اطلاع داشت، پیش از آغاز آن، بسیاری از وعظ را احضار و آنان را ملزم کرد که در محافل و مجالس:

۱- علیه شاه سخن نگویند.

۲- علیه اسرائیل مطلبی نگویند.

۳- مرتب به مردم نگویند که اسلام در خطر است. امام خمینی در نشستنی با مراجع و علمای قم پیشنهاد کرد در روز عاشورا هر یک از آنها برای مردم و عزاداران حسینی سخنرانی کرده و از مظالم و جنایات رژیم پرده بردارند. امام خود نیز علیرغم تهدید رژیم، در ساعت ۴ بعد از ظهر عاشورای ۴۲ که مصادف با ۱۳ خرداد آن سال بود برای ایراد سخنرانی به طرف مدرسه فیضیه رهسپار شد.

ایشان پس از بیان فجایع دلخراش کربلا، حمله دژخیمان شاه به فیضیه را به واقعه کربلا تشبیه نمود و آن فاجعه را به تحریک اسرائیل دانست و رژیم شاه را دست نشانده اسرائیل خواند. امام همچنین با اشاره به التزام گرفتن ساواک از وعظ که به شاه و اسرائیل بدگویی نکرده و نگویند اسلام در خطر است اظهار داشت: «تمام گرفتاریهای و

پیازهای خیلی تند را یک ساعت در آب سرد  
خیس کنید، پیاز شیرین می‌شود

# بوی خوش پیاز

○ شهناز کلا

خیلی‌ها را اذیت می‌کند، اغلب اوقات اشک ملت را در می‌آورد، اما کمتر کسی پیدا می‌شود که بی‌خیال استفاده از آن شود. جایی در کنار غذای لوکسی مثل چلوکباب می‌نشیند جایی دیگر کنار املت ساده و حتی نان خالی. شاه و گدا نمی‌شناسد، درست حدس زدید پیاز را می‌گویم.

پیاز از خانواده سیر و موسیر است و طبیعتی گرم و خشک دارد. از پیاز نه تنها به عنوان طعم دهنده بلکه به عنوان بو زدا در بسیاری از غذاها - بخصوص انواع گوشت‌ها - استفاده می‌کنند. در ضمن خواص درمانی آن را نیز نمی‌توان نادیده شمرد.

پیاز سرشار از ویتامین C، کلسیم، منیزیم، فسفر، پتاسیم، سدیم، گوگرد، اسید فولیک، مقدار کمی آهن، مس، روی و انواع ویتامین‌های B است. مصرف پیاز برای درمان یبوست، بی‌خوابی، میگرن، چاقی، ورم گلو، پروستات، بواسیر، یرقان و بسیاری بیماری‌های دیگر مفید است.

- پیازی خریداری کنید که سالم و جوانه زده باشد؛ در ضمن برای نگهداری آن مانند سیب‌زمینی، مکانی تاریک و به دور از رطوبت را انتخاب کنید.

- بعضی افراد پیشنهاد می‌کنند برای انبار پیاز در شرایط فوق، آنها را به حالت وارونه به صورتی که قسمت ریشه آن به سمت بالا قرار گیرد نگهداری کنید.

پوست کردن پیاز کار بسیار دشواری است؛ به طوری که اغلب از آن فرار می‌کنند و حاضر به پوست کردن پیاز نیستند اما چند راه ساده هست که می‌توان از بو، سوزش چشمها و جاری شدن اشک جلوگیری کرد: قسمت ریشه پیاز را نگیرید و از سر پیاز آن را ریز کنید. پیاز را در یخچال قرار دهید و پس از چند ساعت آن را ریز کنید.

به هنگام خرد کردن پیاز، دهان خود را ببندید.

پیاز را هنگام پوست کردن زیر شیر آب سرد بگیرید.

پیازهای خیلی تند را یک ساعت در آب سرد خیس کنید، پیاز شیرین می‌شود.

از مصرف پیاز بریده شده خودداری کنید، زیرا جاذب میکروب است مگر اینکه روی نیمه‌باقی مانده کمی کره یا روغن بمالید که هم مدت بیشتری تازه می‌ماند و هم میکروب موجود در هوا را به خود جذب نخواهد کرد. با به کار بستن این روش‌ها، دیگر موقع پوست کردن پیاز احساس سوزش در چشم‌هایتان نمی‌کنید.



توصیه‌های پیامبر اسلام در مورد بهداشت دهان و دندان

## مراقبت از مرواریدهای دهان

حتما تا حالا از خیلی‌ها شنیدید که می‌گویند درد دندان، درد بی‌اجر است، دردی که امان می‌برد، اشک آدم را در می‌آورد و شما هم سوال کرده‌اید: چرا؟ ساده‌ترین پاسخ این است که اسلام به بهداشت دندان تا آنجا تاکید کرده، که پیامبر منتظر بوده که به زودی به دستور خداوند از واجبات شمرده می‌شود، ما می‌خواهیم با شما توصیه‌های پیامبر اسلام در مورد بهداشت دهان و دندان را مرور کنیم.

- چرخاندن آب در دهان، مایه آمرزش شما و باعث فرار شیطان است.

- هر کس در هر روز دو بار مسواک بزند، سنت پیامبران را استمرار بخشیده است، در برابر هر نمازی که بخواند، خداوند برایش پاداش صد رکعت می‌نویسد، از فقر به غنا (و بی‌نیازی) درمی‌آید، دهانش خوش بو می‌شود، حافظه اش فزونی می‌یابد، فهمش استوار می‌گردد، غذایش گوارش می‌یابد، درد دندان هایش از میان می‌رود، بیماری از او دور می‌گردد و فرشتگان به واسطه نوری که بر او می‌بینند، با او دست می‌دهند.

- مسواک زدن دوازده ویزگی دارد: مایه پاک‌ی دهان است؛ سبب خشنودی پروردگار است؛ دندان‌ها را سفید می‌کند؛ چرم دندان را از میان می‌برد؛ بلغم را می‌کاهد؛ غذا را مطبوع می‌سازد؛ حسنات را دو چندان می‌کند؛ به واسطه آن سنت انجام می‌گیرد؛ فرشتگان بدین وسیله حضور می‌یابند؛ لثه را تقویت می‌کند؛ بر گذرگاه قرآن می‌گذرد و نزد خداوند، هر دو رکعت نماز با مسواک، دوست داشتنی تر از هفتاد رکعت بی‌مسواک است.

- دندان‌هایی که صاف و زیبا هستند، در اثر جویدن غذا، آلوده می‌شوند و کم‌کم بوی دهان تغییر می‌یابد و ایجاد فساد در قوای دماغیه می‌نماید. وقتی که انسان مسواک نماید، فساد از بین می‌رود و دندان دوباره تمیز و پاکیزه می‌شود.

- خلال کردن دندان‌ها موجب بهداشت دهان و سبب جلب روزی است.

- اگر برای مردم دشوار نبود، در هر نماز مسواک زدن را واجب می‌کردم.

- جبرئیل همواره مرا به مسواک زدن سفارش می‌کرد تا جایی که گمان کردم آن را واجب خواهد ساخت.

- به مسواک زدن امر شدم آن گونه که ترسیدم بر من فرض شود.

- مسواک زدن، اقتضای فطرت انسان است.

- دندان‌های خود را خلال کنید (مثل نخ دندان)، زیرا خلال کردن جزء نظافت است و نظافت نشانه ایمان است و شخص با ایمان داخل بهشت می‌شود.

- یکی از حقوقی که مهمان به گردن میزبان دارد این است که میزبان برای او چوب خلال دندان را در وقت غذا خوردن آماده کند.

توجه اسلام به جزئیات بهداشتی تا این حد بوده که به ما اجازه نداده با هر چیزی خلال کنیم. در یک روایت آمده است که: خلال کردن با هر چیزی، موجب فقر است.



## راز گل ختمی و شوره سر

شوره سر نوعی اختلال در لایه سطحی پوست سر است که با وجود سلامت کامل در بقیه اعضای بدن ایجاد می شود.

یک متخصص طب سنتی گفت شوره سر به شکل پوسته های نازک، ظریف و به مقدار اندک و یا به شکل پوسته های ضخیم و به مقدار زیاد در سطح سر ایجاد می شود.

دکتر لیلا شیربیگی با اشاره به اینکه شوره سر از دیدگاه طب سنتی ایران به دو علت ایجاد می شود، افزود: شوره سر نوعی اختلال در لایه سطحی پوست سر است که با وجود سلامت کامل در بقیه اعضای بدن ایجاد می شود. وی با بیان این مطلب که برای پوسته های خفیف و نازک درمان های ساده ای وجود دارد، گفت: دو ساعت قبل از حمام می توانید از روغن هایی مانند روغن گل سرخ، روغن گل بنفشه، لعاب گل ختمی، لعاب اسفرزه و آب چغندر پخته را بر روی سر مالیده و در صورتی که برایتان مفید بود هر بار قبل از حمام این کار را تکرار کنید.

این متخصص طب سنتی افزود: گل ختمی و دانه اسفرزه هنگامی که آب گرم روی آنها بریزید بعد از مدتی مایع غلیظ و ژله مانند ای ایجاد می شود، سپس با پارچه ای این لعاب را از گل یا دانه جدا کرده و لعاب آن را بر سرتان بمالید. شیربیگی تاکید کرد: در صورتی که با چند بار استفاده از مواد به نتیجه مطلوب نرسیدید احتمالاً بدن دچار نوعی از سوء مزاج است و به پاکسازی نیاز دارد که در این شرایط باید به پزشک متخصص طب سنتی مراجعه شود.



نماز

## درمان درد بی درمان سرطان

بر اساس تعدادی از پژوهش های علمی انجام شده در مرکز پژوهش های ملی قاهره، خواندن نماز صبح در زمان مقرر خود، موجب فعال شدن کار سلول های بدن و جلوگیری از ابتلا به تومورهای سرطانی می شود.

به گزارش ایسنا، دکتر سعید شلبلی از اساتید این مرکز گفت: پژوهش ها موید این مطلب است که خواندن نماز صبح در زمان خود، به جلوگیری از ابتلا به بیماری های قلبی و همچنین تنظیم کار هورمون های بدن و گردش خون کمک می کند.

وی افزود: بر اساس این پژوهش در زمان ادای نماز صبح، تمامی اعضای بدن در اوج فعالیت هایشان قرار دارند، به گونه ای که ترشح هورمون ها به ویژه آدرنالین که ترشح آن در ساعت ۵ صبح شروع می شود، افزایش می یابد و به فعال شدن تمامی اعضای بدن و جلوگیری از تومورهای سرطانی کمک می کند.

همچنین هوای پاک صبحگاهی دارای مقادیر زیادی اکسیژن است که موجب فعالیت قلب، کاهش انقباضات رگ های خونی، تنظیم کار هورمون ها و بهبود کار حافظه می شود.

کودکی که خال مادرزادی بزرگ دارد، بهتر است همیشه تحت نظر پزشک باشد تا هر تغییری زود تشخیص داده شود. اصولاً توصیه ما این است که خال‌های مادرزادی - اگر قابل برداشتن هستند - از طریق جراحی برداشته شوند.

## خال و انواع آن

# خال خوب، خال بد

○ مرضیه جمالی

خود داشته باشد که به مرور روی پوست ظاهر می‌شود ولی مهم‌ترین راه جلوگیری از ایجاد خال، محافظت از پوست در مقابل پرتو آفتاب است. گرچه این راه نیز صد درصد موثر نیست. ولی برخی خال‌ها از همان بدو تولد وجود دارند. همه خال‌ها بعداً به وجود نمی‌آیند. بعضی خال‌ها مادرزادی است و از همان بدو تولد روی بدن وجود دارند و ممکن است اندازه‌های مختلف داشته باشند؛ از کوچک و متوسط گرفته تا خال‌های بزرگی که بخش وسیعی از بدن را احاطه کرده‌اند. هر چقدر اندازه خال مادرزادی بزرگ‌تر باشد، احتمال تغییر شکل و سرطانی شدنش در آینده بیشتر است. کودکی که خال مادرزادی بزرگ دارد، بهتر است همیشه تحت نظر پزشک باشد تا هر تغییری زود تشخیص داده شود. اصولاً توصیه ما این است که خال‌های مادرزادی - اگر قابل برداشتن هستند - از طریق جراحی برداشته شوند.

روزی، روزگاری خال اگر گوشه لب بود، بسیار خواهان داشت. اگر کسی هم خال نداشت با مداد یک خال روی صورت نقاشی می‌کردند. کار تا به آنجا پیش رفت که حضرت حافظ به خال هندوبی از کیسه ملت سمرقند و بخارا را بخشید. اما امروز همه دوست دارند صورتی صاف و بی هیچ خط و خالی داشته باشند. اما از حق نگذریم بسیاری از این خال‌ها خطرناک هستند در این شماره می‌خواهیم شما را با خال و انواع آن آشنا کنیم.

### فصل برداشت خال

برخی خال‌ها نیمی از بدن را پوشانده‌اند و قابل برداشت نیستند. یعنی آنقدر وسیع است که پوستی برای جایگزینی وجود ندارد و حتی جراحی پلاستیک نمی‌تواند سطح پوستی را که بر اثر برداشتن خال آسیب‌دیده،

### خال چیست؟

خال ضایعه گوشته نسبتاً مسطحی است که رنگ آن اغلب با رنگ پوستمان تفاوت دارد. بیشتر خال‌ها خوش‌خیم هستند و نیازی به برداشتن ندارند؛ ولی گاهی تغییر شکل می‌دهند یا بنا به نظر پزشک باید برداشته شوند. گاهی هم بیمار خودش می‌خواهد خال را از بین ببرد. مهم است که هر فرد خال‌های بدن خود را بشناسد تا در صورتی که تغییری در آن حاصل شد، به پزشک مراجعه کند.

### خال‌ها چگونه به وجود می‌آیند؟

خال از سلولی به نام ملانوسیت ساخته می‌شود. ملانوسیت، به سلول‌هایی گفته می‌شود که مسئول ساختن رنگدانه است. این سلول‌ها گاهی در دوران جنینی در لایه پوستی باقی می‌مانند و در سنین مختلف تکثیر شده و به شکل خال بروز می‌کنند. تشکیل خال متأثر از عوامل گوناگونی است؛ مثلاً به دنبال بعضی از تغییرات هورمونی در بدن مانند حاملگی، بلوغ جنسی، تابش شدید پرتو خورشید یا مصرف بعضی داروها به وجود می‌آیند. این خال‌ها از نوع ملانوسیتی اکتسابی و اغلب سیاه و یکنواختند. توجه داشته باشیم خال‌ها با افزایش سن پیر می‌شوند. در ابتدای ظهور به شکل نقطه‌ای سیاه و سپس ضایعه برجسته پرنرنگ می‌شوند و بتدریج رنگ خود را از دست داده، ولی برجستگی خود را از دست نمی‌دهند. در این حالت به آنها خال‌های اینترادرمال گفته می‌شود.

هر فرد ممکن است تا صد عدد خال روی بدن



مهم‌ترین راه جلوگیری از ایجاد خال، محافظت از پوست در مقابل پرتو آفتاب است. گرچه این راه نیز صد درصد موثر نیست

## نوشیدنی‌های خوب و بد برای کودکان

### آب میوه

نوشیدن یک لیوان آب میوه در روز بسیار خوب است. اما تا حد امکان سعی کنید فرزندتان خود میوه را میل کند. آب میوه فیبر و مواد معدنی که در خود میوه وجود دارند را ندارد. در ضمن، کودکان بیشتر دوست دارند معده خود را با آب میوه پر کنند و به این ترتیب غذاهای سالم و لازم را میل نمی‌کنند.

### آب گوجه‌فرنگی و آب آووکادو

آب این سبزیجات برای مصرف روزانه کودکان ممانعی ندارد. می‌توانید روزی یک لیوان آب گوجه‌فرنگی یا آب آووکادو به فرزندتان بدهید. یک لیوان در روز اشکالی ندارد. اما سبزیجات دیگر را بیشتر از نیم لیوان نباید کودک مصرف کند.

### لیموناد خانگی

اگر خودتان در خانه آب لیموترش را می‌گیرید و شربت آب لیمو برای فرزندتان درست می‌کنید، مطمئناً ویتامین C زیادی را به بدن او می‌رسانید. اما لیمونادهای آماده و موجود در فروشگاه‌ها مملو از قند و شکر مصنوعی هستند.

### نوشابه و نوشابه رژیمی

همه می‌دانیم نوشابه فقط خوشمزه است و هیچ ارزش غذایی ندارد. این نوشیدنی محبوب مملو از قندهای مصنوعی و رنگ و طعم دهنده‌ها است. بهتر است تا جای ممکن کودک از نوشیدن نوشابه منع شود.

### چای سبز و چای سیاه

چای حاوی آنتی‌اکسیدان است که برای بدن مفید است اما شاید کافئین نیز داشته باشد که برای بدن کودک مضر است. اگر قرار است فرزندتان چای بنوشد، ترجیحاً بیشتر از ¼ لیوان در روز ننوشد.

### آب میوه‌های بسته‌بندی

بیشتر این آب میوه‌ها، آب قندهای رنگی با اسانس‌های مضر هستند و هیچ نوع ارزش غذایی ندارند. تا حد امکان از خریدن این نوع آب میوه‌ها برای فرزندتان خود پرهیز کنید.



آسیب‌شناسی می‌توان به مشکل پی برد، اما اگر خارش، خونریزی، ایجاد زخم، تغییر حاشیه از نظر رنگ و شکل و غیریکنواختی در ساختار آن دیده شود یا خال جدیدی روی پوست ظاهر شود، حتماً باید بررسی شود. اینها علائمی هشداردهنده محسوب می‌شوند و فقط متخصص پوست قادر به شناسایی آنهاست.

### درمان خال

برداشتن خال‌های خوش‌خیم به منظور زیباسازی و بنا به خواسته بیمار است. برداشتن خال روش‌های متفاوتی دارد که یکی از آنها «شیو» نام دارد، یعنی با یک تیغ سطح خال تراشیده می‌شود و قسمت زیرین باقی مانده و سرانجام سطح ترمیم می‌شود. این روش برای خال‌های پایه‌دار مناسب است، زیرا احتمال عود بسیار کم است. بهترین روش، خارج کردن خال تا عمق و لایه زیر جلدی و بخیه زدن آن است، گرچه ممکن است اسکار ناحیه برش اندکی باقی بماند.

روش دیگر تخریب بافت خال است که به وسیله لیزر انجام می‌شود و خال با جریان‌های الکتریکی از بین می‌رود. برخی پزشکان به جای جراحی خال را می‌سوزانند. این روش چندان مناسب نیست، چون همیشه احتمال عود وجود دارد و نمی‌توان از تخریب کامل سلول‌های آن مطمئن بود. از آنجا که خال‌ها پتانسیل تغییر و عود دارند، توصیه می‌شود بدون آسیب‌رسانی به بافتشان برداشته شوند.

ترمیم کند. بعضی خال‌ها هم روی پلک کودک قرار دارد و اگر خال دستکاری شود، پلک تغییر شکل می‌دهد. در این مواقع شاید بتوان فقط حجم خال را اندکی کاهش داد.

### خال و رنگ

رنگ خال نیز به منشأ آن بستگی دارد. برخی خال‌ها در نوجوانی ظاهر می‌شوند و ممکن است اندکی موهم روی سطحشان دیده شود. این نوع خال‌ها خال بکر نام دارند. نوع دیگری از خال‌ها قرمز هستند و بعد از سی سالگی روی پوست پدیدار می‌شوند که آنژیوم نام دارند و به دلیل تغییرات عروق پوستی به شکل دانه‌های ریز توت‌فرنگی دیده می‌شوند.

برخی دیگر اتیپیک هستند، یعنی از نظر فرم یا شکل‌شناسی با خال‌های خوش‌خیم فرق می‌کنند، اندازه بزرگ (بیش از ۵-۴ میلی‌متر) حاشیه نامنظم و رنگ آمیزی غیریکنواخت دارند. این خال‌ها را باید از نظر آسیب‌شناسی بررسی کنیم، زیرا احتمال بدخیمی در این نوع زیاد است. برخی افراد به طور ارثی تعداد زیادی از این خال‌ها را روی بدنشان دارند. این گروه نیز باید همیشه تحت نظر باشند.

### خال خوش‌خیم

هر خالی که متقارن باشد، تغییراندازه و تغییررنگ ندهد، خوش‌خیم است. البته برخی تغییرات ممکن است دیده شود که با برداشتن یا بررسی



طبیعت زیبا



پارک معلم

# فریدونشهر

## شهر طبیعت و کوه‌های سپید

ما که نرفتیم، اما دوستانی که به فریدونشهر رفته‌اند کلی از این شهر خاطره دارند. عکس‌هایشان هم که دل می‌پرند، اگر به فریدونشهر رفتید جای ما را هم خالی کنید، اما قبلش ما شما را با پیشینه این شهر آشنا می‌کنیم تا بدانید کجا می‌روید.

تاریخ شهرستان فریدون شهر به دوران باستان مربوط می‌شود اما به دلیل همجواری با اصفهان از لحاظ تاریخی، سیاسی و اجتماعی به این ناحیه وابسته است. از نظر آثار تاریخی نیز به دلیل کوهستانی بودن و سست بودن خاک منطقه آثار چندانی در این منطقه به چشم نمی‌خورد.

### آثار تاریخی و مذهبی شهرستان

سنگ گورهای باستانی در روستای قهستان

امامزاده مشعلدار علی(ع)

امامزاده محمد(ع)

امامزاده سید محمد مکه دین

امام زاده سید صالح در پشت کوه فریدون شهر که از نوادگان امام موسی بن جعفر می‌باشند و نیز امام زاده تاجعلی در روستای کاهگان، امامزاده پیرعلی (در کنار چشمه لنگان)، امامزاده پیر محمد در دهستان پیشکوه روستای دهنو، امامزاده روستای کاهگان در دهستان پشتکوه دوم، امامزاده روستای زمستانه در دهستان پشتکوه و امامزاده دهستان پیشکوه روستای وهرگان.

بالغ بر ۵۰۰۰۰ نفر جمعیت و دارای آب و هوایی کوهستانی با بارش حدود ۷۰۰ میلیمتر برف و باران در سال با چشمه سارهای فراوان، کوههای سر به فلک کشیده و آبشارهای طبیعی است.

مرتفع ترین شهر ایران است و با ارتفاعی حدود ۲۵۳۰ متر از سطح دریا (بام ایران) لقب گرفته است.



امامزاده مشعلدار



طبیعت فریدونشهر



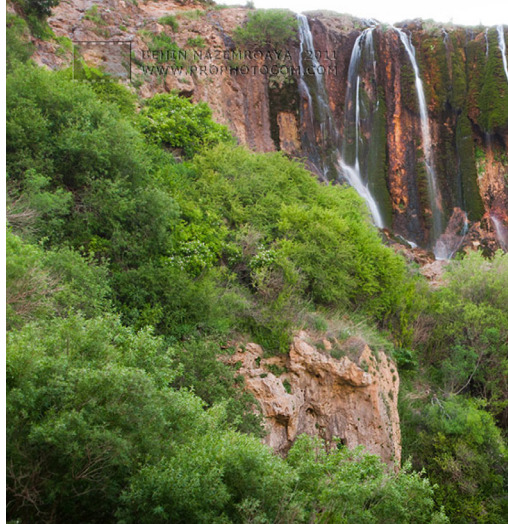
بابونه شهر



کلیسای مریم مقدس



شاهانکوه



آبشار پونه زار یا (بید نیانی): در فاصله ۲۰ کیلومتری غرب فریدونشهر (با دبی آب حدود ۱۰۰۰ لیتر در ثانیه) قرار گرفته که از برف کوههای زاگرس مرکزی تأمین می‌گردد. ارتفاع آبشار بین (۱۵ تا ۳۰ متر) است و در بالا دست آن دهها چشمه زلال و گوارا و در پائین دست آن چندین پروژه پرورش ماهی قرار دارد.

#### «« دشت لاله های واژگون

بیش از دو هزار هکتار از مراتع و کوهستان های فریدونشهر را بخود اختصاص داده است. بیشترین تراکم این گلزار در حاشیه چشمه لنگان، پیشکوه و پشتکوه می باشد. فصل رویش و گل دهی از اواخر فروردین تا اوائل خرداد است.

#### «« چشمه لنگان

در فاصله ۱۷ کیلومتری جنوب غربی فریدونشهر واقع گردیده است.

#### «« تنگ حنا

این تنگه در حدود ۶۵ کیلومتری فریدونشهر و یک کیلومتری قریه گوگان قرار دارد.

#### «« پارک معلم (سراب)

در شمال شهر فریدونشهر واقع شده است. دارای منابع آب فراوان و فصلی است و چشم اندازهای زیبا از کوههای جوان دوران نه چندان کهن دارد.

#### «« آبشار پشندگان

در غرب روستای پشندگان و ابتدای دره سپستان در کنار ذخیره گاه جنگلی زاگرس حرکت آب با فشار بر روی تخته سنگها، خصوصا در بهار جذابیت و طراوت خاصی دارد.

#### «« چشمه تنگوله

در ۵۰ کیلومتری غرب فریدونشهر، در کنار جاده پیشکوه قرار دارد که با استفاده از آب گوارای آن ماهیان سردابی پرورش داده می شوند.



چشمه لنگان



هرجایی که بتوانید از آن درسی که خوانده اید استفاده بکنید که باعث پیشرفت کشور شود آنجا بهترین جا برای خدمت است

در گفت و گو با فرزند شهید کار آفرین، مدیر شرکت آبرزی اکسیر عنوان شد

## علم را به عمل کیمیا کنیم

علی اکبر سرباز شندی

اجتماعی که بیشتر جمعیتی از نخبگان و دانش پژوهان آموز عالی و موارد دیگر است فعالیت می کند طرفه ندارند و عملکردشان کاملا دوطرفه است و بر پایه یک تعامل خرد جمعی فعالیت می کنند که باعث یک هم افزایی می شود و همه اعضا و همه مجموعه از آن بهره می برند. مدت زمان ۵ سال که عضو این باشگاه هستم و باشگاه فعالی و خوبی نسبت به باشگاه های دیگر است که همین امر باعث می شود در جلسات و دیدار دوستان با تجزیه و تحلیل مباحث و همچنین در میان گذاشتن تجربیات به نتایج مثبتی در کار هم برسیم.

### دوست دارم شاهد تولید باشم

بحمدلله میزان درآمد خوب است. و به هر آنچه از خدا خواسته ایم رسیده ایم. البته میزان درآمد چیز بسیار مهمی نیست ولی یک قسمتی از فعالیت های اقتصادی را به خود اختصاص می دهد. الحمدلله نیازمان تامین می شود و صد هزار مرتبه شکر. رقم خیلی مهم نیست مهم این است که آدم بتواند قناعت و آینده نگری داشته باشد خیلی ها هستند با صد میلیون تومان هم راضی نیستند. برای من بحث مالی خیلی مهم نیست بیشتر دوست دارم که شاهد تولید باشم و به بار نشستن تلاشی که انجام داده ای خیلی زیباتر از آن است که بخواهی به منافع و درآمد آن کار توجه داشته باشی و همین دیدن نتیجه تلاش است که خستگی را از وجود آدم در می کند.

### علاقه به تولید در زمان تحصیل

همانطور که گفتم در روحیاتم این مسئله وجود داشت که باید جذب بخش تولید بشوم. حتی در زمان تحصیل هم علاقه من بیشتر این بود که وارد بازار کار بشوم و بتوانم از مفروضات و اندوخته های که در دوران تحصیل کسب کرده بودم در بازار کار بهره ببرم. در واقع کم کم و زمانی که در مقطع کارشناسی مشغول تحصیل بودم وارد بازار کار شدم و توانستم مجموعه ای را برای خودم ایجاد کنم و کم کم این مجموعه پسر و بال گرفت و به آن شاخ و برگ دادیم و علی رغم تمام مشکلاتی که داشتیم توانستیم روند روبه رشد داشته باشیم و پله به پله به سمت پیشرفت حرکت کنیم. یعنی پشتکار، انگیزه، تخصص و تعهد تنها سرمایه موجود در دست ما بود که به حول قوه الهی به ثمر نشست و توانستیم در این کار موفق باشیم.

### مشکلات همه جا وجود دارد

در بحث کار آفرینی که مشکل زیاد وجود دارد و در بخش تولید در کشور ما خب این مشکلات دوجندان است. به این شکل نیست که بگوییم مشکلی نداشته ایم و از روز اول کار آماده بود و آمدیم و لقمه آماده ای بود. بخش تولید ابتدای کار مخصوصا دو تا سه

برای خیلی از ما انجام دادن بعضی کارها سخت است. کارهایی که خیلی های دیگر به راحتی آنها را انجام می دهند و هیچ گلایه ای هم از انجام آن کار ندارند. شاید خیلی از ما عادت کرده ایم به کاری که می خواهیم انجام دهیم از بیرون گود نگاه کنیم اما در مقابل هستند کسانی که وارد گود می شوند و تمام مشکلات ریز و درشتی که سر راهشان هست را پشت سر می گذرانند و به هدفی که دنبال کرده اند می رسند. در این شماره به سراغ کار آفرینی رفته ایم که از صفر به صد رسیده است. بدون توجه به تمام مشکلاتی که در این مسیر پر پیچ و خم می توانستند سد راهش شوند. اما او حالا علاوه بر موفقیت در کسب و کار برای خود و برای خیلی های دیگر هم زمینه های فعالیت مناسب را فراهم کرده است. قرارمان با آقای دکتر ساعت پنج بعداز ظهر یک روز بهاری در دفتر کارشان بود. مطلبی که می خوانید نتیجه مصاحبه ای است که با کمی تاخیر آغاز شد.

### زندگی نامه

میثم صالحی هستم. متولد سال ۱۳۶۱ در تهران. مدرک کارشناسی مهندسی منابع طبیعی و کارشناسی ارشد شیلات را از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال اخذ کردم و در مقطع دکتری در رشته تکثیر و پرورش آبزیان از واحد علوم و تحقیقات فارغ التحصیل شدم. علاوه بر این تکنسین برق قدرت هم هستم و همچنین تحصیلات سطح ۲ پایه ۶ حوزوی را دارم.

### افتخارات

به یاری خدا توانستم ۱۲ گواهی ثبت اختراع، ۱۵ مقاله علمی و پژوهشی، تالیف ۱۰ عنوان کتاب، منتخب در ۴ جشنواره کارآفرینی، منتخب در جشنواره مخترعین بسیجی، برگزیده کشور کرواسی در جشنواره بین المللی شیراز را در کارنامه کاری و تحصیلی خود ثبت کنم اما بزرگترین افتخاری که دارم این است که فرزند شهید هستم.

### خود را بشناسیم

انسانها هرکدام روحیات خاص خود را دارند یکسری به مباحث تئوری و تدریس علاقه دارند که آن هم یک بخش از نیاز جامعه است و بخش دوم نیاز جامعه هم پرداختن به مباحث اجرایی و عملیاتی است که گروهی دیگر به آن علاقه نشان می دهند. خوشبختانه من در زیر مجموعه گروه دوم جا می گیرم. اگر قرار باشد که هر دکتر و مهندسی جذب گروه اول باشند که خلایب بزرگ بین فضای صنعت و دانشگاه اتفاق می افتد. به نظر من هرجایی که بتوانید از آن درسی که خوانده اید

### ۸ سال تولید

من در سال ۹۰ و ۹۱ به عنوان کارآفرین برتر شاهد و ایثارگر بودم. ولی ۸ سال است که مجموعه های تولیدی دارم و تعداد زیادی کارگر در این مجموعه ها مشغول کار هستند. در حال حاضر هم در شرکتی فعالیت می کنم که مدعی هستم یکی از نخبه های آبرزی پروری در کل کشور است. با توجه به تعداد پروژه هایی که داریم و نیروهای اجرایی که داریم یکی از بزرگان صنعت شیلات کشور هستیم.

### تعامل دو سویه با باشگاه پژوهشگران

عضویت در باشگاه پژوهشگران واحد تهران شمال هم یکی دیگر از افتخارات بنده است. و همکاری بین ما و پژوهشکده یک همکاری دوسویه است و دوطرفه به هم کمک می کنیم. این گونه نهادهای

پشتکار، انگیزه، تخصص و تعهد تنها سرمایه موجود در دست ما بود که به حول قوه الهی به ثمر نشست و توانستیم در این کار موفق باشیم



سال اول تا اینکه تجربه به حد کافی برسد و تا اینکه مشکلات ریز و درشتی را که در همه کارها هست شناسایی کنیم و راه حل هایشان را پیدا کنیم و شروع به برطرف کردنشان بکنیم سخت است اما بعد از گذشت این دوره کار به روی روال خود می افتد و در سراسر آرایش و راحتی قرار می گیرد. مشکل در همه بخش ها وجود دارد حتی دانش آموزی که تازه وارد کلاس اول شده است هم مشکلات خاص خود را دارد اما بعد از مدتی این مشکلات رفع خواهد شد. باید با مشکلات به شکل منطقی برخورد کرد و آنها را رفع کرد تا انشاءالله مسیر برای پیشرفت و بالندگی هموار شود.

### از صفر مطلق آغاز کردم

در این راه هم کمک هایی وجود داشته است. وام هایی هم گرفته ایم و از آنها هم بهره برده ایم. عرض کردم که من فرزند شهید هستم و پدر پولداری هم نداشتم که از توان آن بهره ببرم. از صفر شروع کردم ولی الحمدلله خدا کمک کرد و پیشرفتی حاصل شد و مجموعه ای راه افتاد و بعد کم کم اعتباری به دست آورد و بعد از آن توانستیم از تسهیلات موجود هم استفاده کنیم. برای اینکه از منابع موجود بتوان استفاده کرد

باید یک عقبه ای از

فعالیت شما وجود

داشته باشد که

خدا رو شکر

این اتفاق در

کار ما افتاد

و کار پیش

رفت. اما

نکته مهم

تلاشی

بود که در

این مسیر

برای رفع

معضلات و

مشکلات

ابتدای کار انجام

دادیم.

### تلفیق سنت و تکنولوژی نیاز امروز

ترکیب سنت و تکنولوژی چیزی است که صد درصد اتفاق می افتد و باید اتفاق بیافتد به این معنی که صرف داشتن تکنولوژی روز بدون تجربه و همچنین بلعکس نمی تواند راهگشای کار باشد. در کار ما یا حتی کارهای دیگر نمی شود خیلی بر پایه سنتی گرای کار کرد. شناخت منابع بسیار مهم است. یک زمانی ما مشکل کم آبی نداشتم اما در حال حاضر این مشکل وجود دارد و باید با علم روز دنیا و مسایل جاری در کشور مشکلات را حل کرد و تولید را با ظرفیت های موجود پیش ببریم.

### علم روز در دانشگاهها

علم روز دنیا در دانشگاه های ما با توجه به حضور اساتید سنتی و عدم اعتماد به نیروهای جوان و البته کارکشته متاسفانه آن طور که باید وارد نشده است. نیروها و اساتید سنتی که احترامشان هم واجب است با توجه به مشکلاتی که در زمان جنگ وجود داشت و بعد از آن تحریم هایی که اعمال شد همچنان در همان فضای سنتی هستند. البته در این دو سه سال اخیر اتفاقاتی افتاده است و لی نیاز کشور ما خیلی بیش از اینهاست. ما در بعضی صنایع پیشرفت های خیلی خوبی داشته ایم و به جرأت می توانیم بگوییم که به حد روز دنیا هم رسیده ایم ولی در خیلی از

صنایع نیاز به کار بیشتر وجود دارد. و این نیاز به ورود و اعتماد به نیروهای جوان و متخصص دارد که بتوانند به تکنولوژیهای روز دنیا مسلط بشوند. در بخش ابزارآلات هم هرچقدر که علم ما پیشرفت کند به همان اندازه هم صنایع ما پیشرفت می کند ولی اگر نیاز باشد که ما آن علم را داشته باشیم و در آن مسیر هم پیش برویم باید ابزار کار را هم به روز و با تکنولوژی روز همسو کنیم.

### پشتکار و انگیزه دو رکن مهم

من نقطه صفر بودم کسی هم چیزی به من نداده است متولد سال ۱۳۶۱ هم هستم ولی از ۱۸ سالگی که شروع به کار کردم واقعا هیچی جز انگیزه و پشتکار نداشتم. عرض ۲ تا ۳ سال اول خیلی سخت است اما الان هر چیزی که از خدا خواستیم را به دست آوردیم. همه اینها را هم مدیون بحث تولید و بحث کار اجرایی عملیاتی هستیم. تحصیلات دانشگاهی دارم و از آن در جهت درست استفاده کردم. پیشنهاد من این است که علاقمندان ورود به کاری در ابتدای امر با خودشان کنار بیایند و طرفیت ها و پتانسیل خود را شناسایی کنند و بعد در خود ایجاد انگیزه کنند و برای آینده هدف گذاری کنند و بعد با پشتکار وارد گود شوند و به برگشت فکر نکنند و از شکست هایی که ممکن است اتفاق بیافتد نا امید نشوند و به کار خود ادامه دهند و مطمئن باشند که پیروزی بعد از شکست به وجود می آید. در دنیای هنر معتقدند که خاک را به هنر کیمیا کنیم من معتقدم در این حوزه باید علم را به عمل کیمیا کرد.

### از دوستان خوب غافل نشوید

اطرافیان خیلی مهم هستند. دوستان خوب وقتی در کنارت باشند تاثیر به سزایی در عملکردها دارد. اگر اطرافیان به جای کمک و همدلی مدام مایوس کنند و توانایی هایت را زیر سوال ببرند قطعا هیچ موفقیتی در هیچ کاری شکل نخواهد گرفت. باید با اهل مشورت مشورت کرد و از اهل فن کمک گرفت.





جنگ هستیم، باید روایتی هنری ارائه کنیم.

### \* فیلمنامه «شیار ۱۴۳» بر پایه داستانی حقیقی و مستند است؟

– «شیار ۱۴۳» داستانی است که ما به ازای بیرونی برای بیننده‌ها داشت، همین اصل باعث شد مخاطب بتواند با فیلم ارتباط ملموسی داشته باشد، البته باید بگویم قصه من براساس نمونه واقعی است، شخصیت این زن ادغامی از سرگذشت چند مادر رزمنده مفقودالاندر است ولی بیشتر با نگاهی به زندگی مادر شهید جعفر رضایی بوده است که ساکن بیجار است.

### \* روایت در کرمان است چرا اتمسفر داستانی در همان بیجار نمازد؟

– نگاهی که به زندگی این مادر شهید داشتم مستندسازی مدنظر نبود؛ به دلیل این که به لهجه کرمانی مسلط تر بودم، فیلم را در آن منطقه ساختم، از همه مهمتر لوکیشن فیلم بود، لوکیشن آن معدن که تمایل داشتم حتما در فیلم من نمایشی از آن معدن باشد، کلا به فضای کویری شناخت بهتری داشتم تا فضای کوهستانی بیجار..

### \* چه شد با این مادر رزمنده برخورد کردید؟

– برای نوشتن کتابی به منطقه سکونت آن‌ها رفته بودیم که با ایشان آشنا شدم.

### \* این زن چه ویژگی داشت که به او پرداختید؟

تقریباً ۶ مادر بودند که داستان زندگی‌شان برایم جالب بود؛ مادرانی که فرزندان‌شان در جنگ

گفت‌وگو بانرگس آبیان، کارگردان شیار ۱۴۳

## ناگفته‌های سینمای دفاع مقدس تمام نشده

○ سعیده موسوی

فیلم از سال‌ها چشم انتظار یکی زن می‌گوید. انتظار بازگشت عزیز سفر رفته؛ سفری نه به سرزمین خوش و خرم بلکه به مقصد تیر، نانک و شهادت. میان ما افرادی هستند که آن روزها راهی سفر جنگ شدند، جنگ برای دفاع از خاک و میهن. «شیار ۱۴۳» فیلمی به کارگردانی نرگس آبیان و بازی درخشان مریلا زارعی از یکی از آن خاطره‌ها می‌گوید از مادری روستایی، مادری که مادر بزرگ شده اما هنوز چشم به راه پسر جوانش است که بیاید، داماد شود، زندگی کند تا پایان یابد انتظار ۷۱ ساله‌اش. آبیان متولد ۱۳۴۹ یزد است. وی از سال ۷۵ نویسندگی داستان‌های کوتاه را آغاز کرد و تا کنون توانسته ۳۰ جلد کتاب تالیف و ۱۰ فیلم مستند و کوتاه نیز بسازد. آخرین فیلم او توانست سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول زن، سیمرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران و لوح افتخار بهترین فیلم از سی و دومین جشنواره فیلم فجر را دریافت کند. با وی گفت و گویی انجام داده ایم که می‌خوانید

### \* قبل از ساختن فیلم شیار ۱۴۳ سینمای جنگ را نگاه می‌کردید؟

– پیگیر سینمای جنگ بودم، با کارهای آقای حاتمی‌کیا بزرگ شدم، از سینمای جنگ خیلی خاطره دارم، فیلم «از کرخه تا راین» آن سال‌ها برایم خیلی تأثیرگذار بود و به آن فکر می‌کردم. احساس می‌کنم نسبت به جنگ هشت ساله‌ای که داشتیم آثار سینمایی از این دست کم کار شده است.

### \* چرا به سینمای پس از جنگ پرداختید؟

– جنگ ما دفاع بود دفاع مقدس. این جنگ به ما تحمیل شد ما هم باید به دنیا بگویم ملت جنگ طلبی نیستیم، خودمان قربانی جنگ هستیم و بهترین جوان‌های این مملکت را در این جنگ از دست داده‌ایم. بنابراین لازم است به سوز جنگ و تبعات جنگ بپردازیم و نباید از این قضیه فرار کنیم که تبعات جنگ را نشان دهیم، به نظر من برای این که نشان دهیم ما ملت صلح‌طلب و مخالف

برای این که نشان دهیم ما ملت صلح طلب  
و مخالف جنگ هستیم، باید روایتی  
هنری ارائه کنیم



داشت، انگار با نقش گره  
خورده بود، کاراکتر با  
او عجین شده بود. خانم  
مریلا زارعی یک هفته  
قبل از فیلمبرداری به  
لوکیشن آمد، آدم‌ها  
را دید، فضای روستا را  
دید، مردم منطقه، مدل  
چادر سر کردن، نوع  
نشستن، صحبت کردن، زندگی  
کردنشان را دقیق نگاه کرد تا  
به نقش نزدیک شود قبل از آغاز  
کار چند دی‌وی‌دی و فیلم در اختیار  
خانم زارعی گذاشتیم، فیلم‌هایی از مادران

رزمندگان مفقود الاثر، تصویری از مواجهه مادران  
با فرزندانشان، عزیزانشان که تنها تکه استخوانی  
از آن‌ها باقی مانده بود و برایشان آورده بودند،  
لحظه‌های آخرین وداع مادران با فرزندانشان، او  
این تصاویر را دید و بسیار تحت تأثیر قرار گرفت.  
ولی در کل خانم زارعی بازیگر توانمندی است  
و موفق شد. او توانست نقش مادر را باورپذیر  
ایفا کند؛ مادری که فرزندش مفقود الاثر بود، اما  
همچنان قوی و امیدوار به چشم می‌آمد. در مورد  
خانم گلاره عباسی نیز باید بگویم ایشان بازیگر  
آرام و کم حاشیه‌ای است و قبلاً نیز با او کار  
کرده بودم. مهران احمدی و جواد عزتی نیز از عهده  
کارهای طنز و جدی خوب برمی‌آیند و توانستند  
بازی متفاوتی ارائه دهند.

**\* از این به بعد باز هم سینمای جنگ  
می‌سازید؟**  
- نه لزوماً، سینمای اجتماعی ژانر مورد علاقه‌ام

گم شده بودند، هر کدام از این شش نفر یک  
خصوصیت بارز و مطرح برای فیلمسازی داشتند.  
ولی خصوصیت شاخص‌تر این مادر نکته‌ای بود و  
آن اینکه او ۱۵ سال تمام رادیو به کمر بسته بود  
تا صدای پسرش را از رادیو عراق بشنود. زیرا به او  
گفته بودند اسیران را به رادیو عراق می‌آورند و از  
آنجا می‌شنود صدای‌شان را شنید. او و این رادیو  
همراهش برایم جذاب بود. شبیه این مادر زیاد  
داشتیم، مادرانی که دو سال، چهار سال به رادیو  
گوش کرده بودند، خیلی زیاد بودند ولی ویژگی  
خاص این زن که تا این حد صبورانه و امیدوار این  
امید خود را دنبال می‌کرد، برایم جذاب بود.

**\* چرا در فیلم صحنه جنگی وجود ندارد؟**  
- نیازی احساس نمی‌شود. فیلم در مورد تبعات  
جنگ است در واقع پشت صحنه جنگ است.

**\* چقدر برای نوشتن فیلمنامه وقت گذاشتید؟**  
- حدود دو سال.

**\* نویسندگی چه تاثیری روی کارگردانی شما  
گذاشت؟**

- چون روایت کار را خوب می‌دانستم می‌توانستم  
خوب پیش بروم. به شخصیت‌ها مسلط بودم و  
می‌توانستم خوب بازی بگیرم.

**\* ملاکتان برای انتخاب بازیگران چه بود؟**  
- از ابتدا که فیلمنامه را می‌نوشتیم به خانم مریلا  
زارعی فکر می‌کردم. مریلا زارعی، خیلی به نقش  
نزدیک شده بود نه از آن زاویه که کاراکتر را زیبا  
به تصویر بکشد که البته از این زاویه نیز بی‌نقص  
بازی کرد ولی نزدیکی وی به نقش حالی دیگر

است اما سینمای جنگ هم خواهیم ساخت چون  
جنگ جدا از سینمای اجتماعی نیست. شخصیت  
اصلی فیلم‌های من زن‌ها هستند ولی این بدان  
معنا نیست که هیچ وقت به سراغ پرداختن به  
شخصیت یک مرد نروم.

**\* فکر می‌کنید زنان جنگ ما چگونه بودند؟**

- زنان در روزهای جنگ تحمل‌پذیری حضور تأثیرگذاری  
داشتند. زنان بزرگی در آن روزها به دفاع از سرزمین  
پرداختند که خیلی به کارهای آن‌ها اشاره نشده  
است، زنانی که در نبود همسرانشان در بطن جنگ  
بودند و زندگی کردند، زنانی که دوری برادر و پدر  
را دیدند و حتی شهادت آن‌ها را، زنانی که در  
خود جنگ حضور داشتند و نبرد کردند در منطقه  
کردستان، نوار مرزی، بوشهر، آبادان... باید از این  
زنان مبارز گفت، خیلی لازم است به نقش زنان  
در جنگ پرداخت و اما لایه‌های  
پنهانی جنگ دارد که خیلی فضا  
دارد که به آن‌ها پرداخته شود،  
به‌خاطر همین ناگفته‌ها سینمای  
دفاع مقدس تمام نشده است.

**\* راستی چقدر از نتیجه  
کارتان راضی هستید؟**

- مردم استقبال خوبی نشان دادند  
که جای خوشحالی دارد. از هیئت  
داوران نیز تشکر می‌کنم که فیلم  
را نادیده نگرفتند.

**\* فکر می‌کنید فیلم کی اکران  
شود؟**

- به امید خدا عید فطر.



نگاهی به حضور همسران و مادران شهید در قاب سینمای ایران

## نیمه پنهان یک شکوه

○ نیره رضایی مطلق

دفاع مقدس در ذهن ما با مفاهیمی چون دفاع از دین و وطن، حفظ شرف و حیثیت انسانی گره خورده است. این مفهوم بیشتر و امدار انسازهایی است که دفاع را با ایمان و جنگ را با شهادت درآمیختند و سوای رسم معمول همه جنگ‌ها و مبارزات دلایل معنوی تری را به اهدافشان اضافه کردند. اما همه می‌دانند که در پس این اهداف و دلایل کسانی ایستاده بودند که شاید حضور فیزیکی پررنگی نداشتند اما پشتوانه‌ای برای قوت بخشیدن به پایداری و مقاومت آنان بودند. زنان و به طور مشخص مادران و همسران با اشتیاق فرزندان و همسران خود را به جبهه می‌فرستادند و پیشاپیش عطر شهادتشان را حس می‌کردند. آن‌ها با اندیشه زینب‌وار چه در زمانی که یاور مردانشان شدند و بار زندگی را بردوش کشیدند و چه آن وقتی که چهره عزیزانشان را برای آخرین بار بوسیدند و دیدارشان به قیامت منجر شد بدون هیچ شعار و هیاهویی به رفتارشان ایمان داشتند و صبوری و بردباری را بخش مهمی از زندگی‌شان کردند. اما اینکه سینما و تلویزیون تا چه حد توانسته در کنار انبوهی از فیلم‌های دفاع مقدسی ادای دینی هم به بردباری و صبوری زنانی بکند که نقش مهمی در دفاع مقدس داشتند. جنگی که برای رزمندگان تمام شده برای مادران و همسران شهید و جانباز تمام نشده است

. آنها هنوز آثار جنگ را در زندگی‌شان با خود حمل می‌کنند و هنوز نبود سایه‌ای که در روزگاران سخت می‌توانست پناه و آرامشان باشد را از یاد نبرده‌اند. سینمای جنگ با نگاه مردانه‌ای که به موقعیت‌های سینمایی داشته کمتر سراغ کنش‌ها و رفتارهای زنان در این دوران و پس از آن رفته است و این در حالی است که می‌توانست بخش‌های مهمی از ناگفته‌های جنگ مربوط به مادران و همسران شهیدی باشد که می‌تواند در قالب فیلمنامه‌های جذاب آثاری به یاد ماندنی به شمار بیایند. با این نگاه مروری می‌کنیم به آثاری که در سینمای ایران از حضور زنان در نقش همسر، مادر یا خواهر به عنوان شخصیت‌های تأثیرگذار در قصه‌شان بهره بردند و ادای دینی به این بخش از سینمای دفاع مقدس کرده‌اند.

### دوباره خرمشهر

موضوع خرمشهر شهری که ۵۴۵ روز در اشغال بود، خیلی زود وارد سینمای دفاع مقدس شده است. «کیمیا»، «سرزمین خورشید»، «دونل» به کارگردانی احمدرضا درویش و «روز سوم» به کارگردانی محمد حسین لطیفی، فیلم‌هایی هستند که با این موضوع ساخته شده‌اند. ضمن این که اولین بار به طور مشخص در تلویزیون ابراهیم حاتمی‌کیا با «خاک سرخ» روزهای ابتدایی جنگ را در قاب یک خانواده به تصویر کشید. در «کیمیا» که محصول سال ۷۳ است با قصه‌ای خاص و تأثیرگذار از تبعات جنگ روبرویم. فیلمی که درویش آن را در قالب یک داستان اجتماعی با محوریت آدم‌های خرمشهر دنبال کرد و زندگی پدری (خسرو شکیبایی) را روایت می‌کند که در زمان حمله به خرمشهر و آبادان همسرش را در بیمارستان از دست می‌دهد و پزشکی که دخترش را نجات داده آن را به عنوان فرزند نداشته‌اش بزرگ می‌کند. با بازگشت پدر از اسارت او مانند یک غریبه با دخترش مواجه می‌شود و خانم پزشک (بیبا فرهی) هم نگران از دست دادن دخترش است. هر چند فیلم با تصمیم پدر برای ترک دختر تمام می‌

شود اما تقابل چالش برانگیز پدر و پزشک زن در بخش میانی، فیلم را واجد چند قهرمان اصلی می‌کند.

شاید به دلیل سکانس تکان دهنده افتتاحیه فیلم و حمله نیروهای عراقی به خرمشهر به نظر بیاید که «سرزمین خورشید» تکرار «کیمیا» از زاویه ای دیگر است. اما مهمترین تفاوت این دو فیلم در شخصیت پردازی و قهرمان اول آن است. درویش این بار در میان جمع مردانه‌ای که به دنبال نجات خود هستند قهرمانش را زنی امدادگر انتخاب می‌کند. گروهی از مجروحان همراه با پزشکان و پرستاران، سوار بر یک آمبولانس می‌خواهند از فضای پر از دود و خون در خرمشهر فرار کنند. در این میان شش نفر از میان این گروه جدا می‌شوند تا خود را نجات دهند. هانیه امدادگر شجاعی که در کنار نجات نوزادی که به همراه دارد دیگران

را هم نجات می‌دهد. گلچهره سجادیه در نقش هانیه یکی از ماندگارترین نقش‌های زن در سینمای دفاع مقدس را بوجود می‌آورد و سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را از پانزدهمین جشنواره فیلم فجر دریافت می‌کند. «روز سوم» با نگاهی متفاوت به مقوله خرمشهر و دفاع مردمان این شهر در مقابل تجاوز می‌پردازد و با انتخاب سیمیرغ بلورین که پاهایش شکسته است و نمی‌تواند فرار کند مقاومت او را در مقابل عراقی‌ها به نمایش می‌گذارد.

ابراهیم حاتمی‌کیا هم اوایل دهه ۸۰ اولین مجموعه‌ی تلویزیونی‌اش را با نام «خاک سرخ» که داستانش درباره خانواده‌ای است که اشغال خرمشهر بهانه‌ای برای در کنار هم قرار گرفتن آنها می‌شود به آنتن شبکه یک می‌سپارد. لیلا دختری در جست‌وجوی پدر و مادرش به خرمشهر می‌آید اما شروع جنگ اتفاقات غیرمنتظره‌ای را برای او رقم می‌زند. حاتمی‌کیا با ترکیب پرویز پرستویی، لاله اسکندری، بهناز جعفری و مهتاب کرامتی مجموعه‌ای از بازیگران مستعد و پرتوان را در کنار هم قرار داد تا در ایفای نقش‌های کلیدی این مجموعه کاری پذیرفتنی ارائه کند. او سعی کرد با نگاهی متفاوت به مقاومت و صبوری زنان مسیر مهرورزی آنان را هم به تصویر بکشد.



زنده‌یاد ملاقلی پور از جمله کارگردانانی بود که به دلیل جسارت در بیان و موضوع هربار سراغ مضامینی می‌رفت که در زمان خودش تازه و حتی غیرقابل تصور بود



قابل توجه و به دور از کلیشه در این سریال بازنمایی رابطه عاطفی مردان جنگ با خانواده و همسرشان بوده است.

یکی دیگر از آثاری که در سینمای دفاع مقدس توانست تصویری مناسب از رنج‌های به جامانده از زمان جنگ در زندگی زنان و مادران نشان دهد «میم مثل مادر» است. ملاقلی پور در آخرین اثرش که در سال ۸۵ اکران شد باز هم دغدغه حضور زنان در جنگ را دارد و این بار با «میم مثل مادر» فیلمی احساسی در مدح مقام مادر می‌سازد و ادای دینی به همه مادرانی می‌کند که در زمان جنگ مجروح و زخم خورده شدند و تبعات سنگین این رنج را تا سال‌ها با خود حمل کردند. ملاقلی پور در این فیلم ضمن تقدیس مادر، تصویر زنانی که جوهره هشت سال پایداری رزمندگان مدیون مقاومت و ایستادگی آنان بوده است را به نمایش گذاشت.

#### دوباره ابراهیم

تصویر دیگری که از زنان در سینمای جنگ ثبت شده حضور آنها به عنوان خواهر و یا زنان تاثیرگذار بوده است. ابراهیم حاتمی‌کیا در سه فیلم «بوی پیراهن یوسف»، «برج مینو» و «روبان قرمز» میان قهرمانان داستان‌هایش فاصله‌ای می‌اندازد و زنانی را وارد قصه‌هایش می‌کند که بخشی از بار جنگ را به دوش می‌گیرند و به موازات جنگ زندگی‌شان را تغییر می‌دهند. این زنان گاه خود تاثیرگذار و موثر می‌شوند مانند «بوی پیراهن یوسف» که مسیر ورود به موضوع جنگ به واسطه بازگشت شیرین (نیکی کریمی)، خواهر یک مفقودالثر به کشور و جست‌وجویش برای یافتن برادر تعیین می‌شود و یا تصویری که از جنگ در «برج مینو» می‌بینیم از زاویه نگاه زنی است که برادرش شهید شده است و حالا می‌خواهد رد و نشان خاطرات او را در نخلستان‌های جنوب جست‌وجو کند.

#### نگاه متفاوت ملاقلی پور

زمانی که صحبت از فیلم‌های دفاع مقدس می‌شود نمی‌توان از حضور کارگردانی چون رسول ملاقلی پور چشم پوشید. زنده‌یاد ملاقلی پور از جمله کارگردانانی بود که به دلیل جسارت در بیان و موضوع هربار سراغ مضامینی می‌رفت که در زمان خودش تازه و حتی غیرقابل تصور بود. شاید به جرأت باید او را از معدود کارگردانان دفاع مقدس بدانیم که نگاهی متفاوت و مجزا به زنان در آثارش داشته است. زنان در آثار او زبانی پویا و کنش‌مند هستند و اگر لباس قهرمانان را به تن می‌کنند کاملاً در فضایی باورپذیر قرار می‌گیرند. او در سال ۷۴ با «نجات یافتگان» داستانش را بر محور تلاش‌های یک امدادگر زن که می‌خواهد یک رزمنده فظع نخاعی را به منطقه امن خودی برساند قرار می‌دهد. عاطفه رضوی شخصیت اصلی این فیلم، یک دختر امدادگر هلال احمر است که ناخودآگاه سر از خط مقدم در

می‌آورد و همراه با یک رزمنده زخمی در بیابان سرگردان می‌شود. ملاقلی پور در این فیلم سعی می‌کند سراغ سوژه‌ای برود که برای بسیاری ناشناخته است و سخت‌کوشی و بردباری زنان در خط مقدم جنگ را نشان دهد. در زمانی که مردم جنگ را کاری مردانه و در خط مقدم جنگیدن را مختص به مردان می‌دانستند به تصویر کشیدن تلاش دختر جوانی که علی‌رغم تمام موانع به عنوان امدادگر در فضای دود و خون حضور دارد کار چندان راحتی نیست چرا که تا آن زمان زن در سینمای جنگ تنها در حد عاملی برای پرداختن به زندگی خانوادگی رزمندگان مورد توجه قرار می‌گرفت و از این پس بود که کم‌کم حضور زنان در لحظه‌های جدی جنگ پررنگ‌تر شد. اوج این نمایش در بیش از یک دهه بعد در «روزهای زندگی» ساخته پرویز شیخ طادی دیده می‌شود. فیلمی که شاید از نظر خلق فضای جنگ و حس و حال حاکم موفق بوده و البته از معدود آثاری است که ادای دین کاملی به زنان در جنگ نه فقط به‌عنوان پزشک، امدادگر و همسر، بلکه با انتخاب شخصیت لیللا (هنگامه قاضیانی) به عنوان یک شخصیت مستقل که برای دفاع از وطن‌اش فراتر از موقعیت کنونی‌اش می‌اندیشد



حضور خودروی خورشیدی ایرانی در رسانه های جهان

# هاوین در جهان خبر ساز شد

◦ جواد حسینی نصر

خلبان مجهز است. باتری های لیتیومی این خودرو با کمک پنل های سلول های خورشیدی به مساحت شش متر مربع می تواند خودرو را به مدت چهار ساعت با سرعت ۹۰ تا ۱۵۰ کیلومتر بر ساعت براند.

نسخه قبلی این خودرو با نام «هاوین ۱» در مسابقات خودروهای خورشیدی استرالیا مقام هفدهم را به دست آورد.

در ادامه گزارش واشنگتن پست به حامیان مالی ساخت این خودرو اشاره شده است: یک بانک ایرانی و یک تولید کننده باتری که حامیان مالی این تیم تحقیقاتی هستند ۱۵۰ هزار دلار را به این پروژه اختصاص داده اند. انتظار می رود هزینه های حضور در این مسابقات و مسافرت تیم به امریکا بیش از این مبلغ باشد.

دکتر بیت الله اکبری، سرپرست این تیم تحقیقاتی می گوید به اعتقاد او این پروژه می تواند گامی در راستای اشاعه انرژی پاک در کشور ایران باشد. در ایران درصد بالایی از یارانه ها به سوخت های فسیلی اختصاص می یابد که متاسفانه باعث

رویداد در روزنامه ها و وبسایت های خبری مختلف جهان از جمله واشنگتن پست، elan، بخش خبری یاهو، دویچه وله آلمان و... شده است.

در بخشی از گزارش واشنگتن پست آمده است: اگرچه موتور و صفحات خورشیدی این خودرو از خارج وارد شده اما این تیم نوعی سیستم مسیریابی حداکثر را برای خودرو طراحی کرده است که با ایجاد اتصال بین اینونترها، شارژهای باتری و سایر دستگاه ها باعث بهینه تر شدن سلول های خورشیدی آن می شود.

به گفته فرخنده نظیری، ۲۰ ساله، مسول بخش الکترونیک پروژه و تنها عضو خانم در این تیم تحقیقاتی از دانشگاه آزاد اسلامی قزوین، آنها قصد دارند جذب انرژی خورشیدی در این خودرو را بر اساس مسیری که طی خواهد کرد بهینه سازی کنند.

وی گفت: ما در ابتدا مسیر مسابقه را شبیه سازی کرده و شرایط آب و هوا را مورد ارزیابی قرار می دهیم. سپس زوایای اشعه های خورشید در طول ۸ روز مسابقه را محاسبه می کنیم.

ایران سرزمینی است که در آن خورشید در طول شبانه روز ساعت های طولانی ای در آسمان است و این هم نشینی خورشید و علم ایرانی می تواند جاهایی منجر به اختراعاتی شود که توجه جهانیان را به خود جلب کند.

حضور خبرنگاران خبرگزاری آسوشیتد پرس در مرحله تست خودروی خورشیدی هاوین در بزرگراه قزوین - زنجان و انعکاس حضور تیم سازنده این خودروی خورشیدی در مسابقات جهانی امریکا در این خبرگزاری منجر به بازتاب این رویداد در روزنامه ها و وبسایت های خبری مختلف جهان از جمله واشنگتن پست، elan، بخش خبری یاهو، دویچه وله آلمان و... شده است.

خبر حضور خودروی خورشیدی «هاوین ۲» دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین در مسابقات جهانی خودروهای خورشیدی امریکا که اوایل تابستان برگزار می شود، بازتاب قابل توجهی در رسانه های غربی داشته است.

به گزارش ایسنا، حضور خبرنگاران خبرگزاری آسوشیتد پرس در مرحله تست خودروی خورشیدی



ترغیب عموم به استفاده از خورد های بنزینی شده است. محققان جوان و دانشجویان دانشگاه آزاد

این خوردو ۲۲۰ کیلوگرمی (۴۸۵ پوندی) دارای ۴،۵ متر (۱۵ فوت) طول، ۱،۸ متر عرض و ۱،۱ متر ارتفاع است و به یک اتاقک راننده شبیه به کابین

هاوین در بزرگراه قزوین - زنجان و انعکاس حضور تیم سازنده این خودروی خورشیدی در مسابقات جهانی امریکا در این خبرگزاری منجر به بازتاب این

اسلامی قزوین می توانند در رشد اقتصادی ایران و مخصوصا در حوزه انرژی پاک نقش مهمی را ایفا کنند که این خود باعث کاهش وابستگی ما به نفت مخصوصا در برهه کنونی که نیاز به صرفه جویی است خواهد شد.

در پایان این گزارش تصریح شده است: ماه گذشته، ایران با هدف نزدیک کردن قیمت انرژی به قیمت جهانی آن، بخشی از یارانه اختصاص یافته به انرژی را حذف کرد که در نتیجه آن قیمت بعضی از فرآورده ها تا دو برابر افزایش یافت. ایران تحت تحریم های بین المللی ناشی از برنامه هسته ای خود است.

یارانه اختصاص یافته به بنزین در گذشته باعث پایین نگه داشتن تصنیعی قیمت این فرآورده شده بود و در نتیجه هزینه یک بطری آب معدنی نسبت به یک بطری بنزین ارزان تر بود. هدف از حذف این یارانه ها آزاد کردن درآمد ناشی از هدفمند کردن یارانه برای مصرف در بخش تولید و پروژه های زیرساختی است.

به گفته مسعود مهاجر، کارشناس حمل و نقل با توجه به اینکه ایران در سال دارای ۳۰۰ روز کاملا آفتابی است و ظرفیت طبیعی لازم برای شارژ کردن پنل های خورشیدی فراهم است سرمایه گذاری دولت در حوزه انرژی خورشیدی می تواند بسیار مفید باشد.

به گفته او با حذف یارانه سوخت و انرژی و با توجه به برخورداری همه مناطق ایران از نور مناسب خورشید، انرژی خورشیدی می تواند جایگزین مناسبی برای سوخت های فسیلی باشد. خوددوری خورشیدی هاون ۱ در مسابقات جهانی



استرالیا که دو سال پیش برگزار شد در بین ۴۴ تیم دنیا به مقام هفدهم دست یافت.



متن خوان انگشتی MIT به کمک نابینایان می آید

## انگشتانی که حرف می زند

است اما برخلاف این قلم ها نرم افزار به کار رفته در این متن خوان انگشتی قادر است تمام یک خط را به طور کامل بخواند نه یک کلمه در یک زمان، چیزی شبیه به روندی که در این قلم ها شاهد آن هستیم.

شیلکروت دانشجوی دکترا طی یک مصاحبه اعلام کرد نمی تواند در مورد نسخه نهایی این دستگاه از هم اکنون خیال پردازی کند، این که آیا تنها برای انسان هایی با مشکلات بینایی کاربرد خواهد داشت یا خیر.

او می گوید: «این دستگاه مناسب برای استفاده تمامی افراد است، چه ناتوان باشند یا توانا و یا حتی افرادی با توانایی های خاص». او سناریویی را پیشنهاد می دهد که این دستگاه قادر خواهد بود متون را از زبان های دیگر نیز ترجمه کند. او معتقد است هیچ چیز با ارزش تر از آن نیست که افراد بینا و نابینا هر دو از دستگاه هایی این چنینی استفاده کنند که به طور مشخص مخصوص آنها ساخته نشده اند.

او همچنین اشاره ای دارد به بررسی که توسط انجمن سلطنتی افراد نابینا در سال ۲۰۱۱ در کشور انگلستان صورت گرفت و نشان داد که تنها هفت درصد از کتاب های موجود با حروف درشت یا خط بریل به چاپ رسیده اند که عناوین موجود با این فرمت در eBooks را نیز در برمی گیرند که این امر خود مشکلاتی را در مورد استفاده از این دستگاه در پی خواهد داشت.

هم اکنون هیچ برنامه ای فوری برای ورود این محصول به بازار در دست بررسی نیست، شیلکروت از بهای دستگاه هایی که این روزها به بازار می آیند به خوبی آگاه هست اما نمی تواند با اطمینان در مورد هزینه نهایی تولید این دستگاه نظر دهد، به علاوه فناوری هنوز درگیر کوچک تر کردن دستگاه ها، پیش بینی عملکرد مستقل و بیسیم و متناسب کردن آنها برای کار روی کامپیوتر یا گوشی های هوشمند است.

در آزمایشگاه رسانه ای MIT، محققان روی شیلکروت (Roy Shilkrot)، یوخن هابر (Jochen Huber) و دیگر اعضای گروه در حال کار روی متن خوان انگشتی (FingerReader) هستند، دستگاهی حلقه مانند که دور انگشت فرد بسته شده و متون چاپ شده را با صدای بلند و با استفاده از اصوات ترکیبی می خواند و همگی این ها به لطف یک دوربین سوار شده روی این وسیله و یک نرم افزار متن باز اصلاح شده ممکن شده است.

صدای این متن خوان انگشتی خلاصه شده و روبات مانند است، شبیه به حالتی که کسی با دندان های کلید شده صحبت کند، اما این چیزی است که گروه سازنده Finger Reader از آن آگاهی داشته و در کنار رسیدگی به سایر مسائل برای بهبود آن نیز مشغول به کار هستند. هم اکنون این دستگاه در حال طی کردن مراحل بازمینی و بررسی های اولیه است.

این دستگاه از جنس پلاستیک بوده و وزن آن بیش از وزن یک حلقه معمولی نیست. کار با آن چندان سخت نیست و تنها کافی است سر انگشت تان را روی متنی که مایلید خوانده شود قرار دهید تا لغات با صدای بلند قرائت شوند. این امر به کمک یک دوربین کوچک جاسازی شده روی حلقه امکان پذیر گشته است.

این دستگاه روی متونی با خطوط ریز همانند متن چاپ شده روی بطری دارو کار نمی کند اما قادر است متونی را که با حروف سایز ۱۲ به چاپ رسیده اند به راحتی بخواند، همچنین این دستگاه کلمات روی صفحه را خوانده و با صدایی خاص و ویژه نشان می دهد که در ابتدا یا انتهای خط بوده و یا انگشت از روی متن کنار رفته است.

بدین صورت افراد نابینا متوجه می شوند که انگشت شان منحرف شده، چرا که با هر انحراف صدای دستگاه بلندتر می شود. در کل می توان گفت که صدای آن شبیه به قلم های متن خوان



قدردانی از قربانیان و یارانشان جنگ و کره

# ماه ژوئن، ماه یادبود ارزش‌های ملی

هر جا که جنگی اتفاسق افتاده، خاطرات جنگ به بخشی از زندگی مردم آن کشور تبدیل شده است. و به هر طریق می‌خواهند یاد و خاطره ی آن روزها را زنده نگه دارند: بنای یاد بود می‌سازند، مراسم بزرگداشت برگزار می‌کنند و ... تا به نسل جوان خود یاد بدهند که چگونه از کشور خود دفاع کنند و چگونه قدردان کسانانی باشند که زندگی خود را برای آینده‌ی آنها فدا کرده‌اند. سنت ادای احترام به سربازان قربانی جنگ، به نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم برمی‌گردد، در جنگ جهانی اول سنت گرامیداشت به شکل مدرن برای سربازان اجرا شد. حس قدرشناسی، یک حس جهانی است؛ مهم نیست تو در کجا باشی و اهل کدام سرزمین، این حس درون توست و تو را وادار به احترام می‌کند. دکتر شاعر پور این تجربه را در جمهوری کره این‌گونه بیان می‌کند:

در کشور کره به شکل‌های مختلفی، به تکریم جنگ توجه می‌شود:

**بزرگداشت میهن پرستی در کره:** تقویت روحیه‌ی میهن پرستان کره‌ای، یکی از مهم‌ترین خط‌مشی‌های وزارت امور میهن پرستان و معلولین جنگ است. اساس برنامه‌ی توسعه بر پایه‌ی تجدید وحدت که با تقویت عرق ملی حاصل می‌شود - گذاشته شده است.

**ارتقای روحیه‌ی جنبش آزادی‌بخش:** دولت، طرح‌های مختلف توسعه و پرورش میهن پرستی را به تمامی ملت از طریق فراخوانی همگانی و ایثارگران ملی که در راه استقلال کره جنگیده‌اند، ترویج می‌دهد.

**گسترش اعطای نشان استقلال به شایستگان:** مؤسسه‌ی نشان ملی کره، به ۴۹۶۵ کشته شده‌ی میهنی به افتخار اهدای زندگی خود برای استقلال سرزمین اجدادی، نشان ملی اعطا نموده است.

**برگزاری جلسات سخنرانی:** به منظور ارتقای روحیه‌ی میهن پرستی: به میهن پرستانی که در مغلوب نمودن بحران‌های ملی، نظیر جنبش آزادی بخش علیه استعمار ژاپن و جنگ کره مشارکت نموده‌اند، با برشمردن تجربیات آنان به نسل جدید، از طریق مدارس و مؤسسات عالی، بنیه‌ی روحی میهن پرستان تقویت می‌شود.

**انتشار آثار جنبش آزادی‌بخش:** دولت ۸ جلد از آثار (یادداشت‌ها و تاریخچه) ایثارگران استقلال را با نام عملیات و پیروزی و ۱۰ جلد از تاریخچه‌ی جنبش آزادی‌بخش خارجی را منتشر کرده است و به مؤسسات مختلف تحقیقاتی و ادبی داخل و خارج کشور عرضه نموده است. این آثار نفیس



و گران بهای مرتبط با حرکت آزادی بخش، برای همیشه پیش روی تمام ملت کره و نسل آینده در داخل و خارج کشور و به عنوان عملکرد گذشتگان ثبت و ضبط خواهد شد.

همچنین دولت، ۳۵۲ محل تاریخی مربوط به جنبش آزادی را بررسی و مطالعه نموده است و در کتاب راهنمایی که جلوه‌های میهن پرستی و عشق به وطن را نمایان می‌کند، برای مردم کشور چاپ و منتشر کرده است. مطالعه‌ی زندگی این مردان و زنان شایسته‌ی وطن پرست، هویت و شخصیت را برای هم‌وطنان به ارمغان می‌آورد.

**برگزاری کنفرانس‌های فرهنگی داخل و خارج از کشور:** جمهوری کره، کنفرانس‌های فرهنگی گوناگونی در داخل و خارج کشور، از قبیل روز حرکت آزادی، روز استقلال اول مارس، روز آزادی (نجات) به منظور مطالعه‌ی عمیق‌تر تاریخچه‌ی جنبش آزادی بخش برگزار می‌کند.

بازگرداندن بقایای کشته شدگان میهن به وطن از خارج: جمهوری کره از میان ۱۰۵ نفر که در خارج از کشور به خاک سپرده شدند، بقایای ۱۷ کشته شده را به کشور بازگردانده است. دولت در نظر دارد تمامی این کشته شدگان را به کشور بازگرداند و با احترام خاص، آنان را در قبرستان ملی و یا گورستان اجدادی و با گزاردن نشان شهادت به خاک بسپارد.

**ساخت و نگهداری از یادبودها:** جمهوری کره از کشته شدگان میهنی و نیز کسانی که در دوره‌ی دفاع کشته شده‌اند؛ با حفظ آثار و نگهداری مراکز تاریخی، ساختن مقبره‌ها، لوح یادبود و فراخواندن مردم کشور به منظور تجدید میثاق و یادآوری تجلیل می‌کند.

**تجلیل از عملکرد ایثارگران ملی که شرافت و منزلت را برای وطن به ارمغان آوردند:** به منظور آگاهی از هدف میهن پرستان و عشاق وطن، تحقیقاتی پیرامون دوران تحصیلی تعداد کثیری از مردان با کفایت ملی انجام می‌شود و همچنین طرح به نمایش گذاشتن عکس‌ها، آثار مقدس ایثارگران ملی، زندگینامه و عملیات وطن پرستی آنان در ساختمان یادبود، با جدیت کامل پیگیری می‌شود.

**مجالس یادبود تثبیت و گسترش ارزش‌های ملی:** یادواره‌های گوناگونی از قبیل تعطیلات روزهای ملی، روزهای یادبود و مراسم تاریخی جهت تجدید خاطره با کشته شدگان وطن و آن کسانی که در دفاع از میهن جان باختند، برگزار می‌شود و از مشارکت، همکاری و فداکاری آنان قدردانی می‌گردد.



**تعطیلات ملی و روزهای یادبود عمومی:** جمهوری کره، مراسم سالگرد یادبود جنبش استقلال اول مارس و آزادی کره در ۱۵ آگوست ۱۹۴۵ را در ایام تعطیلات ملی برگزار می‌کند. روز جنبش دموکراسی دانشجویان در ۱۹ آوریل و تأسیس دولت موقت در ۱۳ آوریل نیز، از روزهای یادبود عمومی هستند.

**ماه ژوئن - ماه یادبود ارزش‌های ملی:** ماه ژوئن، ماه برگزاری مراسم یادبود است و به منظور تجلیل از فداکاری‌های ارزشمند ایثارگران، چنین نام‌گذاری شده است. مراسم جشن روز یادبود برای تسلی بازماندگان و گرمی داشتن خاطره‌ی شهدای ملی و سایر کشته شدگان دفاع ملی، احترام و تمجید از آنان برگزار می‌شود. جمهوری کره در این ماه، به ایثارگران نمونه‌های ملی که معرفی شده‌اند، لوح تقدیر اعطا می‌کند؛ ملاقات با ایثارگران ملی، روح وطن پرستی را به مردم

تذکر و آموزش می‌دهد. همچنین مراسم مذهبی - آموزشی و کنفرانس‌هایی در طول این ماه به اجرا در می‌آید و برنامه‌های فرهنگی و سخنرانی‌های ویژه‌ای از رسانه‌ها پخش می‌شود. دولت در تجلیل و تمجید از کشته شدگان میهن و کسانی که در راه دفاع از وطن کشته شده‌اند، متناسب با ارزش‌های ملی افراد قدردانی می‌کند. همچنین از ایثارگران ملی که در قید حیات هستند به لحاظ اهمیت یادواره‌ی حماسه‌های جنگ در مراسمی از قبیل تعطیلات ملی، روزهای یادبود عمومی دعوت می‌شود و به آن‌ها نشان لیاقت اهدا می‌گردد تا نسل جدید از فداکاری‌ها، ایثار و همیاری آنان آگاهی یابد. در این روزها ایثارگران ملی به طور رایگان، از قصرهای قدیمی و پارک‌ها و وسائل حمل و نقل استفاده می‌کنند. به علاوه پس از مرگ به نشان تجلیل از مشارکت و فداکاری در قبرستان ملی به خاک سپرده می‌شوند (اداره‌ی تحقیقات و مطالعات بنیاد شهید ۱۳۷۲).

# سایوکان، ورزشی دفاعی

سایوکان تلفیقی از تکنیک های انفرادی و گروهی دست و پا که از ورزش های مختلف رزمی پیشرفته و فنون مبارزات آماتور و حرفه ای است. سایوکان، سیستم دفاع شخصی است و راه دفاع در برابر یک نفر است. سایوکان آنالیز شده امتحان شده و مورد موشکافی قرار گرفته و به عنوان یک شاخه اصلی از هنر های رزمی به وسیله اساتید هنر های رزمی فدراسیون جهانی پذیرفته شده است. در این سیستم اهمیت با تکنیک های شخصی نیست بلکه با بکار گیری جنبه های فکری است. جزئیات مهم نیست بلکه عکس العمل فطری نقش مهم تری دارد.



## سیستم دفاع شخصی جدید

این آموزش برای دوره زمانی کوتاه ۱۰۸ ساعت جهت یادگیری استراتژی دفاع شخصی است در این دوره کوتاه با وضعیت واقعی روبرو خواهید شد و در دفاع از خودتان به صورت فیزیکی و فکری موفق خواهید شد. اگر شخص دارای قابلیت بالای تکنیکی نباشد این مانع از بکارگیری استراتژی گوشین سایوکان نخواهد شد در جایی که خیلی از سیستم ها دچار نقصان می شوند سایوکان تضمین دفاع شخصی بوده و می تواند به طور کامل به کار رود.

سایوکان برای کسانی که علاقه مند به هنرهای رزمی بوده اند ولی تعلیم آن را ندیده اند و یا نتوانسته اند آن را یاد بگیرند و نیاز به مشق در این امر را داشته اند ایده آل است. افراد با سن متوسط و بالاتر بدون هیچ مشکلی می توانند آن را آموزش ببینند. سیستم حمله یک به یک "یک به چند" با سلاح و بدون سلاح به کار گرفته و استفاده می شود. برنامه های کوهی "سمپای: کوتو سمپای برنامه های آموزشی هستند و کسانی که برنامه سمپای را به اتمام رسانده اند کمربند مشکی دان ۱ را دریافت خواهند کرد.

## سیستم ناک دان

ناک دان در طبقه سیستم های فول کنتاکت جهانی است. در مبارزه هیچ گونه پوشش محافظتی پوشیده نمی شود. در این سیستم مجدداً توانایی فطری جهت پاسخگویی به حمله حریف توسعه می یابد. حملات حریف بدون به کارگیری سیستم های پیچیده جواب داده می شود با عکس العمل فطری فرونشاندن خواهد شد. جزئیات زیادی برای مقابله با حریف وجود ندارد اما کارهای بخصوصی انجام می شود.

مبارزات سایوکان:

- ۱- سایوکان- (لایت کنتاکت)
- ۲- سایوکان- (سمی کنتاکت) بدون لوکیک و کلیه تکنیک های پا از کمربند به بالا
- ۳- سایوکان- (فول کنتاکت ناک اوت)

## دفاع شخصی بصورت انفرادی

سلف دفتس (SELF DENSE) سیستم دفاع شخصی که شامل درگیری‌های نزدیک و پرتاب‌ها و همچنین درگیری‌های تن به تن و گروهی که شامل نمایش انفرادی و دسته جمعی که حرکات کیک بوکسینگ حرف‌های در قسمت مربوط نشان داده می‌شود.



## دفاع شخصی گروهی

انواع سلاح‌های سرد: نانچیکو، ساي، چوب و شمشیر و سانچیکو که مربوط به سبک فوق است. (که دارای تکنیک به صورت انفرادی و دسته جمعی است)



## نمایش‌های انفرادی و گروهی

ورزشکاران رشته سایوکان می‌توانند طبق اساس نامه فدراسیون جهانی در کلیه رویدادها مسابقات داخلی و خارجی رشته‌های کبوشین- سیدوکان اشی هارا - شی دوکان - ان شین-کیک بوکسینگ و... شرکت کنند.

قیچی ساز در سال ۱۳۸۳ به قله های ۷۲۰۰ متری دیران پیک و ۷۱۲۷ متری اسپانتیک در کشور پاکستان صعود کرده و در سال ۱۳۸۴ و در سن ۲۴ سالگی توانست بام جهان اورست به ارتفاع ۸۸۴۸ متر را بدون اکسیژن فتح کند

### هشت هزار متری ها

هشت هزار متری ها چهارده کوه مستقل زمین هستند که ارتفاعشان از سطح دریا به بیش از ۸۰۰۰ متر می رسد. این کوه ها همگی در رشته کوه های هیمالیا و قراقرم در قاره آسیا قرار دارند.

نخستین تلاش ثبت شده برای فتح یک هشت هزار متری به سال ۱۸۹۵ باز می گردد که آلبرت اف. مامری و جی. نورمن کولی صعود خود به نانگا پاریات را آغاز نمودند اما مرگ مامری و دو گرگای همراهش بر اثر سقوط بهمین این تلاش را نافرجام گذاشت. نخستین صعود موفقیت آمیز ثبت شده به یک هشت هزار متری به ۳ ژوئن ۱۹۵۰ باز می گردد که موریس هرتزوک و لوئی لاشنال موفق به فتح قله اناپورنا شدند. نخستین کوهنوردی که موفق به صعود به تمامی ۱۴ هشت هزار متری شد ریتولد مسنر ایتالیایی بود که آخرین قله را در ۱۶ اکتبر ۱۹۸۶ فتح نمود. یک سال بعد در ۱۹۸۷، جرزی کوکوچای لهستانی موفق به تکرار این موفقیت شد. با وجود این مسنر این ۱۴ قله را بدون استفاده از کپسول کمکی اکسیژن فتح کرده بود و ۹ سال طول کشید تا کوهنورد دیگری به نام ارهارد لورتان بدون بهره گیری از کپسول اکسیژن موفق به فتح ۱۴ قله هشت هزار متری در سال ۱۹۹۵ شود. همچنین پوریا تاشی نیالی رکورددار فتح ۱۴ قله با ۲۶ بار صعود در فاصله سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۱ است و پس از او در جایگاه دوم، خوانیتو اوپارزابل با ۲۵ بار صعود در فاصله ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۱ قرار دارد.

ایتالیا با ۵ کوهنورد، شمار بیشترین صعود به تمامی هشت هزار متری ها را دارد و پس از آن کره جنوبی با ۴ کوهنورد و قزاقستان، لهستان و اسپانیا با ۳ کوهنورد قرار گرفته اند. نخستین زنی که مدعی صعود به هر ۱۴ قله شد اوه اون سان کره ای بود که بنا بر ادعای او اناپورنا آخرین قله ای بود که در ۲۷ آوریل ۲۰۱۰ توسط او فتح شد. اما صحت این ادعا مورد تردید گروه های مختلف قرار گرفت و حتی فدراسیون کوهنوردی کره جنوبی اعلام کرد که ادعای فتح قله کانگچونگا توسط او در سال ۲۰۰۹ نامحتمل است. همچنین ادورن پاسابان، کوهنورد رقیب او نیز این صعود را بیشتر مورد تردید قرار داده بود و در نهایت در سال ۲۰۱۰ نام ادورن پاسابان به عنوان نخستین کوهنورد زنی که موفق به صعود به هر ۱۴ قله هشت هزار متری شده بود اعلام گردید. عظیم قیچی ساز تنها هیمالیانورد ایرانی است که توانسته به سیزده قله بالای هشت هزار متری صعود کند. همچنین در اوت ۲۰۱۱، گرلینده کالتنبرونر اتریشی نخستین زنی شد که هر ۱۴ قله هشت هزار متری را بدون استفاده از کپسول اکسیژن فتح نمود.

یک قدم مانده تا ورود به باشگاه هشت هزار تایی ها

## عزم عظیم در برابر عظمت کوهستان

هنگامی که صبح سه شنبه یازدهم اردیبهشت خبر صعود عظیم قیچی ساز به قله شیشاپانگما منتشر شد، کسانی که پیگیر اخبار ورزشی به خصوص کوهنوردی بودند به اهمیت کار عظیم پی بردند. او سیزدهمین قله ۸ هزار متری دنیا را فتح کرده و تنها یک قله ی دیگر باقی مانده تا عظیم قیچی ساز، اولین ایرانی باشگاه هشت هزار تایی ها شود. عنوانی که به کسانی داده خواهد شد که ۱۴ قله بالای هشت هزار متر دنیا را فتح کرده اند و در طول تاریخ تنها ۲۹ نفر از ملیت های دیگر موفق به کسب این افتخار شده اند.

عظیم قیچی ساز متولد ۱۳۶۰، تبریز، تنها  
 هیمالیانورد ایرانی است که توانسته به سیزده  
 قله بالای هشت هزارمتری صعود کند



### جوان ایرانی

اما حکایت عظیم قیچی ساز در دست و پنجه نرم کردن با هشت هزار متری‌ها از سال ۱۳۸۴ و با صعود به سلطان کوه‌ها یعنی اورست آغاز شد. شاید در ابتدا صعود به همه‌ی این قله‌ها آرزویی دور و دراز بود اما امروز تنها یک گام بیشتر به محقق شدن رویای جوان آذربایجانی ایرانی باقی نمانده. عظیم قیچی ساز متولد ۱۳۶۰، تبریز، تنها هیمالیانورد ایرانی است که توانسته به سیزده قله بالای هشت هزارمتری صعود کند.

عظیم قیچی ساز کوهنوردی حرفه‌ای را از سال ۱۳۷۹ آغاز کرده است؛ اولین صعود جدی‌اش بر می‌گردد به صعود قله ماربل وال به ارتفاع ۶۴۰۰ متر در کشور قزاقستان. وی در سال ۱۳۸۲ در ترکیب تیم ملی بزرگسالان برای صعود به قله ۸۰۶۸ متری گاشر بروم ۱ اعزام شد ولی اعضای تیم به علت وقوع حادثه برای هموردشان محمد اوراز از ارتفاع ۷۸۰۰ متری اقدام به بازگشت و انتقال پیکروی به پائین کردند.

قیچی ساز در سال ۱۳۸۳ به قله‌های ۷۲۰۰ متری دیران پیک و ۷۱۲۷ متری اسپانتیک در کشور پاکستان صعود کرده و در سال ۱۳۸۴ و در سن ۲۴ سالگی توانست بام جهان اورست به ارتفاع ۸۸۴۸ متر را بدون اکسیژن فتح کند.

او در سال ۱۳۸۵ صعودی انفرادی و با هزینه شخصی به بلندترین قله رشته کوه‌های هندوکش (نوشاق ۷۴۹۵ متر) را اجرا کرد و در زمستان همان سال تیم مستقلی برای بانوان تبریز برای صعود به قله آزارات ترکیه تشکیل داد.

قیچی ساز در سال ۱۳۸۷ موفق به صعود به قله برودپیک به ارتفاع ۸۰۴۸ متر در پاکستان شد و در سال بعد در قالب تیم هیئت کوهنوردی استان آذربایجان شرقی به عنوان سرپرست و تشکیل دهنده تیم موفق به فتح شمالی‌ترین و سردترین قله هفت هزارمتری جهان (جنگیش چوکوسو) به ارتفاع ۷۴۳۹ متر در قرقیزستان گردید. او در بهار سال ۱۳۸۹ سرپرستی تیمی را به عهده گرفت که موفق به فتح قله دائولاگیری، هفتمین قله مرتفع جهان به ارتفاع ۸۱۶۷ متر شد. و سپس در تابستان همان سال فاتح نهمین قله مرتفع و دومین قله خطرناک جهان نانگاپاربات ملقب به «کوه قاتل» به ارتفاع ۸۱۲۵ متر در قراقروم پاکستان گردید.

در سال ۱۳۹۰ قله کانچن چونگاسومین قله بلند جهان را فتح کرد. در تابستان همین سال او توانست به قله‌های گاشر بروم ۱ و گاشر بروم ۲ از دیگر قله‌های بالای هشت هزار متر صعود کند. در بازگشت از گاشر بروم ۲ بود که لایلا اسفندیاری در هنگام بازگشت از این قله سقوط کرد و در گذشت. او در اسفند سال ۱۳۹۰ به همراه یک گروه



صعود کرد و با صعود به قله ماناسلو صعودهای خود به قله بالای هشت هزار متری دنیا را به ۱۰ قله رساند.

وی در فروردین ۱۳۹۲ برای صعود به قله ماکالو راهی نپال شد و سرانجام به عنوان اولین ایرانی این قله را در اردیبهشت ۱۳۹۲ فتح کرد. شیپانگ پانگ-لیو، کوهنورد چینی در هنگام بازگشت از این قله سقوط کرد و در گذشت. در شهریور ۱۳۹۲ راهی نپال شد و قله چو اوپو را هم صعود کرد. او در فروردین ۱۳۹۳ برای صعود به قله شیشاپانگما چهاردهمین قله بلند جهان راهی تبت شد. و این قله را هم صعود کرد.

به جز اورست (از کمپ ۴ تا قله جنوبی ۸۷۰۰ متر)، تمامی صعودهای قیچی ساز بدون استفاده از کپسول اکسیژن و بدون همراهی باربر ارتفاع انجام گرفته است.

بین المللی، صعود به قله آنپورنا در نپال را آغاز کرده و پس از یک تلاش ۵۰ روزه در اردیبهشت سال ۱۳۹۱ به این مهم دست یافت.

طبق اخبار سایت رسمی فدراسیون کوهنوردی جمهوری اسلامی ایران این کوهنورد ایرانی در ساعت ۱۰:۵۰ (به وقت محلی پاکستان) روز سه شنبه دهم مرداد ماه سال ۱۳۹۱ موفق شد به فنی ترین و سخت ترین قله جهان، کی ۲ (K2) معروف به کوه وحشی، با ۸۶۱۱ متر ارتفاع (دومین قله بلند جهان پس از اورست) در پاکستان صعود کند. عظیم قیچی ساز در ۸ مهرماه ۱۳۹۱ ساعت ۹:۳۴ به وقت ایران در شرایطی سخت و برف سنگین به همراه مهدی قلی پور دیگر کوهنورد تبریزی قله ۸۱۶۳ متری ماناسلو در منطقه Gorkha (گورخا) واقع در Mansiri Himal که بخشی از هیمالیا در نپال است را بدون استفاده از اکسیژن مصنوعی

# گردش در دنیای مجازی با خاطری آسوده

○ افسانه علیزاده

## مقابله با باج‌گیرها

با خیال راحت در حال کار کردن با سیستم‌تان هستید که ناگهان همه چیز قفل می‌شود. هرچه تلاش کنید اتفاقی نمی‌افتد. شما دیگر نه با یک لپ تاپ یا کامپیوتر که با یک تکه سنگ طرف هستید! داستان چیست؟ پای یک «باج‌افزار» در میان است. باج‌افزارها گروه دیگری از بدافزارها هستند که کامپیوتر قربانی را قفل و از صاحب آن در مقابل آزاد کردن سیستم، پول تقاضا می‌کنند. در مقابل آزاد کردن سیستم، پول تقاضا می‌کنند. برای پاک کردن این بدافزارهاست.

## حلقه نجات

همه راه و روش‌هایی که در بالا ذکر شد کمک بسیار زیادی به امن ماندن و ایمن بودن ارتباط‌ها و سیستم‌های شما در فضای مجازی می‌کند اما اگر با وجود همه مراقبت‌ها و به‌روزرسانی‌ها کامپیوترتان اسیر بدافزارها شد، بسته به نوع آلودگی مثلا می‌توانید از McAfee Labs Stinger برای رهایی استفاده کنید. با HijackThis هم می‌توانید در اسرع وقت به تنظیمات تغییر یافته در کامپیوتر خود پی ببرید و آنها را به حالت اولیه برگردانید.

## حذف بدافزارها

برنامه‌هایی مانند Malwarebytes AntiMalware بدافزارهای احتمالی موجود روی کامپیوتر شما را تشخیص می‌دهند حتی اگر بدافزارها

قالب یک بازی محبوب مخفی کنند. برنامه‌های رایگان مختلفی در اینترنت برای مقابله با این بدافزارها وجود دارد. spybot search and destroy یکی از آنهاست.

از اسپم‌ها هم غافل نشوید. اسپم‌ها منتظر فرصتی هستند تا سیستم شما را زیر رو کنند. اگر آن‌ها نتوانند گان خدمات ایمیل مانند یاهو یا گوگل این سرویس را به کاربران خود ارائه می‌کنند. با برنامه‌هایی مانند SPAMfighter هم می‌توان با اسپم‌ها یا حملات فیشینگ در Outlook، Outlook Express، Windowsmail مقابله کرد. در حملات فیشینگ کاربر را لینک آلوده به صفحه‌ای جعلی هدایت می‌شود که بدافزارها و هکرها در آن به کمین نشسته‌اند.

## آنتی‌ویروس

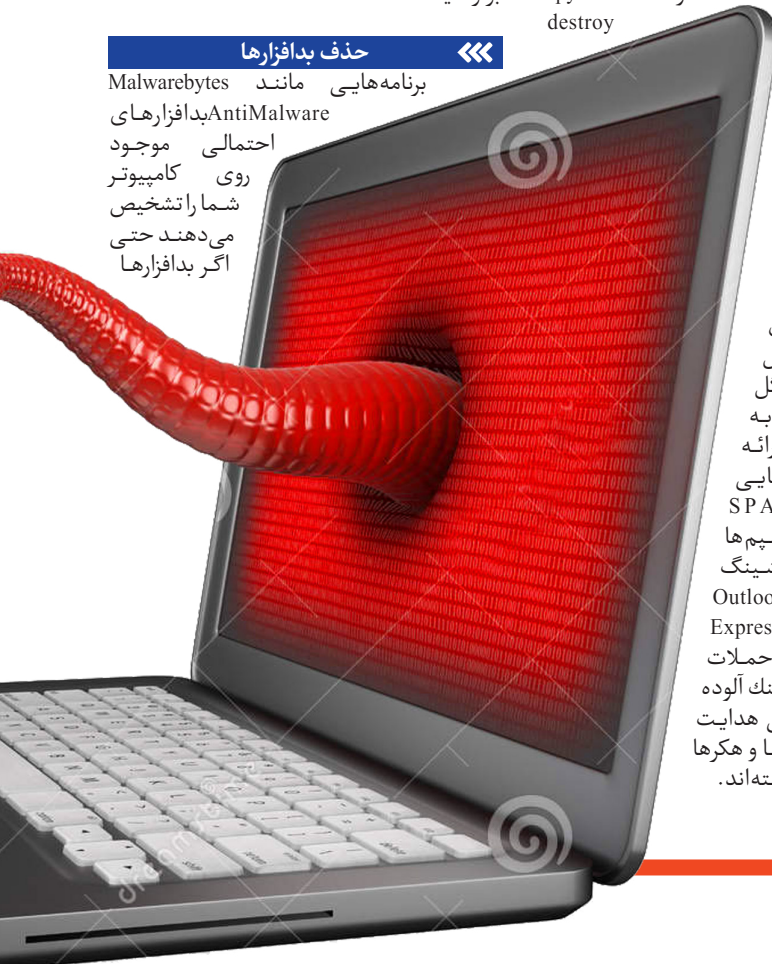
همه با کارکرد آنتی‌ویروس‌ها آشنا هستند. کامپیوتر شما باید حتما مجهز به یک بسته ایمنی ضد بدافزارها باش. آنتی‌ویروس‌ها یکی از اجزای این بسته‌اند. این برنامه‌ها ورودی‌ها و خروجی‌های کامپیوتر شما را زیر نظر دارند و به صورت خودکار در صورت اتصال به اینترنت خود را به روز می‌کنند. نسخه‌های رایگان آنتی‌ویروس‌های مختلف مانند AVG، Comodo، Avira، Avast و... نیاز کاربران خانگی را برطرف می‌کنند.

## فایروال

«دیوار آتشین» یا «فایروال» جزو دیگری از بسته ایمنی کامپیوترها یا شبکه‌های کامپیوتری است. با فایروال می‌توان دسترسی به شبکه‌ها یا خدمات مختلف را مدیریت کرد. این نرم‌افزار ترافیک داده بین کامپیوتر شما و شبکه (مثلا اینترنت) را کنترل می‌کند و بر اساس تنظیمات قبلی تصمیم می‌گیرد کدام بسته اجازه گذر از دیوار آتشی را دارد و کدام نه. از جمله محبوب‌ترین فایروال‌ها می‌توان به ZoneAlarm اشاره کرد.

## برنامه‌های ضد جاسوسی

دسته‌ای دیگر از فایل‌های فوق‌العاده خطرناک، جاسوس‌افزارها هستند. آنها همانطور که از نامشان پیداست در پی جمع‌آوری اطلاعات از کامپیوتر قربانی و همچنین رصد کردن فعالیت‌های او در هنگام کار با کامپیوتر هستند. مثلا این جاسوس‌افزارها ممکن است خود را در





عناوین مطالب

تماس با ما

آرشیو

دوستان

صفحه اصلی

## منتظرم نباش

● خانه مجازی ایثار...

درینگ، درینگ. زنگ تلفن قطع نمی‌شد، پی در پی و او را از خواب پرانند. زن ملحفه را از رویش پس زد، با خودش گفت: «کیه این وقت شب! شاید خبری از برات باشه.» هراسان گوشی تلفن را به دست گرفت، صدای برات از آن سوی خط در گوشش پیچید: «دیگه منتظرم نباش. من در این دنیا نیستم...» گوشی تلفن از دست لرزان زن پایین افتاد. بوق پیایی آن سوی خط در گوشش طنین انداخت، عرق سردی بر تنش نشست، با دو دست گوش‌هایش را گرفت و یکباره از خواب پرید.

با هر زنگ تلفن منتظر خبری از او بود. درست یک هفته گذشت. درینگ، درینگ. زنگ تلفن قطع نمی‌شد، پی در پی و او را از خواب بعد از ظهر پرانند. زن ملحفه را از رویش پس زد، با خودش گفت: «کیه این وقت روز؟» گوشی تلفن را به دست گرفت؛ صدایی از آن سوی خط زمان شهادت برات را به او می‌رساند. گوشی تلفن از دست لرزان زن پایین افتاد؛ مات و مبهوت به تقویم دیواری خیره ماند!

برات، درست همان شبی شهید شده بود که در خواب گفته بود: «منتظرم نباش.»

راوی: همسر شهید برات اعلمی

۴۷

● شاهد جوان / شماره ۱۰۶



از روش‌های نوین و پیچیده استفاده کنند. این نرم‌افزار برنامه‌ها و پروسه‌های کامپیوتر شما را دائم زیر نظر دارد و به محض مشاهده فرایندی مشکوک، زنگ خطر را به صدا در می‌آورد. برخی از بدافزارها به مرور زمان کامپیوتر شما را از درون خورده و نابود می‌کنند. آنها درست مثل یک غده سرطانی رشد می‌کنند.

### نسخه پشتیبانی

با همه این تفصیلات بهترین کار این است که یک نسخه پشتیبان از کامپیوتر خود تهیه کنید. تهیه نسخه پشتیبان از داده‌های کامپیوتری ساده‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای احیای اطلاعات از دست رفته است. Paragon Backup & Recovery یکی از بسته‌های نرم‌افزاری رایگان و کارآمد برای تهیه نسخه بک‌آپ است. این نرم‌افزار تمام اطلاعات شخصی و تنظیمات سیستم عامل را از یک هارد دیسک به هارد دیسک دیگر منتقل می‌کند.



تندروی با اهداف سیاسی

# پشت پرده بوکو حرام



اتفاقی که در نیجریه افتاد، نام گروه تندرو بوکو حرام را چند صباحی در صدر اخبار رسانه های بین المللی قرار داد. اتفاق تلخی که جدا از شکل و ماهیت اتفاق افتادنش، یقیناً مملو از پشت پدیده‌هایی است که شاید عامه از آنها غافل بمانند ولی تحلیل گران سیاسی و اجتماعی به دقت آن را رصد می کنند.

به شدت تحت تاثیر نظرات ابن تیمیه است. آرای ابن تیمیه مبنای نظری مکتب سلفی است. محمد یوسف حتی کروی بودن زمین را هم زیر سوال برده است. با کشته شدن وی در سال ۲۰۰۹، فرد دیگری به نام ابوبکر شکوه رهبر این گروه شده است. این گروه تاکنون با حملات متعددی به بانک ها و رستوران‌ها و فروشگاه‌های بزرگ دست به کشتارهای بی‌رحمانه ای زده است.

بوکو حرام (Boko Haram) به زبان هوسه به معنی تحصیل غربی حرام است با نام رسمی جماعه اهل السنه للدعوة والجهاد یک گروه مسلح و تندرو در کشور نیجریه است که خواستار تعطیلی تمامی مدارس نوین و تحمیل قانون شریعت بر تمامی ۳۶ ایالت نیجریه است.

این گروه تاکنون دست به کشتارهای متعددی زده از جمله کشتار در روستای ایزگه، کشتار در روستای مایدوگوری و ماینوک. اما آنچه با واکنش شدید رسانه ای مواجه شد ربودن ۲۷۶ دختر دانش آموز توسط این گروه در آوریل ۲۰۱۴ بود. این دختران ۱۶ تا ۱۸ ساله از یک مدرسه شبانه روزی در شمال شرقی نیجریه ربوده شدند. گفته می شود حدود ۵۰ تن از این دختران پس از ربوده شدن موفق به فرار شده‌اند. دو هفته پس از آن ابوبکر شکاو رهبر این گروه تروریستی در یک نوار ویدیویی ضبط شده اعلام کرد این دانش آموزان را به عنوان برده معامله می کند. وی صراحتاً اعلام کرد این دختران در بازار برده‌ها فروخته می‌شوند و یا با زور به ازدواج مردان درمی آیند.

قوانین شریعت اسلامی از سال ۲۰۰۰ میلادی در شمال نیجریه اجرا می‌شود برخی گروه های تندرو از جمله گروه خودخوانده طالبان نیجریه و گروه «بوکو حرام» خواهان اجرای قوانین اسلامی در سراسر نیجریه هستند. درگیری‌های مسلمانان تندرو با دولت نیجریه در ایالت‌های کانو، بورنو و یوبه در شمال نیجریه در ماه ژوئیه سال ۲۰۰۹ صدها کشته برجای گذاشت.

گروه بوکو حرام در سال ۲۰۰۲ توسط محمد یوسف در مایدوگوری بنیان گذاری شد و در سال ۲۰۰۴ به کاما در ایالت یوبه نقل مکان کرد. این گروه در آنجا پایگاهی به نام «افغانستان» بر پا کرده است. محمد یوسف به شدت با دموکراسی، آموزش سکولار و دانش مخالف بود. او سلفی‌ست و

## واقعیت نهفته

اما انتشار مصاحبه یک مقام دیپلماتیک کشورمان در خصوص گروه بوکو حرام و ماهیت آن نشانه از مسائل گوناگونی دارد. سفیر ایران در سازمان همکاری های اسلامی با اشاره به اینکه بنا بر گزارش های غیررسمی تا ۹۰ درصد از بدنه گروه بوکو حرام که اخیراً تعدادی دختر را در نیجریه ربوده اند غیرمسلمان هستند، گفت: هر میزانی که کشورهای اسلامی و سازمان همکاری های اسلامی از برخورد با گروه هایی که ادعای اسلام گرایی می کنند و

به ترویج خشونت می پردازند فاصله بگیرند قدرت هایی مثل فرانسه وارد می شوند. حمیدرضا دهقانی نماینده ایران در سازمان همکاری های اسلامی درباره گروه بوکو حرام گفت: گروه بوکو حرام گروهی است که در سال ۲۰۰۲ توسط فردی به نام محمد یوسف که تحصیل کرده عربستان سعودی است، در نیجریه تاسیس شده است.

نماینده ایران در سازمان همکاری های اسلامی ادامه داد: اقدامات این گروه در ادامه یک سلسله اقدامات بود که در بخش های شمالی نیجریه انجام می دادند. در این بخش ها بیشتر مسلمانانی زندگی می کنند که از جهت فقر یک اختلاف طبقاتی فاحش با دیگران دارند و همین امر باعث شده بوکو حرام بتواند در این مناطق نفوذ کند.

وی درباره ترکیب گروه بوکو حرام گفت: در بدنه این مجموعه بسیاری از افراد دارای دین های غیر از اسلام هستند و نه تنها بدنه این گروه مسلمان نیست بلکه اکثریت آنها غیرمسلمان اعم از مسیحی، بت پرست و بی دین های آفریقا هستند و مسلمان ها در بدنه اقلیت را تشکیل





می دهند.

وی تاکید کرد: به نظر می رسد آن چه در آفریقا و نیجریه در حال انجام است بخشی از پروژه کلی تری است که در آفریقای غیرعربی و سیاه در حال رخداد است. این پروژه به این شکل است که یک سری از گروه ها به دلیل اختلافات طبقاتی زیاد و دور ماندن از قدرت و امکانات و جهل در این کشورها و همچنین درک نادرست و ظاهری از اسلام برداشت های نادرستی از این دین را ترویج می دهند.

نماینده ایران در سازمان همکاری های اسلامی گفت: مجموعه ای از این عوامل باعث شده که اتفاقات اخیر در سطح کل آفریقای سیاه رخ دهد که نمونه آن را علاوه بر نیجریه در آفریقای مرکزی، مالی و دیگر کشورها شاهد هستیم و مقابله با این حرکات نیز مقابله درست و صحیحی محسوب نمی شود، یعنی برای موضوع یک معالجه درست در نظر گرفته نمی شود.

وی ادامه داد: قدرت های بزرگ به ویژه شورهای مانند فرانسه به دنبال تامین اهداف خود از این روند هستند و نه تنها دخالت آنها در مجموع به حل موضوع کمک نکرده بلکه به اعتقاد برخی ناظران و مسئولان به بخشی از مشکل در این

مناطق تبدیل شده است.

دهقانی بیان کرد: به نظر می رسد جهان اسلام، علماء اندیشمندان و به ویژه دولت های اسلامی باید برای معالجه امر دست به اقدام زنند و اولین اقدام این است که چهره خشن و سطحی نگرانه ارایه شده از اسلام در این منطقه را تصحیح کنند. نماینده ایران در سازمان همکاری های اسلامی تصریح کرد: آن چه در آفریقا در حال انجام است جنگ یک دین علیه دین دیگر نیست بلکه یک جنگ سیاسی است. گروه هایی هستند که برای جلب مردم و حمایت برخی از کشورها اعم از مسلمان و مسیحی به خود رنگ دینی می دهند.

وی با اشاره به سفری که دو هفته پیش به همراه دبیرکل سازمان همکاری های اسلامی و وزیر امور خارجه گینه کوناکری به عنوان رئیس دوره ای شورای وزیران سازمان همکاری های اسلامی به آفریقا و کشورهای کنگو و چاد داشته است بیان کرد: در این سفر بیشتر با ابعاد این گروهها در آفریقا آشنا شدیم و مشکلاتی از جانب گروه بوکوحرام و گروههای دیگری مانند سلیکا و آنتی بالاکا مطرح شد.

دهقانی افزود: گروه سلیکا خود را مسلمان معرفی

می کردند و این در حالی است که اعضای این گروه نیز مسیحی بودند اما با اسم مسلمان بودن اقدامات خشونت آمیزی انجام می دهند و از سوی دیگر گروه آنتی بالاکا که خود را مسیحی معرفی کرده است به بهانه مقابله با گروه سلیکا اقدامات تروریستی در بانگی پایتخت آفریقای مرکزی انجام می دهند و تعداد زیادی از مسلمان های بانگی به همین دلیل کشته شده اند.

وی تصریح کرد: اقدامات مختلفی در جهت تضعیف مردم مسلمان در شهر بانگی صورت می گیرد؛ به نحوی که بسیاری از مردم در فرودگاه بانگی از ترس اقدامات تروریستی گروه بالاکا چادر زده بودند. همچنین بیش از ۵۰۰ نفر از مسلمانان در مسجد بانگی زندگی می کند.

دهقانی گفت: به نظر می رسد که اگر چه گروه بوکوحرام تاریخچه طولانی تری دارند اما این گروه نیز تا قبل گروگانگیری اخیر در رسانه ها مطرح نشده بودند.

وی گفت: تحولات اخیر در آفریقای مرکزی و دخالت شورای امنیت و فرانسه و ورود نیروها به این کشور نشان می دهد که در آینده همین اتفاقات برای نیجریه به بهانه گروه بوکوحرام رخ خواهد داد.

# آدرسی

محمد رضا پستک

برگزیده اولین جشنواره ادبی شاهد، کانون همبستگی فرزندان شاهد

او نساخته است، اندامی لاغر و ظریف دارد، پیراهنی که به تن کرده به حدی گشاد است که بخش اعظم دامن پلیسه دار سیاهش را پوشانده است و تا روی زانوهایش می رسد، دست هایش را مرتب بهم حلقه می کند تا اضطراب درونش را پنهان کند، مرضیه استکان را برداشته لب می زند هنوز داغ است، نگاهشان باهم تلافی می کند، بارقه ی امید در لابلای نگاه مضطرب زن دیده می شود، مرضیه با لبخندی که چهره ی سالخورده اش را جذاب تر نشان می دهد می گوید

- شما خانم آقای صبوری هستین؟  
- بله، ببخشین دیشب که به موبایل شوهرم زنگ زدین گفتین به شوهرم بدهکار هستین، شما شوهر منو از کجا می شناسین؟

مرضیه جمله ی آخر زن را خوب می گیرد، فکر می کند اضطراب زن به همین موضوع مربوط می شود، بلافاصله جواب می دهد

- نه، من نه، همسرم بدهکاره، البته مال خیلی وقت پیشه، من تازه متوجه

مرضیه جواب سلام بچه ها را می دهد و دستی به سرشان می کشد  
- سلام، مامان تون کجاست؟  
صدای همان زن که ظریف و نازک است تو گوشش می نشیند

- سلام خانوم، بفرمایین خوش اومدین. خانه ی صبوری کوچک و محقر است، یک تخته فرش نخ نمای آذرشهر با یکی دو تا مخده ی کج و کوله به همراه یک کمد چوبی زوار دررفته بایک در آویزان کل وسایل اتاق را تشکیل می دهد، پسر بچه ها در گوشه ای از سرو کول هم بالا می روند، زن با سینی چای از سمتی وارد شده دامنش را زیر زانوهایش جمع می کند و می نشیند، یکی از استکان ها را جلو مرضیه می گذارد و می گوید  
- بفرمایین.

- دستتون درد نکنه، مزاحمتون شدم.  
- نه بابا، چه مزاحمتی.

زن برای این که کاری کرده باشد گره روسری عنابی اش را کمی سفت می کند و چشمان درشت و سیاهش را به مرضیه می دوزد مرضیه نیم نگاهی به زن می اندازد، معلومه که روزگار به

مرضیه جلو درب قهوه ای رنگ خانه ای قدیمی می ایستد و نیم نگاهی به پلاک آبی شماره ۴۴ که روی آجرهای نم کشیده بالای درب به چهار میخ کشیده شده می اندازد، دوباره به آدرسی که روی کاغذ مجاله شده دستش است می نگرد و دگمه ی زنگ در را می فشارد، نگاهی به کوچه می اندازد، کوچه باریک و خلوت است و جوی آبی آلوده از وسطش عبور می کند صدای زانهای از پشت آیفون معمولی جواب می دهد

- کیه؟

- ببخشین منزل آقای صبوری؟

- بله، شما؟

- من، من توفیقی هستم، دیشب بهتون زنگ زده بودم.

- بله، بله، بفرمایین.

با صدای تق ایی در باز می شود، مرضیه مکثی کرده چادر مشکی اش را سفت می گیرد و در را به آرامی هل می دهد هنوز وارد خانه نشده دو پسر بچه با فاصله سنی کم به پر و پایش می پیچند:

- سلام خاله.

- سلام.

شدم، یک ماهه که دارم دنبال آدرستون می‌گردم، خدا را شکر که بالاخره پیدا تون کردم.

- مثلاً چند وقته؟

- درست نمی‌دونم، فکر کنم مال بیست بیست و پنج سال پیش باشه.

زن چشم هایش گرد می‌شود، بیست و پنج سال پیش اون هنوز شوهر نکرده بود، مرضیه فکر زن را می‌خواند

- تا اونجا که می‌دونم شوهر شما اون وقت تو یک قهوه خونه بین راهی کار می‌کرد، می‌خوره به تور همسر من، کیف پول اش گم شده بود، یه کم پول قرض می‌گیرد، اما خوب قسمت نبود که خودش پس بدهد.

خنده ی نصفه نیمه ایی صورت زن را پر می‌کند

- آره، جعفر خودش تعریف می‌کرد که یه مدت شاگرد قهوه‌چی بوده، مال خیلی وقت پیشه، اما در مورد شوهر شما چیزی به ما نگفته، حالا چرا خودتون نیومدن؟

- همسر من شهید شده.

خنده روی لب‌های زن خشک می‌شود و یه نمه اشک گوشه ی چشمش می‌دود.

- شهید شده؟ خدا رحمتشون کنه، کی؟

- همون روزا که از شوهر شما قرض گرفته بود، فکر کنم یکی دو ماه بعدش، البته ما خبر نداشتم، مفقود بود، دو ماه پیش پیداش کردند، کوله پشتی‌اش کنارش بود، من اسم شوهر شما را از دفترچه توی کوله پشتی یادداشت کردم، خودش نوشته بود، خطشو می‌شناسم.

زن لبش را می‌گزد، یه کم سر در گم شده است، بچه‌ها هم چنان بازی

می‌کنند.

- او، اونوقت چه جوری مارو پیدا کردین؟

- مفصله، تا همون قهوه خونه رفتم، قهوه‌خونه‌چی آدرس عموی شوهرتون را که توی ده نزدیک قهوه‌خونه زندگی می‌کنه بهم داد، عموی شوهرتون خبری از شما نداشت یعنی آدرس تونو بلد نبود، اما راننده مینی بوس ده شوهر شما را می‌شناخت، به یکی دو جا زنگ زد و بالاخره شماره تلفن شوهرتون را پیدا کرد.

- پس خیلی سختی کشیدین، چای تون سرد شد، می‌خوایین عوض اش کنم؟

- نه، زیاد داغ نمی‌خورم، حالا شوهر شما کی میان؟

- نمی‌دونم، راننده است، شاید... یعنی دست خودش نیست، شما می‌تونین پولو بدین به من، من می‌دم بهشون.

یکی از پسر بچه‌ها همانطور که مشغول بازی است داد می‌زند

- بابام زندانه، پول نداره زندونیش کردن.

زن رنگ پریده سرش را پایین می‌اندازد، دستش آشکار می‌لرزد، مرضیه معطل مانده که چه بگوید، یکی دو قلپ چایی می‌خورد.

- خدا بد نده، چی شده؟

- چی بگم خانوم، تصادف کرده بیمه‌اش تموم شده بود، زده پای یه بنده خدایی را شکسته، دیه می‌خوان نداره، ماشین هم مال خودش نیست که بفروشه.

- ناراحت نباش خدا کریمه، حالا دیه‌اش چقدری هست؟

- به سه میلیون تومن راضی شدن،

یک میلیون جور کردیم، یعنی طلاها مو فروختم، دویست هزار تومن هم آقا جونم جور کرده، اما دیگه چیزی نداریم. مرضیه به فکر فرو می‌رود، رضا را می‌بیند که کاپشن نویش را به برهنه‌ای داده وبا تن لرزان وارد خانه‌شان می‌شود، خنده و اشک باهم تو صورتش جا خوش می‌کنند، با محبت به زن می‌نگرد

- خیلی خوب، پس حله، فردا می‌تونن بری بی شوهرت.

مرضیه بزور دو تا از الگو هایش را در می‌آورد، پوست دستش سرخ می‌شود و می‌سوزد، زن با تعجب نگاه می‌کند، مرضیه الگوها را به زن می‌دهد و دوهزار تومان نیز از داخل کیفش که سوا گذاشته است بر می‌دارد و کنار الگوها می‌گذارد.

- این بدهی همسرم، ایناروهم بفروش برو شوهرتو خلاص کن بگو رضا را حلال کنه.

زن مبهوت به مرضیه می‌نگرد، می‌خواهد حرفی بزند نمی‌تواند بغض راه گلویش را بسته است، با دست میان اشک و آه اشاره می‌کند که نمی‌توانم قبول کنم، مرضیه بغلش می‌کند و صورتش را می‌بوسد، بچه‌ها دست از بازی کشیده و متعجب به آن‌ها می‌نگرند، مرضیه در حالی که اشک چشمش را پاک می‌کند می‌گوید

- اگه قبول نکنی روح رضا دلگیر می‌شه از دست همه‌مون ناراحت می‌شه، به شوهرت بگو بقیه شو رضا بهش قرض داده اگه عمری باقی بود بعد بیست بیست و پنج سال برگردونه.

# سرمشق

## تقدیم به همسران شهدا

هرروز اروندی به خون خفته ، از گونه هایت می شود جاری  
جامانده خرمشهر در چشمت ، با زخم هایی کهنه و کاری  
هر لحظه دارد نقش می بندد ، خطی شکسته روی پیشانی ت  
قدت خمید و چشم هایت شد ، استاد نستعلیق بیداری  
تقسیم کن این درد را با من ، این آه های سرد را با من  
تا حس کنی سرشانه هایت را ، یک لحظه در حال سبک باری  
دیوارهای خانه فهمیدند ، زخمی ست سرتاپای لبخندت  
یک عمر با چشمان کنج قاب ، کردند از قلبت پرستاری  
مویت گلوله های برفی را ، آرام با خود می کشد هر سو  
از جنگ جامانده ست تا امروز ، در تو نشانه های بسیاری  
از شانه هایت درس می گیرند ، گاهی تمام مرد ها حتی  
دنیا سرش بالا است وقتی تو ، سرمشق زن های وفاداری  
طاقت بیاور بار غم ها را ، طاقت بیاور بیش و کم ها را  
من حتم دارم عشق را هرگز ، در خود به زانو در نمی آری

حسنا محمدزاده

## ترنم حضور

... و از یاد بردی نگاهی غمین را  
به قرآن زدی بوسه ی واپسین را  
به تو اقتدا کرده بودم همان شب  
تو "ایاک" خواندی و من "نستعین" را  
چه شبهای سردی که دنبال جسمت  
به سر ریختم خاک این سرزمین را  
عروسی که دنبال تو در دل خاک  
شبی یافت ، انگشتی بی نگیں را  
عروسی که هر عید می چیند اینجا  
به عشق حضور تو هر هفت سین را  
سرت ، لاله شد روی این خارها تا  
منقش کند با تو میدان میمن را  
سیه پوشم و شک ندارم که باید  
تو روشن کنی جاده های یقین را  
من و یک دل زار و یک کربلا درد  
کجا دیده دنیا غمی این چنین را  
صبوری کند عا شقی که سپرده  
به دست خدا دلبری نازنین را  
سارا سادات باختر

چقدر نامه نوشتم به دست باد سپردم  
برای آمدنت شب به شب ستاره شمردم  
چقدر گرد گرفتم من از اتاق تو مادر  
برای باور مردم قسم به جان تو خوردم

در انتظار تو و قصدی که هیچ نیامد  
هزار مرتبه جانم به لب رسید و نمردم  
و عکس های تو را ، من امیدوار و صبور  
برای هر که می آمد ز جبهه بردم و بردم

صدای زنگ در ، اما ، همیشه دغدغه زا بود  
نیامدی و من از آن چه خون دل که نخوردم  
چقدر هروله کردم میان کوچه و ایوان  
و بال روسری ام را به زیر پلک فشردم

چه پستی که از این خانه می گذشت شتابان  
چقدر نامه نوشتم به دست باد سپردم

### پروانه نجاتی

## به یاد شهیدان جاوید

استخوانها به شهر برگردید ، دلمان عطر  
خاک می خواهد  
آسمان هم برای دیدن خود ، تکه ای از  
پلاک می خواهد

استخوانها کمی هوا ابريست ، چه بگو یم شما  
که می دانید  
گفتن از بالهای خون آلود ، سینه ای چاک  
چاک می خواهد

ماه هر شب از التهاب زمین ، به خودش از  
حریق می پیچد  
اینطرف ها که نیستید از شرم ، ماه شاید  
مفک می خواهد

من از روزها دلم خون است ، تو کجایی که  
عشق بنویسی؟  
شاید اصلا سرودن از تو و عشق ، قلمی دردناک  
می خواهد

قاب عکست به سینه دیوار ، چشمهایت  
هوای رفتن داشت  
تو و انگشت های نا آرام ... دستهایی که  
ساک می خواهد

روی دستان شهر می پیچید ، عطرتان در  
مشام گنجشکان  
بین این روزهای مصنوعی ، کوچه ها عطر  
تاک می خواهد

شاعر: رحمت اسماعیل زاده



## قایقی باهشت سرنشین

مصطفی رحیمی  
نشر شاهد

این کتاب بر اساس خاطرات شهید "هوشنگ ترکاشوند" به قلم مصطفی رحیمی است که توسط نشر شاهد و با همکاری و حمایت بنیاد شهید و امور ایثارگران سمنان در بیست و هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه شده است.

کتاب "قایقی باهشت سرنشین"، روایت زندگی پرفراز و نشیب شهید ترکاشوند است که از کوچه باغ های یک روستا آغاز می شود، در دانشگاه به اوج می رسد و در جزیره مجنون پایان می یابد.

تدوین این کتاب با مراجعه به اسناد مکتوب و مصاحبه با خانواده، دوستان و هم‌زمان شهید صورت گرفته است و بخش دیگر آن، دست نوشته ها و یادداشتهای روزانه این شهید است.

شهید ترکاشوند در سال ۱۳۳۵ در شهرستان ملایر متولد شد و پس از گذراندن دوران متوسطه در سال ۱۳۵۴ در رشته ی ادبیات عرب، در مقطع لیسانس وارد دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران شد.

همزمان با ورود به دانشگاه با شرکت در اعتصابات دانشجویی به مبارزه با رژیم شاه پرداخت که همین امر سبب شد تا توسط ساواک با قطع کمک هزینه ی تحصیلی از خوابگاه دانشگاه اخراج شود.

این شهید پس از پیروزی انقلاب اسلامی در جریان تسخیر لانه ی جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ جزو اولین کسانی بود که دیوار سفارت آمریکا را فتح کرد، و با فاصله کمی پس از آن مبارزه سرسختانه خود را با منافقین در دانشگاه آغاز کرد. هم چنین وی در سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ در ستاد انقلاب فرهنگی و کمیته ی علوم انسانی، مسوول جهاد دانشگاهی دانشکده ی ادبیات دانشگاه تهران نیز بوده است.

شهید هوشنگ ترکاشوند که با آغاز جنگ تحمیلی به ندای عقل و وجدانش راهی جبهه های نبرد شد، با عضویت در گروه تخریب در جریان کربلای هویزه با انفجار خمپاره ای همراه دو نفر از دوستانش به نام شهید حسن سیف و موسوی به شدت مجروح می شود تا این که در ۸ آبان ماه ۱۳۶۲ در جریان عملیات خیبر در جزیره ی مجنون به دیدار معبود شتافت.

کتاب "قایقی باهشت سرنشین"، در ۱۷۰ صفحه، با شمارگان ۳ هزار نسخه و بهای ۲هزار و ۲۰۰ تومان برای اولین بار توسط نشر شاهد در نمایشگاه کتاب عرضه شد.

## شعله های عاشق

رقیه سادات نیری  
نشر شاهد

«شعله های عاشق» به قلم رقیه سادات نیری، یادنامه شهدای شهرستان "نیر" از توابع اردبیل است که توسط نشر شاهد و با همکاری بنیاد شهید و امور ایثارگران این استان به تازگی به چاپ رسیده است.

این کتاب روایت شـرح مختصری از زندگینامه، خاطرات، وصیتنامه و تصاویر ۶۱ شهید شهرستان نیر را دربرمی گیرد.

اطلاعات این کتاب توسط مصاحبه با خانواده ها، دوستان، هم‌زمان و همکاری بنیاد شهید جمع آوری و تدوین شده است.

«شعله های عاشق» با شمارگان یک هزار و ۲۰۰ نسخه و در ۵۶۰ صفحه، توسط نشر شاهد روانه بازار کتاب شده است.

## گفتگو با راضیه تجار نویسنده حوزه دفاع مقدس

### زمانی برای بالندگی

ارزیابی کنونی شما از وضعیت ادبیات داستانی در حوزه دفاع مقدس چیست؟

من معتقدم ادبیات داستانی ما در حوزه دفاع مقدس، نهالی بوده که کاشته شده و اکنون به درخت تناوری تبدیل شده است که دیگر سر فرو نمی آورد و نمی شکند. ما آن را باور کرده ایم و برای ادامه حیاتش تلاش می کنیم. اما این درخت تناور هنوز با آنچه که انتظارش را داریم، فاصله دارد. هنوز شاخه های این درخت، سر به آسمان نسوده. بر این اساس است که می گویم باید حرکت های تازه ای صورت گیرد و نویسندگان ما از کلیشه و شعارگویی بپرهیزند. در طول سال هایی که ادبیات دفاع مقدس پدید آمده، آثار فراوانی خلق شده که بخش کوچکی از آن را می توان آثاری مانا و ماندگار دانست. بسیاری از آثار، در گذر زمان محو می شوند و فقط بخش کوچکی از عبور زمان جان به در می برند.

راضیه تجار معتقد است که ادبیات داستانی که حوزه دفاع مقدس، درخت تنومندی شده که دیگر فرو نخواهد افتاد. اما این درخت، هنوز سر به آسمان نسوده است و باید همچنان برای بالندگی آن تلاش کرد. با او در مورد ارزیابی اش از ادبیات داستانی در حوزه دفاع مقدس و افق های پیش رو گفت و گویی داشتیم که خواهید خواند.

### ادبیات در ترویج و تبیین فرهنگ ایثار و شهادت، تا چه میزان توان نقش آفرینی دارد؟

نقش و تأثیر ادبیات را نمی توان انکار کرد و خصوصاً در این زمینه، نقش بسیار پررنگی دارد. نویسندگان اگر از موضوع دفاع مقدس دریافت قلبی داشته باشند و به آن بیان هنری لازم رسیده باشند، با قلب مخاطبان ارتباط می گیرند و اثرشان نقش پررنگی در ترویج فرهنگ شهادت طلبی و ایثار خواهد داشت.

### بیان هنری نقطه مقابل بیان مستقیم و شعاری است؟

بله دقیقاً. اگر در موضوع دفاع مقدس، بیانی سطحی و شعاری داشته باشیم، در واقع یک دفاع بد به انجام رسانده ایم و شاید تأثیری معکوس بر مخاطبان به جا بگذاریم. نویسندگان ما لازم است جهان داستان را به خوبی بشناسند و از نصیحت و شعاردهی در ساحت داستان بپرهیزند تا به توفیق برسند.



### نسبت به آینده این شاخه از ادبیات داستانی، چه نظری دارید؟

خوشبختانه همیشه دغدغه خلق آثار ادبی در حوزه دفاع مقدس وجود داشته و طیف گسترده ای از نویسندگان وجود دارند که به نگارش آثاری در این زمینه مشغولند. به همین دلیل من شرایط را رو به پیشرفت می بینم و نسبت به آینده خوشبینم.



باشگاه مهربانی پل ارتباطی ما و شماست. با ما در تماس باشید و شماره‌ی خود را هم برآیمان بفرستید، شاید روزی صدای گرم شما هم، دلگرممان کند

### نیلوفر آقامیتی - تهران

\* نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟  
- مجله‌ی خوبی است من هر ماه دریافت می‌کنم. مطالب و خواندنی دارد.

\* کدام صفحه را بیشتر دوست دارید؟  
- صفحه‌ی مهارت.

\* چه صفحه‌ای را نمی‌پسندید؟  
- هر صفحه خوبی خودش را دارد.



### مهدی محمدی - اردبیل

\* شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟  
- بله.  
\* مجله شاهد جوان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
- از اینکه مطالب مجله شاهد جوان سالم، سازنده و مثبت هستند هیچ شکمی نیست اما اگر طرح روی جلد به شخصیت چهره‌های مختلف می‌پرداخت بهتر بود.

### الییا محمدی - زنجان

\* نظرتان در مورد شاهد جوان چیست؟  
- مجله خوبی است. تمام صفحاتش را دوست دارم به ویژه صفحه‌ی ۲ همیشه متن‌های جالبی دارد.  
\* به نظر شما چطور می‌توانیم فرهنگ ایثار و شهادت را رواج دهیم؟

### محبوبه پاریاب - دهلران

\* نظرتان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟  
- در بین مجلات مورد علاقه‌ی من مجله شاهد جوان مجله خوب و جذابی است.

\* صفحات مورد علاقه شما کدام صفحات هستند؟  
- من نسبت به صفحات اجتماع، سبک زندگی، سلامت، نور و نقره، نقد و نظر و... علاقه خاصی دارم.

\* شما می‌دانید ۳ خرداد چه روزی است؟  
هر ایرانی باید بداند ۳ خرداد روز غرور ایرانی است، روز فتح خرمشهر.



- به فرموده‌ی رهبر انقلاب. جنگ امروز جنگ نرم است و باید فرهنگ سازی کنیم فقط یادی از شهدا و جانبازان کردند دردی را دوا نمی‌کند. امروز باید به زبان جوان امروز صحبت کرد.

## زهر اشهابی دهلران

\* به نظر شما چطور می‌توانیم در جامعه‌ی امروز، راه شهدا را برویم و به جوانان و نوجوانان اطرافمان آموزش بدهیم؟  
- به وصیت شهدا عمل کنیم، همین.

## مهدی صادقی، دلبران

\* شما مجله‌ی شاهد جوان را دریافت می‌کنید؟  
- بله. هر ماه.

\* نظر تان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟  
- مجله خوب است ولی بعضی از مطالب سنگین و علمی است.  
به نظر من بهتر است در مجله یک فرم نظرخواهی بگذارید تا ما بیشتر با شما در ارتباط باشیم.

## مرتضی آدینه، ایلام

\* نظر تان در مورد مجله‌ی شاهد جوان چیست؟  
- نظرم مثبت است. مجله‌ی خوبی است. ببخشید من یک سؤال از خدمتتان داشتم. اگر مطلبی برای مجله ارسال کنم چاپ می‌کنید؟

- مطالبی که به مجله‌ی ما ارسال می‌شود را، دبیر مجله مطالعه می‌کنند و در صورت صلاح دید به چاپ می‌رسد.  
من می‌توانم برایتان مطلب ارسال کنم

بله حتماً. شما مطلبتان را ارسال کنید.

\* به نظر شما جای چه مطلبی در مجله خالی است؟  
- صفحه‌ی خاطرات شهدا را بیشتر کنید ممنونتان می‌شوم.

## مجید سالم

\* به نظر شما چطور می‌شود راه شهدا را ادامه داد؟

سوال مهمی است در یکی دو جمله قابل گفتن نیست. باید به راه شهدا عمل کرد و به آنچه که آن‌ها اعتقاد داشتند بیشتر بها داد.

## مهرداد کرد - تهران

\* کدام قسمت از مجله شاهد جوان برای شما جذاب‌تر است؟

من بیشتر به صفحه‌های علمی و ورزشی علاقه دارم ضمن اینکه نیم‌نگاهی هم به سینما دارم

\* فکر می‌کنید جای چه مطالبی در مجله خالی است؟

از آن جایی که جوان امروز به رسانه‌های زیادی دسترسی دارد فکر می‌کنم مطالبی مانند روانشناسی، راه و روش زندگی در دنیای امروز و مطالب کاربردی با اینکه همیشه تکرار می‌شوند ولی به عنوان اینکه تلنگر و یادآوری باشد، همیشه به کار جوانان می‌آید.

\* متشکرم از اینکه به ما وقت دادید و نظر تان را اعلام کردید

من هم به همه دوستانی که برای مجله زحمت می‌کشند خسته نباشید می‌گویم.

## عاطفه نریمان زاده -

### پریس

\* کدام بخش از مجله برای شما جذابیت بیشتری دارد؟

فکر می‌کنم مباحثی مثل سبک زندگی و مهارت و فکر می‌کنید چه بخشی باید به مجله اضافه شود؟

خب سرگرمی در قالب مطالب متنوع و مطالب کاربردی

\* مثلاً در چه حوزه‌ای؟

نمی‌دانم، این هنر شماست که مخاطب را با ذائقه‌های مختلف راضی نگه دارید

\* و تا اینجا خود شما چقدر رضایت داشته‌اید؟  
من چند شماره بیشتر نیست که مخاطب مجله شما شده‌ام ولی رضایت نسبی دارم و اعتقاد دارم حوزه مباحثتون میشه گسترده‌تر باشه.

## رحیم دلفان - خرم‌آباد

میتونم سن شما رو پرسیم؟

- خواهش می‌کنم. من ۲۷ سال سن دارم.  
فکر می‌کنید مجله‌ی ما چه نیازهای فرهنگی جوان‌هایی در سن و سال شما رو میتونه برآورده کنه؟

- ببینید نیاز به دونستن موضوعیه که نه سن، نه جنس و نه چیزهای دیگه رو میشناسه  
حالا شاهد جوان رو چطور می‌بینید؟  
- خب طبیعتاً یکسری مطالب من توی مجله شما می‌خونم که جاهای دیگه نمی‌بینم...

مثلاً چه مطالبی

- موضوع‌های مربوط به جبهه چه در قالب طنز و چه جدی، اینکه این مطالب حتی به جدول شما هم راه پیدا کرده برای من جالبه.

این مطالب تونسته رضایت نسبی شمارو برآورده کنه؟

- بله به خصوص برای نسل ما که بعد از اون دوران به دنیا اومدن

## نامه‌های رسیده

علی فریدی - علی‌آباد کتول، آصف  
صفایی - سمنان، سمانه پارسا - مهدی  
شهر - عارف صفایی، لیلیا متوسلیان -  
سمنان، حمید صبانجیان - سمنان،  
دامغانی - مهدی شهر - علیرضا  
- سمنان، رضیه جوادیان - سمنان،  
نازنین زهرا سمیعی - اراک، علی  
غنی‌زاده - کرمان، عباس حاج محمدی -  
زرنج



راستش در این شماره هم به تیت شما «متولدین هر ماه» تفاعلی زدیم به وصیت شهدا که امید در آینده و وصیت شهدا برسیم به آنچه که از ما می‌خواهند و خدا می‌خواهد و ما می‌خواهیم.

تقال

« شما ای برادرانم در کارهایتان خدا را در نظر بگیرید و کار برای خدا بکنید و هر مسئولیتی که دارید بنحو احسن انجام دهید و شما ای خواهرانم: حجاب خود و مسئولیت انسان‌سازی خود را فراموش نکنید که این مسئولیت از خون شهید بالاتر است و از همه مردم می‌خواهم مرا ببخشند و برایم طلب مغفرت کنند. شهید مصطفی محمدی فر

### اردیبهشت

« مدتی بی حرمتی بسیار شد این زمان از خواب دل بیدار شد محو کن بی‌حرمتیهای مرا عفو کن دونه‌های مرا ای عطا از تو، خطا بر ما نگیر ای وفا از تو، جفا بر ما نگیر آید از ما آنچه آید از لعیم تو بکن آنچه آید از کریم

شهید رابع جیواد

### خرداد

« مرگ را به یاد آورید روز قیامت را به یاد آورید بدانید هر چه که در این دنیا انجام دهید در قبال آن مسئول هستید این دنیا به زودی خواهد گذشت. پس بکوشید در این دنیا برای جهان دیگر توشه بردارید که بهترین توشه تقوی می‌باشد. شهید محمد حقانی صرمی

شهید محمد حقانی صرمی

« من شما را وصیت می‌کنم که دستورات اسلام را به خوبی انجام دهید و همیشه یار و پیر و خط ولایت فقیه باشید که رستگاری بزرگ در دنیا و آخرت هم همین است. شهید حسین علی کلانتری ترک آباد

### مرداد

« راضی باشید به رضای خداوند و در برابر خواسته‌های خداوند تسلیم باشید در راه خداوند از هرگونه جهاد و ایثار دوری نکنید و از جنگ و قدرت نهراسید و در میدان آزمایش خداوند قرار دارید از آن دوری نکنید و هیچگونه ترسی از دشمنان خداوند نداشته باشید و در مقابل زور و ستم استقامت کنید. شهید عبدالرضا داربی فر

### شهریور

« اگر به یاری دین خدا بشتابید خداوند شما را یاری می‌کند و قدم‌هایتان را ثابت می‌کند. شهید مصطفی فخر ذاکری

### مهر

« خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنهادر راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را بکشند و یا خودکشته شوند. شهید اکبر مصطفایی

شهید اکبر مصطفایی

شما برادران و خواهران عزیز متحد یکصدا و یکدل و یکزبان برای یاری اسلام محیا و آماده باشید و بدانید که دشمن اصلی ما آمریکا است.  
**آبان**  
شهید محمد هدایت کلیشادی

همانا دوست می‌دارد خدا آنانکه پیکار کرده علیه دشمن و همچون سد آهنین در مقابل آنها هستند.  
**آذر**  
شهید نعمت‌اله رضائی آدریانی

باید در راه خدا با دنیا خوارانی که زندگی این سسرا را برخوشبختی جاوید برگزیده‌اند پیکار کنید هرکس در راه خدا بجنگد و کشته شود یا پیروز گردد به زودی به او پاداش بزرگ خواهیم داد.  
**دی**  
شهید محمد تقی روایی

چون ما شیعه‌ایم و شیعه نیز منتظر، بایستی به راستی خود را آماده نماییم و این با شعار به دست نمی‌آید. عملاً در این نهضت با پیکار در راه خدا و پیکار با نفس را آغاز کنیم. نکند به عنوان شیعه خود را فریب دهیم، بکوشید تا امام زمان از دستمان راضی باشد و واقعا آماده و منتظر باشید انشاءالله.  
**بهمن**  
شهید شعبان‌علی اکبری باصری

ملت مسلمان و ای مؤمنین! این بنده قابلیت آن را ندارم که توصیه کننده باشم ولی طبق وظیفه‌ای که بر گردنم دارم، وصیت می‌کنم که برای رسیدن به خدا، هدایت الی الله، همیشه به یاد خدا باشید. ذکر خدا داروهای روحی است که آدمی را دلگرم و مطمئن می‌کند، کسی که به یاد خدا باشد، هیچ گناهی نمی‌کند.  
**اسفند**  
شهید مقصود اسماعیلی





Martyr Seyyed Abdulkarim Hashemi Nejad was born on 1933 in Behshahr. The era of his growth was the peak of Reza Shah Dictatorship. At first he went to Ayatollah Kouhestni Hozeh near his city and then to Qom to study Islamic Sciences.

He was the student of Ayatollah Boroojerdi, Allameh Tabatabaei and Imam Khomeini. He went to Mashad in 1961, began to teach and struggle against Shah's Regime and in 1972 Savak outlawed his speeches.

After the victory of Islamic Revolution he rendered great services. M.K.O considered him as the first personality of Mashad who should be killed to break the back bone of System and on Sep,27,1981 he was killed by them.

ترجمه‌ی شماره قبل تازه رفته بودم کلاس اول که پدرم رفت جبهه. تا بهمن ماه جبهه بود. چند بار برای مرخصی خانه آمد و با اینکه فرصت کمی داشت، طوری برنامه‌ریزی کرد که حتما سری هم به مدرسه ما بزند. بعدا فهمیدم گاهی برای ترغیب من به درس خواندن هدیه می‌خریده و به مدرسه می‌آورده تا بهم بدهند. آخرین هدیه‌اش وقتی دستم رسید که شهید شده بود. خاطره‌ای از شهید محمد شهاب



---

از شما خوانندگان عزیز مجله می‌خواهیم در صورت تمایل متن فوق را ترجمه کرده و به آدرس ما ارسال کنید. به بهترین ترجمه جایزه داده می‌شود.

---

برنده ترجمه‌ی شماره گذشته:  
نیما امینی

---



کاریکاتور است: محمد کارگر

خوانندگان عزیز مجله‌ی شاهد جوان می‌توانند برداشت خود را از کاریکاتور نوشته و به دفتر مجله ارسال کنند. مجله‌ی شاهد جوان ضمن اعلام برندگان به بهترین نوشته جایزه می‌دهد. حتماً روی پاکت قید شود: مربوط به شاهد جوان.

برنده شماره گذشته:  
پرهام پروز



**بهترین لحظات خود را  
با مجله شاهد جوان تجربه کنید**